

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی

عنوان:

بررسی فرهنگ و آداب و رسوم مردم منطقه قلعه قاضی بندرعباس

استاد راهنما:

نگارش:

فهرست

۱	چکیده:
۲	مقدمه
۴	فصل اول
۴	کلیات
۴	۱-۱- بیان مسئله
۶	۲-۱- پیشینه تحقیق:
۷	۳-۱- سؤال ها و فرضیه های تحقیق:
۷	۴-۱- روش تحقیق:
۸	۵-۱- استفاده کنندگان از نتایج تحقیق:
۹	فصل دوم
۹	حوزه فرهنگی و تاریخی و جغرافیایی
۹	هرمزگان و قلعه قاضی
۱۰	۱-۲- مقدمه:
۱۰	۲-۲- موقعیت جغرافیایی:
۱۱	۳-۲- آب و هوا:
۱۱	۴-۲- ناهمواریها:
۱۲	۵-۲- کوه ها:
۱۲	۶-۲- دشت ها:
۱۲	۷-۲- منابع آب:
۱۳	۸-۲- بادها:
۱۳	۱۰-۲- پوشش گیاهی:
۱۴	۱۱-۲- جنگل ها:
۱۵	۱۲-۲- جانوران:
۱۵	۱۳-۲- جغرافیای تاریخی
۱۵	۱-۱۳-۲- تقسیمات کشوری:
۱۷	۱۴-۲- جغرافیای انسانی

۱۷	۲-۱۴-۱- جمعیت :
۱۸	۲-۱۴-۲- توزیع و تراکم جمعیت:
۱۸	۲-۱۴-۳- ساختار سنی و ترکیب جنسی:
۱۸	۲-۱۴-۴- دین و مذهب.....
۱۹	۲-۲- منطقه قلعه قاضی :
۱۹	۲-۲-۱- آب و هوا:
۱۹	۲-۲-۲- منابع آب ورودخانه ها :
۲۰	۲-۲-۳- پوشش گیاهی :
۲۰	۲-۲-۵- قلعه قاضی در گذر تاریخ در سال ۱۳۴۵.....
۲۳	فصل سوم.....
۲۳	فرهنگ و آداب و رسوم مردم.....
۲۳	قلعه قاضی (فولکلور).....
۲۴	۳-۱- مقدمه.....
۲۴	۳-۲- تعریف فولکلور :
۲۵	۳-۳- آداب تولد :
۲۶	۳-۴- مراسم ششک نوزاد:
۲۶	۳-۵- نام گذاری :
۲۶	۳-۶- آداب از دواج :
۲۷	۳-۷- خواستگاری:
۲۸	۳-۸- دوران نامزدی:
۲۸	۳-۹- کاغذ گرونی (عقدکنان) :
۲۹	۳-۱۰- بستن سیرگ (Serg):
۳۰	۳-۱۱- مراسم هیزم چینی:
۳۰	۳-۱۲- آوردن لوتی برای هیش :
۳۱	۳-۱۳- طلبیدن مردم برای بردن رخت عروس:
۳۲	۳-۱۴- شروع عروسی:
۳۳	۳-۱۵- شل کردن حنای عروس :

- ۳-۱۶- حنا بندان : ۳۳
- ۳-۲- آداب مرگ : ۴۱
- ۳-۲-۱- مراسم قرآن خوانی : ۴۲
- ۳-۲-۲- مراسم سه روز : ۴۳
- ۳-۲-۳- مراسم چهل روز : ۴۴
- ۳-۲-۴- مراسم چهار ماه : ۴۴
- ۳-۲-۵- مراسم سال : ۴۴
- ۳-۳- عزاداری ها و مراسم های مذهبی در این منطقه : ۴۵
- ۳-۳-۱- روضه خوانی ۴۵
- ۳-۳-۲- نمونه یک نوحه : ۴۶
- ۳-۳-۳- علم گردانی : ۴۷
- ۳-۳-۴- حجله گردانی : ۴۸
- ۳-۳-۵- مراسم سنگ زنی : ۴۸
- نمونه ای از نوحه سنگ زنی : ۴۸
- ۳-۳-۶- مراسم شام غریبان : ۴۸
- ۳-۳-۷- تعزیه خوانی : ۴۹
- ۳-۴- مجالس تعزیه خوانی و مراسم های مذهبی در این منطقه : ۵۱
- ۳-۴-۱- مجلس اوّل : روانه شدن مسلم به کوفه : ۵۱
- ۳-۴-۲- مجلس دوم : «ورود مسلم به کوفه» : ۵۱
- ۳-۴-۳- مجلس سوم : شهادت مسلم بن عقیل ۵۲
- ۳-۴-۴- مجلس چهارم : گلشن ۵۲
- ۳-۴-۵- مجلس پنجم : نقل مکان ۵۲
- ۳-۴-۶- مجلس ششم : رخصت ۵۲
- ۳-۴-۷- مجلس هفتم : بار کردن امام (ع) ۵۳
- ۳-۴-۸- مجلس هشتم : منزل شُقوق ۵۳
- ۳-۴-۹- مجلس نهم : نمایان شدن حر ۵۳
- ۳-۴-۱۰- مجلس دهم : راه گم کردن امام ۵۳

- ۱۱-۴-۳ - مجلس یازدهم : شهادت حر ۵۴
- ۱۲-۴-۳ - مجلس دوازدهم : ورود ابن سعد به کربلا..... ۵۴
- ۱۳-۴-۳ - مجلس سیزدهم :شهادت وهب کلبی ۵۴
- ۱۴-۴-۳ - مجلس چهاردهم :آب آوردن علی اکبر..... ۵۴
- ۱۵-۴-۳ - مجلس پانزدهم :ورود شمر به کربلا..... ۵۴
- ۱۶-۴-۳ - مجلس شانزدهم :شهادت محمد بن علی و عبدالله مسلم ۵۴
- ۱۷-۴-۳ - مجلس هفدهم : شهادت عبدالله بن حسن و جعفر بن علی (ع)..... ۵۵
- ۱۸-۴-۳ - مجلس هجدهم : هجوم (پاس خیمه ها) ۵۵
- ۱۹-۴-۳ - مجلس نوزدهم : شهادت عون بن علی (ع)..... ۵۵
- ۲۰-۴-۳ - مجلس بیستم : چاه کندن حضرت عباس (ع)..... ۵۵
- ۲۱-۴-۳ - مجلس بیست و یکم : شهادت دو طفلان زینب ۵۵
- ۲۲-۴-۳ - مجلس بیست و دوم : شب عاشورا..... ۵۶
- ۲۳-۴-۳ - مجلس بیست و سوم : روز عاشورا..... ۵۶
- ۲۴-۴-۳ - ماه مبارک رمضان:..... ۵۷
- ۲۵-۴-۳ - مراسم فاتحه خوانی :..... ۵۷
- ۵-۳ - نوز و اعیاد و دیگر مراسمات:..... ۵۸
- ۱-۵-۳ - چگونگی پیدایش نوز:..... ۵۸
- ۲-۵-۳ - آداب نوز در منطقه قلعه قاضی :..... ۵۹
- ۳-۵-۳ - سبزه نوزی :..... ۶۰
- ۴-۵-۳ - پوشاک نوزی..... ۶۰
- ۵-۵-۳ - نهادن بوی خوش بر آتش:..... ۶۰
- ۶-۵-۳ - خانه تکانی:..... ۶۰
- ۷-۵-۳ - غذای نوزی:..... ۶۰
- ۸-۵-۳ - اعتقادات نوزی:..... ۶۱
- ۹-۵-۳ - هوای دام زان:..... ۶۱
- ۱۰-۵-۳ - تاب نوزی:..... ۶۲
- ۱۱-۵-۳ - کشتی:..... ۶۲

- ۶۲ ۱۲-۵-۳ - نوروز خوانی:
- ۶۴ ۱۳-۵-۳ - تحویل سال نو.....
- ۶۴ ۱۴-۵-۳ - سیزده بدر:
- ۶۵ ۱۵-۵-۳ - عید سعید غدیر خم:
- ۶۶ ۱۶-۵-۳ - عید قربان:
- ۶۷ ۱۷-۵-۳ - قبله دعا:
- ۶۷ ۱۸-۵-۳ - استخاره:
- ۶۸ ۱۹-۵-۳ - استخاره با تسیح:
- ۶۸ ۲۰-۵-۳ - فال حافظ:
- ۶۹ ۲۱-۵-۳ - آوای بلبل «فال بلبل»:
- ۶۹ ۲۲-۵-۳ - سرکتاب باز کردن:
- ۷۱ ۲۳-۵-۳ - هو (How) سیل کردن:
- ۷۲ ۲۴-۵-۳ - خسوف و کسوف:
- ۷۲ ۲۵-۵-۳ - چل بر:
- ۷۳ ۲۶-۵-۳ - جناغ شکستن:
- ۷۵ فصل چهارم.....
- ۷۵ اعتقادات ، باورها و بازی های سنتی مردم قلعه قاضی
- ۷۶ ۱-۴-اعتقادات مردم قلعه قاضی:
- ۷۹ ۲-۴ - آل و زن زائو:
- ۸۱ ۳-۴ - جن:
- ۸۲ ۴-۴ - آداب انتخاب حیوانات نذری:
- ۸۳ ۵-۴ - گاه شناسی.....
- ۸۴ ۲-۴ - بازی ها:
- ۸۴ ۱-۲-۴ - مقدمه:
- ۸۶ ۲-۲-۴ - ۲-رماز:
- ۸۶ ۳-۲-۴ - دارتوپا:
- ۸۸ ۴-۲-۴ - لاتنگا Latanga:

۸۸:Korkomoocha کرکموچا -۵-۲-۴
۸۸: شاه و وزیر: -۶-۲-۴
۸۸: Sang Chacla سنگ چلکا -۷-۲-۴
۸۹: Dara درآ -۸-۲-۴
۹۰: بازی اشتر پول: -۹-۲-۴
۹۱: آقای زنجیر باف: -۱۰-۲-۴
۹۲: Exkeju آخ-کجو -۱۱-۲-۴
۹۳: Teck Por Hov تک پر هو -۱۲-۲-۴
۹۳: Tamajok تما جک -۱۳-۲-۴
۹۳: Chakora چکرا -۱۴-۲-۴
۹۴: Dokhtoloka دختلولوکا -۱۵-۲-۴
۹۴: Darkalaka دارکلکا -۱۶-۲-۴
۹۵: Kankaljow کنکلجو -۱۷-۲-۴
۹۶: فصل پنجم
۹۶: نتیجه گیری

چکیده:

آداب و رسوم یک ملت نحوه رفتار روزمره آنان با یکدیگر و از جمله خرده فرهنگ هایی است که زیربنای توسعه اجتماعی یک جامعه محسوب می شود. این رساله به آداب و رسوم مردم قلعه قاضی بندر عباس از بدو تولد تا مرگ اشاره دارد و به خرده فرهنگ های بکر و دست نخورده مردم این منطقه به صورت مفصل و مشروح می پردازد و هر موضوع را به طور کلی و مفهومی همراه با شواهد ارائه می دهد و به بعضی از عقاید در این مراسم ها می پردازد که در نوع خود در استان هرمزگان بی نظیر است .

به طور کلی برآنیم که ضمن مقایسه آداب و رسوم مردم این منطقه با دوره های تاریخی ایران به خصوص دوره غزنویان، در پایان به بیان رسومات مشابه و توضیح درباره آن ها بپردازیم . هم چنین برای شناساندن هرچه بهتر فرهنگ و آداب و رسوم منطقه قلعه قاضی و موقعیت جغرافیایی و تاریخی آن، به این مهم پرداخته ایم.

(کلیدواژگان : قلعه قاضی - فولکلور - فرهنگ عامه - - بندرعباس)

مقدمه:

ذهن جستجوگر انسان به دنبال پاسخی است که دریابد، فرهنگ و تمدن بشری چگونه تحول یافته و این تفاوت های نسبی فرهنگ بشری برای چیست؟

بی شک گونه های مختلف فرهنگ عامیانه که عبارتند از: آثار داستانی، ادبی، تاریخی، هنرهای زبانی، فرهنگ و آداب و رسوم، همگی علاوه بر بیان نحوه زندگی انسان و وسیله ای برای تحقیقات مردم شناسی هستند. بررسی تخصصی و تطبیقی فرهنگ عامیانه ی ملت ها به راحتی جزئیات پیرامون زندگی اجتماعی و تجربیات آنها را برای ما روشن می کند.

طبیعی است که هر جامعه ای بتواند عناصر فرهنگ سنتی را همراه عناصر مدرن نوسازی و بازسازی کند می تواند تمام زیر ساخت های جامعه خود را متناسب با اهداف توسعه همه جانبه در سطوح مختلف اقتصادی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هماهنگ پیش برد. بدیهی است در جامعه ای که تجانس فرهنگی و فرهنگ مشترک وجود داشته باشد وحدت، همبستگی و وفاق ملی بوجود می آید شهروندان به اعتبار نژاد، قومیت و عقاید مذهبی به هویت مشترک دست می یابند، نظام سیاسی در جامعه ثبات پیدامی کند و این ثبات و هماهنگی فرهنگی توسعه ملی را در پی خواهد داشت. در مقابل این انسجام فرهنگی اگر جامعه ی در حال توسعه عدم تجانس فرهنگی وجود داشته باشد نه تنها نیروی انسانی را از رشد و تعالی بازمی دارد، بلکه آن جامعه را در تامین نیازهای اولیه با مشکل روبرومی سازد و موجب بروز شکاف فرهنگی میان آن ملت می شود، این اختلاف فرهنگی، ضعف فرهنگی ملی و خود باختگی فرهنگی را در پی خواهد داشت. بنابراین بهترین راه برای ارتقای فرهنگی این است که از فرهنگ سنتی مدرن و عقاید دینی مذهبی برای پیش برد و تعالی زندگی استفاده کنیم.

فرهنگ و سنن گذشتگان که بیانگر تجربه و شیوه زندگی آنان در طول تاریخ است، دنیای رسانه ای و تحولات تکنولوژی امروز آن ها را به اعماق تاریخ می کشاند از این جهت بر خود واجب دیده ام مقداری از دانستنی های آنان که در حقیقت قطره های از دریای بی کران زندگی آنهاست به نگارش در آورم تا بتوانم از این قلیل دانستنی های زندگی مغزی در خاک خفته دریابیم که علاوه بر ماندگاری آثارشان از تجربه های آنان چراغی فراروی آینده ی هر چه بهتر خود و آیندگان برافروزم. تجربه نشان می دهد هر ملتی که هویت و میراث فرهنگی خود را با زیابد بهتر می تواند در مسیر پیشرفت گام بردارد.

فصل اول

کلیات

۱-۱- بیان مسئله

طبیعی است که هر جامعه ای بتواند عناصر و فرهنگ سنتی راهمراه عناصر مدرن نوسازی و بازسازی کندمی تواند تمام زیرساخت های جامعه خود را متناسب با اهداف توسعه ی همه جانبه در سطوح مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هماهنگ پیش برد. بدیهی است در جامعه ای که تجانس فرهنگی و فرهنگ مشترک وجود داشته باشد وحدت، همبستگی و وفاق ملی بوجود می آید و شهروندان به اعتبار نژاد، قومیت و عقاید مذهبی به هویت مشترک دست می یابند، نظام سیاسی در جامعه ثبات پیدا می کند و هماهنگی فرهنگی توسعه ملی را در پی خواهد داشت. از دیدگاه یک متحقق انسان شناس، آداب و رسوم یک ملت و نحوه رفتار روزمره آنان با یکدیگر، قابل توجه و تأمل است. آداب و رسوم از جمله زیرمجموعه های فرهنگ یک جامعه محسوب می شود.

توسعه و تکامل یک جامعه ، وابستگی تام به تعالی فرهنگ و رشد آداب و رسوم آن جامعه دارد. بدون تردید هر ملت و هر قومی از خود آداب و رسومی دارند که در شادی ها ، مصیبت ها و سایر موارد در روابط متقابل پیشینیان تبار زیافته است، که در بین آن ملت محترم و دارای ارزش است و پشتوانه اجتماعی، فرهنگی و مذهبی دارد. مردم منطقه قلعه قاضی به عنوان یکی از اقوام بزرگ در هر مزگان از این قاعده مستثنی نبوده و دارای آداب و رسوم مخصوص به خود هستند و با توجه به قدمت تاریخی و جایگاه جغرافیایی از نظریات اعتقادات و خرده فرهنگ ها هنوز بسیار بکر و دست نخورده باقی مانده است بدین جهت ما سعی داشته ایم بیشتر مواردی را که در معرض فراموشی و یاد ر حال اضمحلال هستند بیان کنیم.

قلعه قاضی یکی از مراکز عمده و تاثیرگذار در فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی در طول تاریخ تمدن ایران زمین است؛ این دیار، همواره به عنوان کانون ترویج ، شکوفایی و پاسداشت آیین های ایرانی و اسلامی نقش خود را ایفا نموده و در حوزه فرهنگ عامه «فولکلور» نیز پایگاه و پاسگاه بسیاری از آداب و رسوم ملی و مذهبی به شمار می آید. این نوشتار به بازشناسی و توصیف برخی از آیین های سنتی قلعه قاضی از جمله : مراسم ازدواج، جشن ها، عزاداری ، مرگ و میر، ختنه سوران، اعتقادات و غیره پرداخته است.

در این رساله، تاثیر پذیری فرهنگ و آداب و رسوم منطقه قلعه قاضی از زاویه های زیر مورد بررسی قرار گرفته است :

- فرهنگ (رسوم و عقاید بومی ، فرهنگ عامه ، فولکلور و ...)
 - زبان (واژگان و تعابیر محلی ، اصطلاحات ، تصاویر و ...)
 - طبیعت (جغرافیا ، آب و هوا ، کویر ، جنگل و ...)
- اهدافی که در این رساله دنبال شده است :
- آشنایی با برخی رسوم ، عقاید و باورهای محلی رودبار زمین
 - شناخت میزان تاثیرگذاری عوامل مختلف : جنگل، کویر ، باورهای عامه و ... در فرهنگ مردم
 - مقایسه فرهنگ و آداب و رسوم مردم قلعه قاضی با دوره های تاریخی (غزنویان)

۱-۲- پیشینه تحقیق:

در این زمینه هیچ نوع تحقیقی در منطقه صورت نگرفته است و در نوع خود بدیع و تازه می باشد حتی در شهرستان های هم جوار درباره ی آداب و رسوم تحقیقات اندکی صورت گرفته است.

۱. بهروز، ایمانی (۱۳۹۰) « بررسی گویش مردم حاجی آباد بندرعباس» پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد واحد کرمان . در این پایان نامه نگارنده به بررسی گویش مردم قلعه قاضی در بخش مرکزی و جنوب این شهرستان پرداخته است و با توجه به این که اقوام مختلف در شهر قلعه قاضی زندگی می کنند، جداگانه به گویش هر قوم پرداخته است .

۲. سهراب ، سعیدی ، (۱۳۸۹) ، « ادبیات شفاهی کودکان هرمزگان» ؛ نویسنده در این کتاب ابتدا به تعریفی از ادبیات شفاهی، این هنر زبانی و کلامی مردم عامه پرداخته و سپس انواع ادبیات شفاهی مانند: قصه ها ، مثل ها ، چیستان ها ، لالایی ها ، ترانه ها و غیره را بیان نموده است .

۳. سعید، نجارزاده، (۱۳۸۹) ، « بررسی آداب و رسوم مردم حاجی آباد بندرعباس»، چ نینوا ؛ پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد جیرفت به راهنمایی دکتر طیبسی. نگارنده در این پایان نامه شهر حاجی آباد ورستاهای اطراف آن را معرفی نمود و سپس با توجه به اینکه اقوام مختلفی در این شهر زندگی می کنند آداب و رسوم هر قوم را جداگانه از نظر مراسمات و جشن ها مورد بررسی قرار داده است .

۴. سید عبدالجلیل ، قتالی ، (۱۳۸۹) ، «مجموعه ی ضرب المثل های بندر خمیر» ، چ قلم؛ در این کتاب نویسنده سعید نموده تمام ضرب المثل های رایج در بین اقوام مختلف بندر خمیر در دوره های مختلف ثبت و ضبط نماید و مقایسه ای با ضرب المثل های رایج اقوام مختلف کشور عزیزمان ایران نماید .

۵. عبدالحمید ، ترابی، (۱۳۸۷) ، «فرهنگ مردم فین و مارم» ، چ زیتون؛ نویسنده فرهنگ مردم فین ابتداءه قدمت تاریخی فین پرداخته و سپس آداب و رسوم مردم فین و مارم را مورد بررسی قرار داده و مقایسه ای با دوره های تاریخی ایران داشته است .

۶. فرخنده ، پیشداد فر ، (۱۳۸۴) ، «واژه ها در فرهنگ مردم درتوجان» ، چ سپاهان ؛ در این کتاب نویسنده واژه ها و گویش های مردم درتوجان را در زمینه ی آواشناسی ، صرفی و نحوی مورد بررسی قرار داده است و بعضی از واژه ها و عبارات را معنی کرده است .

۷. فرخنده ، پیشداد فر ، (۱۳۸۲)، «فرهنگ مردم درتوجان» ، چ سپاهان ؛ نویسنده در این کتاب به بررسی آداب و رسوم مردم درتوجان درزمینه ی مراسم های مختلف به خصوص عروسی ، عزاداری ها ، ختنه سوران وغیره پرداخته است . درپایان کتاب نیز به روش درمان بیماری ها وانواع بازی های رایج در این منطقه پرداخته است .
۸. فرخنده ، پیشداد فر ، (۱۳۸۱)، « افسانه های مردم درتوجان» ،چ سپاهان ؛ نویسنده ی افسانه های مردم درتوجانسعی نموده با جمع آوری اطلاعات از افراد مسن وضبط وثبت آن ها به صورت جامع و کامل به خواننده ارائه نماید که شامل افسانه های پریان و پهلوانان می باشد .
۹. عبدالهادی، معتمدی ، (۱۳۸۰)، «رودان بهشت هرمزگان» ،چی چی کا، چاپ اول نویسنده ی رودان بهشتهرمزگان ، ابتدا به معرفی رودان و جاهای دیدنی این شهر پرداخته است وسپس شیوه زندگی اقوام مختلف در روستاهای اطراف وشهر رودان را مورد بررسی قرارداده است .
۱۰. احمد ، سایبانی،(۱۳۷۷) ، «ازبندر جرون تا بندرعباس» ، چی چی کا ، چاپ اول؛ درکتاب از بندرجرون تا بندرعباس ابتدا نویسنده به بررسی دوره های تاریخی بندرعباس وتغییر نام هایی که دردوره های مختلف داشته پرداخته وبعد از آن به نقشه جغرافیایی وشیوه ی زندگی مردم پرداخته است.

۳-۱- سؤال هاوفرضیه های تحقیق:

- ۱- فرهنگ مردم قلعه قاضی با اقوام دیگر تفاوت دارد .
 - ۲- جشن ها به شیوه خاصی در این منطقه برگزار می شود.
 - ۳- ازدواج ووصلت به صورت سنتی وکهن می باشد.
 - ۴- ضرب المثل های خاصی در این منطقه رایج است .
- آداب ، رسوم وباورهادر بین مردم بخش قلعه قاضی با بعضی از دوره های تاریخی ایران مشابه است.

۴-۱- روش تحقیق:

براین اساس روش کار توصیفی می باشدوروش گرد آوری اطلاعات به دو گونه صورت می گیرد:

۱- کتابخانه ای: از کتاب ها ، مجلات و روزنامه ها که ارتباط با موضوع دارد استفاده می شود .

۲- میدانی : سعی می گردد با مردم منطقه ، مصاحبه شود و از نظرات آن هادر مورد آداب و رسوم منطقه بهره برداری شود .

۱-۵- استفاده کنندگان از نتایج تحقیق:

نتایج به دست آمده از این تحقیق برای پژوهشگران زیر قابل استفاده است:

استادان، دانشجویان زبان شناسی ، زبان و ادبیات فارسی، فرهنگ عامه (فولکلور) جامعه شناسان ، برنامه ریزان و مولفان پژوهشی آموزشی وزارت آموزش و پرورش برای تالیف کتاب های استان و... تولید کنندگان رسانه های صوتی و تصویری و رسانه ملی برای ساخت و تولید برنامه های بومی ، پژوهشگران جغرافیای طبیعی، سیاسی، انسانی و اقتصادی.

فصل دوم

حوزه فرهنگی و تاریخی

و جغرافیایی

هرمزگان و قلعه قاضی

۲-۱- مقدمه:

استان هرمزگان یکی از استان های جنوبی کشور است که با قرار گرفتن در سواحل نیلگون خلیج فارس، دریای عمان و تنگه هرمز از لحاظ سیاسی و استراتژیکی دارای ارزش فوق العاده ای برای کشور می باشد، که در زمان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بر ارزش این استان افزوده شد، و هم اکنون یکی از راه های مبادلاتی کالای کشور با کشورهای همجوار و سراسر جهان از راه دریایی می باشد.

هرمزگان گذشته از جایگاه ویژه طبیعی، جغرافیایی، استراتژیکی و دارا بودن منابع سرشار زیرزمینی و دریایی، از لحاظ تاریخی نیز از مناطق کهن ایران به شمار می رود و از گذشته دور، دارای فرهنگی درخشان بوده است.

دریای پارس، که استان هرمزگان نیز در کنار آن قرار گرفته، از کهن ترین دریاها می باشد که انسان شناخته است. ساکنان پیرامون آن از جمله مردم باستان هرمزگان، نخستین انسان هایی بوده اند که با فن دریانوردی آشنا شده و به کشتیرانی پرداخته اند. دریا نوردی و چیرگی بر راه آبی سبب پیدایی و پارسد فرهنگ، بازرگانی دریایی و ایجاد دولت های با فرهنگی، از جمله ایلام در این منطقه شد.

ایلامی ها از هزاره پیش از میلاد و پس از آنها به ترتیب مادها، هخامنشی ها، اشکانی ها و ساسانی ها از دریای پارس، به عنوان راه ارتباطی و از جزایر این استان از جمله: جزیره قشم، هرمز، لنگه، جاسک و... برای فرمانروایی بر کرانه ها و جزیره های آن و هم چنین بازرگانی با کشور هند و دره ی نیل استفاده می کردند.

(افشار، ۱۳۷۸: ۲۴)

۲-۲- موقعیت جغرافیایی:

استان هرمزگان که در جنوب ایران و در مجاورت سواحل خلیج فارس و دریای عمان قرار گرفته است، یکی از استان های مهم کشور می باشد که از شمال و شمال شرقی با استان کرمان، از غرب و شمال غربی با استان های فارس و بوشهر و در شرق و جنوب شرقی با استان سیستان و بلوچستان هم مرز است و از سمت جنوب نیز به آب های خلیج همیشه فارس و دریای عمان محدود می گردد.

(افشار، ۱۳۷۸: ۶۹)

۲-۳- آب و هوا:

بهترین توصیفی که از ویژگی اصلی آب و هوای این استان می توان بیان کرد عبارت گرم و خشک است. این استان دارای یک فصل تابستان طولانی حدود هشت ماه و یک فصل زمستان حدوداً دو ماه است. عمر بهار و زمستان در این استان بسیار کم و غیر قابل تشخیص است.

قرار گرفتن استان هرمزگان بین ۳۰ تا ۲۵ درجه عرض جغرافیایی تقریباً آن را بین قلمرو آب و هوای حاره‌ای قرار داده است. خشکی هوا و بارش کم، اقلیم گرم، اختلاف زیاد دمای شبانه روز و اختلاف زیاد دما در تابستان و زمستان، ویژگی اصلی آب و هوای این استان است.

(عباس پور، ۱۳۸۵: ۳)

۲-۴- ناهمواریها:

از نظر موقعیت جغرافیایی ناهمواری های استان هرمزگان رامی توان به دو بخش ارتفاعات و مناطق جلگه ای و پست تقسیم کرد. استان هرمزگان مجموعه ای از کوه های سخت بدون پوشش گیاهی، گنبد های نمکی، دشت های شور، زمین های سیلابی و جلگه های حاصل خیز را در خود جای داده است. نواحی کوهستانی بخش بیشتر پهنه استان دربر گرفته و در فاصله کوه ها، دشت هایی با پهنه ی گوناگون پراکنده اند که برای کشاورزی مناسب اند. این بخش از کشیدگی کوه های زاگرس استان فارس، در بخش جنوبی خاوری کشور و کوه های پراکنده ی مرکزی به وجود آمده است.

بخش دشتی در راستای خلیج فارس و دریای عمان گسترده شده است. پهنه ی این دشت ها بستگی زیادی به پیشروی بیش کوه های جنوبی زاگرس نسبت به دریا دارد. کوه های منطقه نقش زیادی در ریزش باران استان بازی می کنند و بسان دژی استوار و رخنه ناپذیر، شمال تنگه هرمز را دربر گرفته و بر آن چیره اند.

(افشار، ۱۳۷۸: ۷۱)

۲-۵- کوه ها:

کوه های استان هرمزگان از مجموعه طاقدیس ها و ناودیس ها به وجود آمده اند که عمده این کوههای در قسمت شمال استان می باشد. کوه های استان ادامه رشته کوه های زاگرس بوده و امتداد آنها از شمال غربی به جنوب شرقی است. در قسمت غربی کوه ها به صورت پیوسته و موازی و در قسمت های شرقی به صورت گسسته می باشند و بلندی کوه های قسمت غربی بیشتر از بلندی کوه های قسمت شرقی است. مهم ترین کوه های استان عبارت اند از: پشت کوه، ذرتو، سیرو، گنو، شب، نیان، بشاکرد، هماگ و بوخودر قشم.

(همان: ۷۸)

۲-۶- دشت ها:

دشت های استان هرمزگان عمدتاً شامل زمین های شور، شنزار، تپه های ماسه ای، زمین های بسیار فرسوده و گنبد های نمکی است. این دشت ها معمولاً فاقد پوشش گیاهی قابل توجه می باشد. مهم ترین دشت های استان عبارتند از: تخت، ایسین، سرخون، فین، گنو، شمیل.

(همان: ۷۸)

۲-۷- منابع آب:

استان هرمزگان به علت گرمای هوا و بارندگی اندک یکی از استان های فقیر کشور از لحاظ منابع آب به حساب می آید رود های این استان در اکثر سال خشک می باشد و در زمان بارندگی آب رودها اغلب سیلابی است. رودخانه های مهم استان عبارتند از: جاماش، شمیل، رزی (جوی بازار)، رودخانه مروارید و رودخانه مرواریدگاسر (کم گاسر) می باشد.

(همان: ۷۹)

۲-۸- بادها:

به علت قرارگرفتن استان هرمزگان درمجاورت دریای عمان، اقیانوس هندوخلیج فارس بادهای مختلفی درطول سال در این استان می وزند که نقش بسیار تعیین کننده ای درآب وهوای این استان دارند. مهم ترین این بادهاعبارتند از:

۱- بادشمال: این بادکه درخلیج فارس نفوذ کامل دارد، مدت هشت ماه ازمست شمال غربی می وزد.

۲- باد شمال شرقی: این باد که به باد ناشی (Nashi) نیز معروف است در فصل زمستان ودرسواحل خلیج فارس ودریای عمان می وزد.

۳- باد قوس (Qows): از این باد به باد شرعی (Sarji) نیز نام برده شده است. درخلیج فارس از اواسط بهار تا پایان تابستان می وزد چون معمولاً مرطوب وگاهی توام با آب ومه است موجب بارندگی می شود.

۴- باد جنوب غربی: این باد به باد سهیلی (Soheyli) نیز معروف است وزمان وزش آن ازاول شهریور به بعد است.

۵- بادلوار (Iovar): از این باد به آتش باد نیز نام برده شده است. جهت این باد از جنوب غربی بوده ومنشاء آن بیابان های عربستان است وزمان وزش آن معمولاً ازاول تیر ماه تا پایان شهریور ماه است. (عباس پور، ۱۳۸۵: ۵)

۲-۹- بیابان ها:

استان هرمزگان جزو نواحی بیابانی کشور محسوب می شود ومنطق بیابانی آن به علت وجود شن های روان و کمی بارندگی رو به گسترش است. وسعت بیابان های استان در حدود ۱/۵۶ میلیون هکتار برآورد شده است که حدود ۲۲ درصد از مساحت کل استان را تشکیل می دهد. بیابان های استان عمدتاً در قسمت های جنوب شرقی ونواحی اطراف میناب وبندر جاسک قرار دارد. (عباسی، ۱۳۸۷: ۱۰)

۲-۱۰- پوشش گیاهی:

استان هرمزگان و سواحل و جزایر خلیج فارس به علت بارندگی کم و نامنظم، تبخیر نسبتاً زیاد و وزش باد از پوشش گیاهی پیوسته وقابل توجهی برخوردار نیستند. از نظر پوشش گیاهی فقیر

است و گیاهان این منطقه به گیاهانی منحصر است که معمولاً در نقاط کم آب و خشک می رویند و در مقابل کم آبی و گرمای زیاد مقاوم هستند. درختان و درختچه ها و گیاهانی که در این منطقه رشد می کنند عبارتند از: کهور که در صنعت کشتی سازی مورد استفاده قرار میگیرد. کنار (سدر) که برای شتشوی سر به کار می رود. و درختان در مناطق کوهستانی و سرد سیرنظیر کاج، زیتون و بادام کوهی است.

وجود جنگل حرا و ویژگی زیست محیطی زیبایی را به منطقه داده است. این جنگل حدود ۶/۵ هکتار از سواحل زیبای خلیج فارس و دریای عمان را پوشانده که در هنگام مد به طور کامل در زیر آب رفته و ناپدید می گردد. در این مناطق بیشتر گیاهانی می رویند که در برابر گرما و خشکی هوا پایداری داشته و در برابر شوری زمین و کمی آب نیز مقاومت داشته باشند. پوشش همین گیاهان نیز پیوسته نیست بلکه اندک و گاه بصورت گروه های کوچکی دیده می شوند. پوشش گیاهی استان را می توان به چهار دسته تقسیم نمود:

۱- درختان گرمسیری کرانه ای

۲- گیاهان شور پسند

۳- گیاهانی که در ارتفاعات می رویند

۴- گیاهان ماندابی

(عباس پور ۱۳۸۵: ۷)

۲-۱۱- جنگل ها:

وسعت کل جنگل های استان هرمزگان در حدود ۱۱۰۰۰۰۰ هکتار برآورد شده است. این جنگل

ها بر حسب نوع پوشش و منطقه به سه دسته قابل تقسیم هستند:

۱- جنگل های کوهستانی

۲- جنگل های ساحلی

۳- جنگل های حرا

(عباسی، ۱۳۸۷: ۱۱)

۲-۱۲- جانوران:

جانوران مختلفی که در سراسر وسعت خاکی و آبی استان هرمزگان زندگی می کنند را می توان در چهار گروه مختلف تقسیم بندی کرد:

۱- آبزیان

۲- خزندگان

۳- پرندگان

۴- پستانداران

(ناظم و دیگران ۱۳۸۴: ۶)

۲-۱۳- جغرافیای تاریخی

۲-۱۳-۱ تقسیمات کشوری:

سابقه ی تقسیمات کشوری ایران به قرون پیش از میلاد مسیح می رسد در آن دوران خاک هرمزگان کنونی در کانون حکومتی مادها و پارس ها قرار داشت.

با تشکیل امپراتوری هخامنشی و به قدرت رسیدن داریوش اول منطقه ی وسیع تحت حکمرانی این امپراتوری که شامل فلات ایران، جلگه بین النهرین، آسیای صغیر، ناحیه ی شرقی شبه جزیره بالکان، سواحل مدیترانه ی شرقی، ناحیه ی دره ی نیل، قسمت اعظم ترکستان و بالاخره تمامی دره سند به سی قسمت تقسیم می شد.

در زمان ساسانیان، انوشیروان سامانه نوینی برای اداره کشور به وجود آورد و ایران را به چهار پازگس (استان یا ایالت) شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم کرد ایالت جنوبی به نام (نیمروز) شامل فارس و خوزستان شد و تقریباً تمام خاک هرمزگان کنونی را در بر می گرفته است البته محتمل است قسمت های کوچکی از هرمزگان امروزی نیز در حوزه ی ایالت شرق که شامل خراسان و کرمان می شد قرار گرفته باشد با انقراض حکومت ساسانیان و تسلط اعراب بر ایران تقسیمات کشوری به مدت چندین قرن مفهومی نداشته و پیوسته در معرض تغییر و تبدیل بود که این تغییر و تبدیل ها به واسطه عدم ثبات سیاسی و نیز عمر کوتاه حکام محلی و قدرت طلبی آن ها بسیار گسترده و بدون برنامه ی مشخص بوده است. (عباس پور، ۱۳۸۵: ۱۶)

باروی کار آمدن و قدرت گرفتن پادشاهان مغول مسئله ی تقسیمات سیاسی در ایران دوباره مطرح شد. در این عهد ایران دارای بیست بخش (عراق عرب، عراق عجم، آذربایجان، اران و مغان، شیروان، گرجستان، ملک روم، ولایت ارمن، دیار بکر و ربیعہ، کردستان، خوزستان، فارس شبان کاره، کرمان و مکران و هرموز، مفازه (سرزمین میان کرمان و سیستان)، قهستان و نیمروز و زابلستان، خراسان، مازندران، قومس، جرجان و گیلان) بوده است در این زمان هرمزگان کنونی در محدوده ی استان چهار دهم (کرمان، مکران، هرموز) قرار گرفته بوده است.

در عهد صفویه ایران به هفده قسمت تقسیم شد که شامل چهار ایالت اصلی (والی نشین) و سیزده ایالت فرعی (بیگلر نشین) می شد و هرمزگان نیز در ایالت کرمان قرار داشت. این وضعیت تا دوران قاجاریه تقریباً بدون تغییر باقی بود. (نعیمی، ۱۳۸۶: ۱)

باروی کارآمدن قاجاریه ایران به پنج ایالت بزرگ (دارای حکومت مرکزی) شامل خراسان، آذربایجان، کرمان، فارس و خوزستان تقسیم شد. در دومین دوره مجلس شورای ملی (۱۳۲۵ ه.ق) قانون تشکیل ایالت و ولایات به تصویب رسید و ایران به چهار ایالت آذربایجان، کرمان، بلوچستان، فارس و بنادر و نیز خراسان و سیستان تقسیم شد. در قانون مزبور اسامی ولایات و تعداد آن ها ذکر نشده بود، ولی در عمل دوازده ولایت وجود داشت که عبارت بودند از: استرآباد، مازندران، گیلان، زنجان، کردستان، لرستان، کرمانشاهان، همدان، اصفهان، یزد، عراق و خوزستان. در این تقسیمات هرمزگان جزئی از خاک ایالت فارس و بنادر شد.

در سال (۱۳۴۱ ه.ق)، (۱۳۰۲ ش) تقسیمات کشوری دوباره دستخوش تغییرات اساسی شد ایران به هشت ایالت آذربایجان، گیلان، مازندران، استرآباد، خراسان، کرمان، خوزستان و فارس تقسیم شد. در این تقسیم بندی قسمت هایی از هرمزگان کنونی که هم جوار با خلیج فارس هستند در محدوده ی فارس و قسمت های هم جوار با دریای عمان در محدوده ایالت کرمان قرار گرفته بودند.

اولین قانون مدون تقسیمات کشوری در آبان ماه ۱۳۶۱ تهیه و تصویب گردید. بر اساس این قانون کشور ایران به استان های شمال، غرب، جنوب، شمال غرب، شمال شرق و استان مکران تقسیم گردید. سراسر خاک هرمزگان کنونی در این تقسیم بندی در محدوده ی استان جنوبی قرار گرفته بود. در این تقسیم بندی سیاسی چند ماه بیشتر دوام نیاورد. دردی ماه همان سال بر اساس مصوبه ی

هت وزیران وقت کشور به ۱۰ استان که از استان یکم تا استان دهم نامگذاری شده بود تقسیم شد. در این تقسیم بندی عمده ی خاک هرمزگان در محدوده ی استان هشتم و قسمت های کوچکی از آن نیز در محدوده ی استان هفتم قرار داشت. (همان، ۲)

در سال ۱۳۳۵ شهرستان بندرعباس و میناب از استان کرمان و شهرستان بندرلنگه از استان فارس جدا شده و تا سال ۱۳۴۵ تحت عنوان فرمانداری کل بنادر و جزایر دریای عمان یا مرکزیت بندرعباس شناخته شد. در سال ۱۳۴۶ این فرمانداری کل منحل و استانی به نام استان ساحلی بنادر و جزایر سواحل خلیج فارس و دریای عمان تشکیل شد. در سال ۱۳۵۲ هت وزیران وقت تقسیم بندی استان ساحلی را تغییر دادند و تقریباً محدوده ی فعلی استان هرمزگان به مرکزیت بندرعباس دارای پنج شهرستان به نام های بندرعباس، بندرلنگه، میناب، رودان، کیش و همچنین هفده بخش که قلعه قاضی یکی از این بخش ها بود تقسیم شد. (نعیمی، ۱۳۸۶: ۲)

از نظر تقسیمات سیاسی و اداری تا سال ۱۳۸۲ هرمزگان دارای ۹ شهرستان به نام های بندرعباس، میناب، بندر لنگه، بستک، حاجی آباد، رودان، جاسک، قشم و ابو موسی ۱۸ شهر و ۶۹ دهستان و ۲۲ بخش و ۲۹۳۷ آبادی تقسیم شد. علاوه بر این ۱۴ جزیره از مجموعه ی ۲۴ جزیره ی ایرانی خلیج فارس به نام های قشم، هرمز، هنگام، لارک، کیش، ابو موسی، تنب کوچک، تنب بزرگ، فارور کوچک، فارور بزرگ، سیری، لاوان، شیدورو هندورابی در محدوده این استان قرار دارد. طبق آخرین تقسیمات کشوری در ۱۳۸۳ تعداد شهرستان های استان به ۱۱ شهرستان افزایش یافت خمیر و پارسیان به شهرستان های استان اضافه شدند. (همان، ۱۳۸۶: ۲)

۲-۱۴ - جغرافیای انسانی

۲-۱۴-۱ - جمعیت :

جمعیت استان در سال ۱۳۳۵ برابر با ۲۴۰۲۸۹ نفر بوده است در سرشماری سال ۱۳۷۵ این تعداد به ۱۰۶۲۱۵۵ نفر یعنی حدود ۴/۴ برابر رسیده و در آخرین سرشماری سال ۸۵ جمعیت استان به ۱۴۰۳۶۷۴ نفر بالغ شده است. بیشترین تغییرات جمعیت در سال ۱۳۶۵ گزارش شده است.

همچنین در این در آمد نرخ رشد سالیانه ی استان ۵/۲ درصد بوده است که بالاترین نرخ رشد در کل مدت سرشماری می باشد. (معاونت آمار سازمان برنامه و بودجه استان هرمزگان آمار نامه ۱۳۸۵)

۲-۱۴-۲- توزیع و تراکم جمعیت:

"براساس سرشماری در سال ۱۳۸۵ جمعیت استان بالغ بر ۱۴۰۳۶۷۴ نفر بوده است از این تعداد ۶۶۱۳۲۵ نفر در نقاط شهری و ۷۴۲۳۴۹ نفر در نقاط روستایی زندگی می کردند.

(نعیمی: ۱۳)

۲-۱۴-۳- ساختار سنی و ترکیب جنسی:

بر اساس اطلاعات موجود در سال ۱۳۸۵ پنجاه درصد جمعیت استان زیر ۱۷ سال سن داشته اند و سهم جمعیت زیر ۲۰ سال نزدیک به ۵۷ درصد بوده است. در سال ۱۳۸۵ از مجموعه ۱۰۶۲۱۵۵ نفر جمعیت استان هرمزگان ۵۴۷۶۰۲ نفر معادل ۵۱/۵ درصد مرد و ۵۱۴۵۵۳ نفر معادل ۴۸/۵ درصد زن بوده اند. که نشانگر وجود نسبت جنسی ۱۰۶ در استان می باشد: این آمار در سال ۱۳۸۵ نشان می دهد که تعداد مردها نسبت به زن ها بیشتر بوده است و اختلاف بین تعداد جمعیت در مرد و زن در این سال به بیش از ۴۶ هزار نفر رسیده است. بر این اساس تعداد مردها ۷۲۵۱۹۸ نفر و تعداد زن ها ۶۶۱۳۲۵ نفر بوده است. (همان: ۴۲)

۲-۱۴-۴- دین و مذهب

طبق آمار سال ۱۳۸۵ اکثریت جمعیت استان هرمزگان را مسلمانان تشکیل می دهند که از آن میزان شمار پیروان شیعه در استان هرمزگان مراتب بیشتر از پیروان اهل سنت می باشد. این درصد در برخی از شهرستان ها به عنوان نمونه در بندرعباس ۸۰ درصد شیعه و ۲۰ درصد اهل تسنن است. در گذشته جغرافیای مذهبی استان هرمزگان از تنوع مذهبی بیشتری برخوردار بوده است.

به طور کلی در شهر بندرعباس پیروان غالب ادیان و مذاهب برای نمونه مسیحی، کلیمی، زرتشتیان و هندو قبرستان و عبادتگاه خاص خود را داشتند و آزادی مذهبی نسبی در این شهر حکم فرما بوده است. در حال حاضر غالب شیعیان پیرو مذهب اثنی عشری هستند. هر چند که شیعیان فرق دیگر از جمله زیدیه نیز در این استان وجود دارند. پیروان اهل تسنن بیشتر شافعی و حنفی هستند. پیروان شیعه معمولاً در مرکز، شمال و شرق استان سکونت دارند و بخشی از مرکز و قسمت اعظم غرب استان به همراه حاشیه ی دریای عمان در شرق سکونت گاه پیروان اهل تسنن است.

گذشته از این پیروان ادیان و مذاهب دیگر از جمله مسیحی، یهودی، زرتشتی، بهایی و غیره نیز سهم ناچیزی را از جمعیت جغرافیایی مذهب این استان تشکیل می دهند. (ناظم و دیگران، ۱۳۸۴: ۹۸)

۲-۲- منطقه قلعه قاضی :

این منطقه از شمال با شهرستان حاجی آباد و از غرب با بخش بندرعباس از مشرق با شهرستان میناب و بخش دهباز هم مرز است قسمت جنوبی تخت نیز به خلیج فارس منتهی می گردد شهر قلعه قاضی مرکز بخش قلعه قاضی در استان هرمزگان و شهرستان بندرعباس در مختصات ۵۶ درجه و ۳۸ متری دقیقه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۲۹ دقیقه عرض شمالی و در ارتفاع ۳۶ متری از سطح دریا و در فاصله ۴۵ کیلومتری شمال شرق شهرستان بندرعباس واقع شده.

۲-۲-۱- آب و هوا :

آب و هوای این منطقه گرم و خشک است و زیرتاثیر آب و هوای بیابانی و نیمه بیابانی قرار دارد. به دلیل دوری از دریا و کاهش نسبی رطوبت هوا، اختلاف دمای شب و روز زیاد است. از ویژگی های آب و هوای این منطقه تابستان های گرم و زمستان های معتدل است، که اندازه ی باران سالیانه آن در نوسان است و همین امر سبب شده تا این منطقه جزء مناطق کم باران ایران به شمار آید. بررسی ها و آمارهای موجود آب و هوایی این منطقه می رساند که در این منطقه در سال دو فصل بیشتر ندارد: زمستان های خشک که شامل ماه های آذر، دی و بهمن است و تابستان های گرم که ماه های دیگر سال را دربرمی گیرد.

۲-۲-۲- منابع آب ورودخانه ها :

منابع آب قلعه قاضی در زمان های نه چندان دور از دو رودخانه جاماش (gamosh) و شمیل (shamil) تامین می شد که امروزه به علت خشک سالی مقدار آب کمی از رودخانه گروباقی مانده که فقط جهت آبیاری نخیلات حوالی رودخانه استفاده می شود، آب آشامیدنی مردم قلعه قاضی از طریق این رودخانه تامین می شود اما آب آشامیدنی و کشاورزی اکثر مناطق آن از طریق چاه و موتور پمپ تامین می شود به تازگی سدی بر روی این رودخانه ساخته شده که در آینده تامین کننده آب شرب و کشاورزی این منطقه خواهد بود.

۲-۲-۳- پوشش گیاهی :

این منطقه از نظر جغرافیایی گیاهی، در نواری از رویش های گرمسیری نیم کره شمالی قرار دارد از این رو بیشتر گیاهانی که در منطقه می رویند بدون خزان هستند یا خزانی زودگذر دارند. بیشتر گیاهان منطقه ی استپ از گونه ی ویژه ای بوده که در فصل گرم و خشک به حالت مرده یانیم مرده درمی آیند و با دریافت نخستین باران جوانه زده به سرعت رشد می کنند و سرسبزی ویژه ای به خود می گیرند گیاهان این منطقه عبارتند از:

۱- درختان گرمسیری کرانه ای : این درختان که تنومند و پایدارند باکم آبی منطقه سازش داشته

و دارای ریشه های بلندی هستند که از هر سودر جست و جوی آب کشیده شده است مانند

:کهور، کرت، کنار، گل ابریشم، گارم زنگی (لوز)، چوج ...

۲- گیاهان شور پسند: برخی از گیاهان در این منطقه در شوره زارها و شن زارها می رویند که

به گیاهان شور پسند سرشناسند، مانند: گز، جر، آرور،

۳- گیاهان دامنه ها و کوه ها که به دلیل کاهش دما و بلندی کوه و دسترسی به رطوبت هوا،

وناگونی پوشش گیاهی به اندازه های است که از دامنه تا ستیغ کوه، گونه های درختان گرم

سیری، استپ کوه پایه ای و پوشش گیاهی نواحی کوهستانی سرد سیر دیده می شود.

۲-۲-۴- دین و مذهب

تمام جمعیت این منطقه را مسلمانان تشکیل می دهند که همه آن ها پیروان شیعه اثنی عشری

می باشند.

۲-۲-۵- قلعه قاضی در گذر تاریخ در سال ۱۳۴۵

قلعه قاضی قریه ای در جنوب کوه نیان واقع در دوازده فرسخی شمال شرق بندر عباس که

اسامی روستاهای تحت قلمرو آن عبارتند از: چاه خرگ، چاه اسماعیل، سرزه، ازجون، سلو بلم،

سرزه، چاه خرگ، کنارو، زمین سنگ، گزشحنه، آقا باقری و کرمون.

کشاورزی و باغیات این قریه ی دور، از دو رودخانه مشروب می شوند که مشهور هستند

به دو درغ و گرو، از رودخانه دو درغ دو شاخه آب جدا می شود، یکی املاک واقع در شرق شمیل

را آبیاری می کند، دیگری مغرب قلعه قاضی را سقایت نماید، از رودخانه گرو فقط یک شاخه منشعب می شود، آن هم مغرب قلعه قاضی را آب دهد.

آب قلعه قاضی شیرین و گواراست و آب آن به سی دو هنگام (سهم) تقسیم می شود یک هنگام آب حق میر آب است و سی و یک هنگام حق رعیت، برای هر یک هنگام آب از رعیت سی پنج تومان و از ارباب بیست و شش تومان دولت دریافت می نماید.

در قریه قلعه قاضی مرکبات هم پیدا می شود، تعداد مالکین یکصد و هفتاد و نه نفر، تعداد نخیل نر هزار و صد و پنجاه سه اصله، تعداد فسیل چهارده هزار و هفتصد و چهل و چهار اصله، تعداد نخیلات مئمره سی و سه هزار چهارصد پنج اصله، مالیات جدید چون فاریاب است از قرار چهار اصله یک قران، می شود هشتصد و سی پنج تومان یک قران. مقدار بذر افشانی اراضی نه هزار و صد و سی شش من از قرار هریک من ده شاهی می شود چهار صد و پنجاه و شش تومان.

قلعه محکمی از ابنیه ی اسلاف در قلعه قاضی موجود است که تمام آن بنا حجاران گذشته از دل کوه تراشیده و قلعه احداث کرده اند. محصولات شمیل جو، گندم، ارزن، حنا و خرما است، در قلعه قاضی و سایر نقاط آن عدس و ماش نیز کاشت می شود. قلعه قاضی و قلعه ی آن از آثار پارسیان به شمار می آید چون که تازیان موفق به احداث این گونه قلاع نبودند و آن قلاعه هم قبل از پرتغالی ها موجود بود چنانچه نگارنده روضه الصفا در حوادث سلطنت تیمور گورگانی در سال ۷۹۷ گوید امیرزاده محمد سلطان پسر امیر تیموریان چون به حدود هرموز کهنه (هرمز) رسید در آن نواحی هفت قلعه مثل تنگ زندان و شامیل و مینا و منوجان و تازیان را گرفته غارت و تاراج کرده از عمارات اثر نگذاشت.

تسمیه ی قلعه قاضی گمان دارم چون که در زمان قدیم مرسوم بود تمام مشکلات مردم را ریش سپیدان حل می کردند قلعه بزرگی وجود داشته که بزرگان در آنجا جمع می شدند و به مشکلات رسیدگی می کردند. (کبابی، ۱۳۴۵: ۳۱)

فصل سوم

فرهنگ و آداب و رسوم مردم

قلعه قاضی (فولکلور)

۳-۱- مقدمه

فرهنگ ها و باورها را می توان بازمانده عقاید مبتنی بر نحوه اندیشه و جریان های فکری و مذاهب دوره های کهن دانست که خود را با شرایط زمان های بعد تطبیق داده و با تلطیف و تغییر و تحول به زمان حال رسیده اند. باورها در واقع مبتنی بر شناخت و بینش انسان از مجموعه محیط جهان آفرینش و ماوراء الطبیعه هستند و به تناسب این شناخت و بینش و به عبارت دیگر به تناسب جهان بینی انسان در هر مکان و زمان تفاوت هایی می یابند. باورها و آیین های هر منطقه ای با منطقه دیگر کشور متفاوت است، در واقع باورها عقاید و رسوم هر خطه ای برگرفته از شرایط زیست محیطی و همچنین شناخت از عوامل مذکور است.

« باورها، نظام های فکری، فنون علمی و راه و روش های زندگی، رسم ها، سنت ها و تمامی شیوه های کردار که جامعه بدان سازمان می بخشد، فرهنگ نامیده می شود. بنابراین تعریف فرهنگ شامل تمامی کرد و کارهایی است که در جامعه [از روابط] میان افراد شکل می گیرد و یا از یک گروه اجتماعی آموخته می شود.» (آشوری، ۱۳۷۹: ۴۸)

۳-۲- تعریف فولکلور:

فولکلور را می توان مجموعه از دانستنی ها و اعمال و رفتاری دانست که در بین عامه مردم، بدون در نظر گرفتن (حتی بدون وجود) فواید علمی و منظمی آن، سینه به سینه و نسل به نسل و به صورت تجربه، به ارث رسیده است. تعریف فولکلور با تعریف مردم شناسی، فرهنگ و سنت بسیار نزدیک است.

به بیانی دیگر « فولکلور عبارت است از باورها و اعمال گروهی، بدون نظریه علمی و فاقد پشتوانه ای منطقی. بنابر کلیت این تعریف، مقدار زیادی از فعالیت های روزمره جوامع، چون نحوه غذا خوردن، شیوه لباس دوختن و لباس پوشیدن، آداب و رسوم کفن و دفن و مراسم عروسی و مانند این ها در شمار فولکلور محسوب می شود.» (روح الامینی، ۱۳۵۷: ۲۷۸)

فولکلور را نه براساس خصوصیات عامیانه اش و نه بر مبنای ویژگی های سنتی اش می توان به درستی تعریف کرد. ولی می توان سه خصیصه یا سه وجه مشخصه برای آن در نظر گرفت:

۱- فولکلور بر میراث و اصول تمدنی قدیمی و کهن بنا شده است.

۲- فولکلور با هیچ گونه روش علمی و استدلال منطقی همراه نیست ، یعنی نه معلمی آن را تدریس می کند و نه از کتاب و نوشته ای می توان آموخت و به علاوه عاری از هرگونه آرایش فکری و پیرایش نظری است.

۳- این خصوصیت عدم تحول روش فکری و نظری باعث شده است که در جریان اشاعه اصول تمدن جدید که از روش و تاثیر فرهنگ اشرافی الهام گرفته است، فولکلور بدون این که با آن ها ترکیب شود در کنارشان قرار گیرد. و در نتیجه عناصر بسیار قدیمی را تقریباً دست نخورده حفظ کند ، و این پدیده خصوصاً در هنرهای عامیانه تجلی می کند.» (روح الامینی، ۱۳۵۷: ۲۷۷)

۳-۳- آداب تولد :

بشر برای آسایش زندگی و راحتی زادوولد همیشه به دنبال دور کردن نیروهای مریی و نامریی که زندگی انسان را مختل می کرده اند بوده است و ناگزیر آدابی را برگزیده است که ما در این جا مواردی از آداب تولد این منطقه را به اختصار آورده ایم .

زندگی ساده و روستایی در شرایط زمانی گذشته علاقه فرزند خواهی خصوصاً پسر را به وجود آورده است .

از این جهت زن و مرد از بدو زندگی مشترک با گرفتن دعای چل بُر (نخ سفیدی که ملا بر آن دعا می خواند و گره می زند) به فکر راحتی زاد و ولد بوده اند، اگر چه این مسائل غیر علمی است اما برای امید به زندگی موثر بوده است .

بعد از تولد نوزاد و حمام او توسط مامای محلی بچه را بننگ (Baneng) یا قنداق می کردند، قرآن بالای سر زائو و نوزاد می گذاشتند و معتقد بودند برای دفع اجنه مناسب است . برای این که ابرو های نوزاد سیاه و چشمانش بینایی خوبی داشته باشد سرمه می کشیدند. موی بافته شده گوسفند را اطراف خانه زائو از داخل می کشیدند تا به وسیله آن زائو و فرزندش از جن و شیاطین در امان باشند هم چنین موی بافته شده گوسفند به همراه مهره ای آهنین به گردن مادر نوزاد می آویختند و اعتقاد داشتند او با این وسیله که حصار می نامیدند از چیزی نمی ترسد و جن زده نمی شود. مقداری شاخه سبز درخت در اطراف خانه زائو آویزان می کردند تا آن که نوزاد در آیند زندگی

سبز و پیروزی داشته باشد. برای جلو گیری از جن زدگی داسی را زیر سر زائو قرار می دادند و تا چهل روز بعد از زایمان زائو هر جا که می رفت به عنوان پاسبان آن را همراه خود می برد.

غذای زائو بیشتر نبات داغ، زنجبیل، حلوی محلی که از آرد و روغن و شکر ساخته می شد بود و از دادن آب زیاد به او خودداری می کردن و اعتقاد داشتند اگر وی زیاد آب بخورد شکم او بزرگ می شود. تا ده روز زائو و نوزاد را تنها نمی گذاشتند که جن زده شود و بعد از ده روز که نوزاد و مادرش را حمام می زدند آن ها می توانستند تنها باشند یا تنهایی به جایی بروند.

۳-۴- مراسم ششک نوزاد:

از شب اول تا ششم تولد نوزاد اطرافیان و نزدیکان او شب ها برای شب نشینی و خوشگذرانی دور هم جمع می شوند و به بازی های سنتی و قصه گوئی می پردازند. اما در شب ششم تولد همه بستگان چه زن و مرد دعوت می شوند و علاوه بر شام ساده از میهمانان با شربت و شیرینی و آجیل پذیرایی می شود مدعوین ضمن گفتن تبریک به والدین نوزاد برای او از خداوند منان آرزوی عاقبت به خیری و بهروزی می کنند.

۳-۵- نام گذاری :

ابتدا پدر نوزاد به منزل ملای محلی می رفت و از او می خواست که از نام های پیامبران برای فرزندش نامی انتخاب نماید، ملا با مراجعه به کتاب و با محاسبه ای که بر حسب نام پدر و مادر وی می کرد اعلام می نمود که این اسم برای فرزند شما مناسب و مبارک می باشد.

از دیگر اعتقادات مردم این منطقه در مورد نوزاد این است که وقتی اولین دندان های نوزاد در می آید سر و صورت و پای او را روغن می مالند آن ها بر این باورند با این کار دندان های نوزاد راحت تر در می آید.

۳-۶- آداب از دواج :

از دواج در هر منطقه سنت های متفاوتی دارد. اما اصل آن ریشه در دین، مذهب و فرهنگ هر ملت دارد. این سنن در قرون گذشته، بسیار دچار تحول می شد اما تحولات اقتصادی و فرهنگی چند دهه اخیر باعث تغییراتی در این سنت شده است. ما در این جا همه رسوم قدیم و جدید این سنت را که در یک جشن از دواج متعاقب هم صورت می گیرد آورده ایم.

مردم منطقه قلعه قاضی مراسم بسیار زیبایی برای عروسی ها برپا می کنند زنان و مردان و نیز فرزندان با هم درهمه کارها مشارکت دارند، پسران و دختران همیشه به دلیل مشکل زندگی و نوع کار باهم معاشرت دارند و همدیگر را خوب می شناسند چون از کودکی با هم بازی می کنند و در جوانی هم در کارها مشارکت دارند و از نزدیک اعمال یکدیگر را زیر نظر دارند.

ازدواج های این مناطق در گذشته بیشتر درون فامیلی یا درون طایفه ای بودند. برای بیان این مفهوم ضرب المثلی رایج است که می گویند (وصلت با خودی سودا با غریبه)، همچنین بین دو طایفه هنگامی وصلت ایجاد می شد که آن دو طایفه باید در یک طبقه اجتماعی باشند و والدین آنها نقش عمده ای در آغاز ازدواج فرزندانشان داشتند.

۳-۷- خواستگاری:

وقتی پسر به سن بلوغ می رسد باید ازدواج کند. پدر و مادرش او را وادار می کنند تا کاری پیدا کند و درآمدی داشته باشد و بتواند خانواده را اداره کند، پس از یک دو سال که پسر توانست به خوبی از عهده اداره خانواده بر آید پدر و مادرش به او پیشنهاد می کنند تا دختر دلخواه خود را از میان دختران فامیل یا ده انتخاب کند و پس از انتخاب پسر، مادربه خواستگاری آن دختر می رود. مادر پسر با مادر دختر به صحبت می نشیند در این قسمت خواستگاری سوغاتی برای دختر از طرف خانواده پسر آورده می شود و تحویل مادرش می شود.

این قسمت از خواستگاری و مقدمه کار کاملاً خصوص است و چون مطمئن نیستند که خانواده دختر به این وصلت رضا می دهد یا خیر، این کار را می کنند تا موضوع بر ملا نشود و احیاناً کسی در این مورد شرمند نشود.

اما پدر پسر برای خواستگاری رسمی و خاتمه کار نامزدی و همچنین تعیین مقدار مهریه، کدخدا یا ریش سفیدی را قاصد می کند و به اصطلاح واسطه بین دو خانواده است تا هم احترامی برای خانواده دختر محسوب شود و هم پولشان به هدر نرود و خانواده دختر احیاناً منکر پول مهریه نشوند.

ریش سفید و کدخدایی که قاصد شده است پیش خانواده دختر می رود و به صحبت می نشیند و مهریه و شیربهایش را تعیین می کنند و شیربهایی که همراه دارد به آنها تحویل می دهد و آنگاه

دختر و پسر رسماً نامزد می شوند پس از این مراسم معمولاً نامزدها می توانند باهمدیگر ملاقات کنند و باید یکدیگر غذا صرف کنند و یا باهم کار کنند. اگر پسر به سفر رفته و مدتی ماندگار شد سوغاتی برای نامزدش می فرستد.

در این منطقه دختر بدون جهاز به خانواده بخت می رود و جهیزیه معنی و مفهومی ندارد. مهریه دختر هم در قدیم بسیار کم بوده است اما امروزه به میلیون ها رسیده است.

نوع دیگر خواستگاری در قدیم به این صورت بود که وقتی دختری متولد می شد کسی که پسر چند ساله ای داشت او را برای پسر خود ناف بُر می کرد که درگوش محلی به این وصلت نُم ناکی می گویند.

۳-۸- دوران نامزدی:

به دلیل پایین بودن سن ازدواج در گذشته دختران در اکثر موارد هنگامی که نامزد خود را می دیدند یا فرار می کردند یا قایم می شدند که به این مسئله (رو گرفتن) می گویند اگر دوران نامزدی خانواده پسر پارچه یا مقداری لباس به عروس خود هدیه بدهند می گویند جل دادند. مدت نامزدی معمولاً چندین ماه تا یک سال بیشتر نبود و اگر طول می کشید به علت فوت یکی از بستگان طرفین بود اما اخیراً دوران نامزدی که از خواستگاری تا شب جشن عروسی می باشد به چندین سال هم می رسد که در این دوران دختر و پسر به فکر خانه و وسایل رفاهی هستند.

۳-۹- کاغذ گرونی (عقدکنان):

پس از مدتی پسر تصمیم می گیرد که دختر رابه عقد خویش در آورد برای این کار والدین داماد پیش ملای ده می روند تا معلوم کند کدام روز برای کاغذ گرونی مناسب است یعنی روز نحسی نباشد و ملای ده روز مخصوصی را برای مراسم کاغذ گرونی تعیین می کند.

روزی که ملا تعیین کرده خانواده پسر تمامی اهالی ده از جمله بزرگان ده را دعوت می کند که به خانه عروس بیایند و کاغذ داماد را بگیرند. خانواده داماد موظف است نهار و شام مدعوین را بدهد.

درموقع کاغذگرونی دختر و پسر حق هیچ گونه اظهار نظری ندارند و فقط زیر رضایت نامه تنظیمی انگشت می زنند و به جای آنها خانواده هایشان همه کارها را روبه راه می کنند.

درشب کاغذ گرونی هردو خانواده عروس و داماد در خانه پدر عروس جمع می شوند با شربت و شیرینی از میهمانان پذیرایی می کنند. معمولاً مراسم عقدی که جدا از جشن عروسی گرفته می شود، کمتر به هلله و شادی می پردازند و بیشتر مراسم را به روز جشن عروسی می گذارند. خرج مراسم عقد و عروسی کاملاً به عهده خانواده داماد می باشد.

ملای ده اسم دختر و پسر با شماره شناسنامه هایشان را می نویسد که درحضور آقایان رضایت نامه گرفته شده و این دختر به عقد این پسر درآمده و حضار پس از اینکه کاغذ به امضای دختر و پسر رسید آن را امضاء می کنند. ملای ده شخصاً کاغذ عقد را پیش شیخ (محضر دار) می برد و محضری می کرد و پس از عقد مراسم عروسی شروع می شد و از مدت عقد تا پایان مراسم عروسی، عروس و داماد حق نداشتند همدیگر را ملاقات کنند و یا بایکدیگر حرفی بزنند، عروس هم کمتر ظاهر می شد و همیشه در حریم خانه بود و جایی آفتابی نمی شد. ولی اخیراً نحوه کاغذ گرونی تغییر کرده است به این صورت که خانواده پسر، شیخ محضردار را به خانه عروس در روز و یا شبی که توسط ملا تعیین شده دعوت نموده و شیخ صیغه عقد را در منزل پدر عروس می خواند و بعد از آن عروس و داماد می توانند همدیگر را ببینند، خرید کنند و در مورد زندگی آینده خود تصمیم بگیرند.

۳-۱۰- بستن سرگ (Serg):

سرگ (کپر مخصوص تابستان) را برای برگزاری مراسم عروسی می سازند و این سرگ بسیار بزرگ معروف به شیرینی است. برای زمستان کپر از دو لایه ی سوند (بافته حصیری مانند که از شاخ و برگ درخت نخل تهیه می شد) محکم و مقاوم در برابر باد و باران ساخته می شود، ولی برای تابستان کپر نازک و از سوند یک لایه ساخته می شود.

وقتی چوب سرگ را نصب می کنند پای چوب درون گودی نقل و نبات و یا چیزی که شیرین باشد نظیر خرما می ریزند و بعد از آن سرگ بزرگی درست می کنند تا گنجایش همه مدعوین را داشته باشد. اگر داماد به اندازه کافی سوند نداشته باشد از همسایه ها به عاریه می گیرد.

اخیراً به خاطر خشکسالی و کم بود شاخه نخل، برای تهیه سوند مردم این مناطق برای ساختن سرگ از چادر های برزنت استفاده می کنند .

۳-۱۱- مراسم هیزم چینی:

قبل از این که به این بخش بپردازم یاد آور می شوم که در این منطقه به مراسم عروسی هیش می گویند .

داماد برای آن که هیزم هیش را تامین کند از مردم بخصوص نزدیکان خود کمک می گیرد و از آن ها می خواهد که هر کدام با یک راس الاغ و یک نفر آدم کاری و زرنگ به کمک او بیایند و سپس آن ها برای چیدن یا جمع آوری هیزم هیش به بیرون از ده می روند. حوالی ظهر هیزم چین ها با هیزم هایشان برمی گردند وقتی که بارهای هیزم با هر مرارتی به مقصد رسید همه در یک جا انباشته می کنند و ۲ یا ۳ بیرق سرخ ساده بر روی آن به اهتزاز درمی آورند و این را نشانه مبارکی می دانند .

اخیراً هیزم چین ها به خارج از ده می روند و هیزم را تهیه می کنند و بعد از آن که همه چیز مهیا شد چند نفر دیگر غیر از هیزم چین ها با ماشین آن را به منزل داماد و عروس حمل می کنند ، معمولاً هیزم از درخت خشک شده گهور که از درختان بومی این منطقه می باشد و آتش آن دوام بیشتری دارد تهیه می کنند .

۳-۱۲- آوردن لوتی برای هیش :

هم زمان با سایر کارهای تدارکاتی مراسم هیش، یک نفر هم به دهات اطراف می رود تا لوتی ها (گروه موسیقی محلی که با نواختن ساز و دهل همراه است) را بیاورد. معمولاً یک نفر سازی، دو نفر دُهل برای یک هیش کافی است. اما امروزه برای این که این گروه لوتی خوب بتواند بنوازد و مجلس را شاد کند چند نفری هم رقص مرد همراه آنها هستند.

لوتی ها همین که نزدیک منزل داماد رسیدند شروع می کنند به نواختن و تعدادی از نزدیکان داماد از زن و مرد به استقبال آن ها می روند و زنان با فریاد شادی که به زبان محلی به آن کیکنگ می گویند زیبایی خاصی به این مراسم می دهند. مردان به رقص و پایکوبی می پردازند تا این که لوتی

ها به جایی که برای استراحت آنها در نظر گرفته شده می‌رسند. این مراسم تمام می‌شود و لوتی‌ها دیگر تا شروع هیش نمی‌نوازند.

روز بود که لوتی‌ها در این مدت می‌ماندند و برای هر مراسمی با نوای خاصی می‌نواختند، ولی امروزه فقط شب آخر عروسی یا یک شب مانده به آخر این مراسم اجرا می‌شود.

۳-۱۳- طلبیدن مردم برای بردن رخت عروس:

بردن رخت و لباس عروس نیز در روزهای اول عروسی انجام می‌شود تا عروس فرصت داشته باشد لباس هایشان را بدوزد. وقتی لوتی‌ها آمدند و تقریباً تدارکات اولیه عروسی دیده شد، نزدیکان داماد که همگی زن هستند مخصوصاً خواهران داماد، چند نفر با هم نقل و بادام را با خود برمی‌دارند و درحالی که ابیاتی را می‌خوانند به درخانه‌های اهل ده می‌روند و همین که به هرخانه رسیدند کینگ می‌زنند و اهل خانه هم با شنیدن صدای کینگ با آنها هم صدا می‌شوند و از خانه خارج شده و به استقبال زنان که به آنان خونده می‌گویند می‌آیند. (خونده به معنای کسی که دعوت می‌کند). خونده‌ها بر سر اهل خانه نقل و بادام و چیزهایی که همراه دارند می‌پاشند و بعد به گفت‌وگو و تعارف می‌پردازند. مثلاً می‌گویند: می‌خواهیم رخت‌های عروس را ببریم بیایید انشاالله سرهیش پسر فلانی. اهل خانه می‌گویند: انشاالله مبارکه، چشم خدمت می‌رسیم.

خونده‌ها به در تمام خانه‌ها می‌روند و همه را دعوت می‌کنند و موظفند که تمام اهالی را دعوت کنند به طوری که کسی از قلم نیفتاده باشد که باعث گله‌گذاری و قهر شود. همین که کار خونده‌ها تمام شد، به خانه برمی‌گردند و منتظرند که زنان اهل ده بیایند و در مراسم رخت عروس شرکت کنند؛ بعد از ظهر همان روز عده‌ای زنان می‌آیند تا رخت عروس ببرند و لوتی‌ها هم در این کار همراه می‌شوند.

رخت عروس را قدیمان در یک سینی بزرگ فلزی می‌گذاشتند و یکی از زنان یا یکی از خواهران داماد آن را روی سر می‌گذاشت و با ساز و دهل به طرف خانه عروس حرکت می‌کردند درحالی که روی سینی با یک پارچه نازک سبزرنگ می‌پوشانند این ابیات را می‌خوانند:

ای مُم عاروس دست بالا بکن	لباس مُو واردن بدو نگاه بکن
ای مُم عاروس دست بالا بکن	گوشوار مُو واردن بدو نگاه بکن

ای مُم عاروس دست بالا بکن	ساعت مُو واردن بدو نگاه بکن
ای مُم عاروس دست بالا بکن	دستبند مُو واردن بدو نگاه بکن
ای مُم عاروس دست بالا بکن	گردنبند مُو واردن بدو نگاه بکن

۳-۱۴- شروع عروسی:

زمین را که جلوی منزل پدر داماد قرار دارد صاف و از بوته های خار پاک نموده و آب می پاشند و دور تا دور زمین حصیر فرش می کنند .

لوتی ها هم بعد از غروب و صرف شام درحالی که نشسته اند با نواختن ساز و دهل مراسم عروسی را اعلام می کنند تا مردم ده بیایند. مردم وقتی صدای ساز و دهل را شنیدند برای تماشا می آیند، وقتی که جمعیت تقریباً زیاد شد لوتی ها به وسط میدان می روند و با دور زدن خیلی آهسته و قدم های شمرده و توائم با رقص شروع به نواختن ساز و دهل می کنند، دهلی دهلش را به دوش می اندازد، دهل روی شکم قرار می گیرد و بند دهل از یک طرف گردن و از زیر بغل دیگر رد می شود، با یک چوب کوتاه بر روی دهل می زنند و با هم حرکت می کنند و دومی رو در روی او قرار دارد و درست حرکت می کند. هرگاه دهل سرد شده و خوب صدا ندهد به وسیله آتش گرم می شود یعنی دو سر دهل را به نوبه کنار آتش قرار می دهند تا گرم شود و در همان حال نیز دهل می زنند تا آهنگ ساز را همراهی کنند.

در ابتدای شروع عروسی یعنی در این مدت که لوتی ها خودشان می رقصند خانواده داماد به میهمانان چای و قلیان و آب می دهند، در این زمان مردانی که برای رقصیدن آمده اند آماده می شوند تا همراه لوتی برقصند. لباس رقص مردها عبارت است از پیراهن سفید و لنگی که به دور کمر محکم می بندند. مردانی که می رقصند اکثراً جوان هستند، یکی از مردان که آماده رقص است پیش قدم شده و وارد میدان می شود و شروع می کند به رقصیدن، بقیه نیز منظم پشت سر او شروع به رقصیدن می کنند. رقص آنها به صورت لرزیدن بدن و شانه هاست و پای کوبی است. این مراسم معمولاً در شب ها بعد از صرف شام اجرا می شود و مدت زمان آن دو یا سه ساعت است. در این مدت که همه تماشاگران به صورت دایره ای منظم دور میدان نشسته اند و با چای، آب و نقل و شیرینی پذیرایی

می شوند و لوتی ها ورقاصان را با دست زدن تشویق می کنند و زنان که با فاصله کمی زیادتر از مردها نشسته اند با کیکنگ زدن به عروسی رونق خاصی می بخشند.

۳-۱۵- شل کردن حنای عروس :

شل کردن حنا نیز مراسمی دارد، یکی از اقوام داماد مثلاً مادر یا خواهر مقدار کافی حنا برای رنگ کردن دست و پای عروس و داماد و مقدار کمی هم اضافه بر می دارد، در موقع عروسی همه جا شلوغ است و حنا را در حریم خانه در همان شلوغی آماده می کنند، وقتی که حنا آماده شد در یک بشقاب قشنگی یا ظرف زیبایی قرار می دهند و رویش را صاف می کنند و با نقل و بادام و با انگشترهای متعددی تزئین می کنند و سپس نقل و بادام می پاشند و کیکنگ می زنند.

برای عروس هم یک بشقاب جداگانه نظیر حنای داماد درست می کنند، اما در شب اول حنای عروس، خانواده عروس خودشان حنا تهیه می کنند و مراسم حنا بندان را انجام می دهند و این کار تقریباً خصوصی است چون نباید حنای شب اول را به کسی بدهند و اگر حنای شب اول را به کسی بدهند برای عروس شگون ندارد، به خاطر همین موضوع سر و صدایی برای حنای شب اول عروس راه نمی اندازند (حنای دزدی).

کسی که حنای داماد را آماده کرده ظرف حنا را روی سرش قرار می دهد و با یک دست آن را نگه می دارد و با دست دیگرش درحالی که دستمالی به دست دارد رقص کنان به وسط زنان می آید و شروع به رقصیدن کرده و این بیت را می خواند :

ما حنا داریم حنا بوی حنا از ما میاد

ما حنا داریم حنا بوی گلاب از ما میاد

عده ای هم صدا و همراه با او این بیت را نیز تکرار می کنند و سپس از میدان خارج می شوند. حنا باید مدتی بماند تا رنگ دهد.

۳-۱۶- حنا بندان :

همین که رقص مردها تمام شد که معمولاً آن زمان نیمه های شب است مادر داماد و یکی از اقوام نزدیک داماد ظرف حنا را برمی دارد و به وسط مجلس می آید و درحالی که ابیات بالا را

تکرار می کنند دست می زنند و با کمک لوتی ها حنابندان را شروع می کنند. جای حنا بندان را قبلاً آماده کرده اند، حصیری انداخته شده و روی حصیر پتویی فرش شده و یک بالشت هم زیر پای داماد قرار می دهند؛ یک توری یا پارچه سبز روی سر داماد می اندازند نیز داماد یک کارد بزرگ به کمرش می بندد و این پارچه و کارد تا پایان مراسم عروسی به همراه دارد و معتقدند که نشانه ی مبارکی است و اگر داماد پارچه سبز و کارد را به همراه نداشته باشد جن زده می شود یا چلش می زند؛ چل مسمی از جهل است و یک نوع مرضی تقریباً بی درمان و شبیه سگته و فلج امروزی است.

در این مدت گشته دودمی کنند (گشته ماده خوش بو و سیاه رنگ است مانند قندمی سوزد و بوی خوش است) وزن ها مرتب دست می زنند و زن و مردی که برای بستن حنای داماد انتخاب شده اند می آیند و حنای داماد را می بندند. زن و مردی که این کار را انجام می دهند دارای این خصوصیات هستند: مومن، درستکار، دارای فرزند پسر و هرگز طلاق نگرفته باشند، زن و مرد ممکن است نسبتی با هم نداشته باشند و گاهی هم اتفاق می افتد که قوم و خویشان این انتخاب به معنای مبارکی است زن منتخب دست چپ و پای چپ داماد و مرد دست راست و پای راست داماد را حنای بندد. زنی که حنای داماد را می بندد شعری خواند و بقیه ی زنان و مردان که در اطراف داماد حلقه زده اند و تماشای کنند با دست زدند و جواب دادند وی را همراهی می کنند.

دو نفر زن هم بالای سر داماد ایستاده اند و هر یک دستمال در دست دارند و دستمال را روی سر داماد بالا و پایین می برند، در این مدت نقل و بادام و شکلات می پاشند و مراسم حنابندان به پایان می رسد. شب اول پس از بستن حنای داماد مراسم به پایان می رسد و خانواده ی داماد حنای عروس را نمی بندند چون خانواده ی عروس خودشان این کار را انجام می دهند و لولی در شب های بعد خانواده ی داماد در مراسم حنابندان عروس شرکت می کنند و داماد و عروس را یک جا حنای بندند.

در شب دوم، پس از حنای داماد نوبت بستن حنای عروس می رسد و اکثریت جمعیت هیش راهی خانه عروس می شوند و در حالی که لوطی ها می نوازند زنان شعر و بیت می خوانند تا به منزل عروس می رسند اطراف عروس حلقه می زنند در این موقع مادر عروس، عروس را آماده می کند تا حنایش ببندند. عروس در حالی که چادرش را تمام صورتش پوشانده است مودب و ساکت می نشیند و زنان با خواندن ابیات زیر حنا بندان را شروع می کنند:

ای جانِ حنا می بندمی عروس حناش می بندمی

آب طلا می بندمی	اگر حنا نباشتن
خلقون همه حیروتن	جانی حنا بندتن
سایه الله می بندمی	ای جانی حنا می بندمی
آب طلا می بندمی	اگر حنا نباشتن
دو دست رنگی کنم من	ای حنا بندی کنم من
دو دست رنگی کنم من	به سایه سر الله
دو دست رنگی همینه	ای حنا بندی همینه
دو دست رنگی همینه	به سایه سر الله

وسرود بسیار ملایم حزن انگیز زیر هم برای عروس وهم برای داماد در مراسم حنا بندان خوانده می شود.

یک نفر می خواند وبقیه جوابش می دهند:

ملائک بر سرش می خوانده قرآن	امام اولی آمد به میدان
علی در خدمت پروردگاره	اگر اسم محمد بر قرآن
ملائک بر سرش می خوانده قرآن	امام دومی آمد به میدان
علی در خدمت پرور دگاره	اگر اسم محمد بر قراره
ملائک بر سرش می خوانده قرآن	امام سومی آمد به میدان
علی در خدمت پروردگاره	اگر اسم محمد بر قراره
ملائک بر سرش می خوانده قرآن	امام چها رمی آمد به میدان
علی در خدمت پروردگاره	اگر اسم محمد بر قراره
ملائک بر سرش می خوانده قرآن	امام پنجمی آمد به میدان
علی در خدمت پرور دگاره	اگر اسم محمد بر قراره
ملائک بر سرش می خوانده قرآن	امام ششمی آمد به میدان
علی در خدمت پروردگاره	اگر اسم محمد بر قراره
ملائک بر سرش می خوانده قرآن	امام هفتمی آمد به میدان
علی در خدمت پروردگاره	اگر اسم محمد بر قراره

امام هشتمی آمد به میدان	ملائک بر سرش می خوانده قرآن
اگر اسم محمد بر قراره	علی در خدمت پروردگاره
امام نهمی آمد به میدان	ملائک بر سرش می خوانده قرآن
اگر اسم محمد بر قراره	علی در خدمت پروردگاره
امام دهمی آمد به میدان	ملائک بر سرش می خوانده قرآن
اگر اسم محمد بر قراره	علی در خدمت پروردگاره
امام یازدهمی آمد به میدان	ملائک بر سرش می خوانده قرآن
اگر اسم محمد بر قراره	علی در خدمت پروردگاره
امام دوازدهم جمله امامان	همه در خدمت پروردگاره

از ابتدای شروع هیش کار پختن نان نیز آغاز می شود. برای این که بتوانند نان هیش را به آسانی تهیه کنند، خانواده داماد چندین زن که تقریباً کار خانه ی آن ها سبک تر است مانند بیوه زنان و پیر زنان (آن هایی که از عهده ی این کار بر می آیند) به کمک دعوت می کند تا برای پختن نان هیش به آن جا بروند. هرچه جمعیت هیش زیادتر باشد و نان مصرف بیشتری داشته باشد عده ی بیشتری باید به کار پختن نان مشغول شوند. اگر کسی امکان داشته باشد که کمک کند ولی عمداً کمک نکند موجب گله گذاری داماد و خانواده اش می شود زیرا معتقدند که برگزاری یک هیش بزرگ کاری است دسته جمعی و کسی توقع ندارد در مراسم هیش دیگران کم کاری کند. کسانی که مامور تهیه نان هستند زیر سایه سرگ (کپر یا آلاچیق که با برگ درخت خرما درست می کنند) گرد هم می آیند و به تهیه نان مشغول می شوند و در حال انجام کار کیکنگ می زنند و شعر می خوانند، خود را سرگرم می کنند تا شاد شوند و احساس خستگی نکنند. برای تهیه نان ابتدا خمیر را آماده نموده و سپس زیراندازی برای گذاشتن نان ها بر روی آن تهیه می کنند که بیشتر مواقع این زیرانداز، سفره تمیز و محکم است، بعد از اینکه چانه ها آماده شد هیزم را در اجاقی که قبلاً آماده شده ریخته و آتش را روشن می کنند، تابه روی اجاق (به زبان محلی به آن کودان می گویند) می گذارند تا گرم شود ، برای اینکه چانه ها به همدیگر و سفره نچسبد مقداری آرد زیر آنها می پاشند.

بعد از اینکه کار چانه ها به پایان رسید کسی که مسئول پختن نان است یکی از چانه ها را روی تخته چوبی گذاشته و با انگشتان خود طوری به چانه خمیر ضربه وارد نموده تا خمیر پهن شود و سپس یک سر آن را گرفته و با کمک دست دیگر آن را می غلتاند تا چانه به صورت یک نان

بزرگ پهن گردد و کاملاً بزرگ شود و بدین ترتیب نان برای پختن آماده شده است. نان را روی نان بَنه (مسمی از نان نهادن است) که از پارچه و مقداری لیف خرما تهیه شده و بسیار محکم است قرار داده و به وسیله آن نان را روی تابه با قوت متعادل می چسپاند تا پخته شود، برای هر نان حدود ۴۰ ثانیه لازم است تا پخته شود و بعد از آن از روی تابه برداشته شود و در یک گوشه سفره گذاشته می شود.

روز آخر هیش حنای داماد که حنای سوم آن است را تقریباً نزدیکاً های ظهرو یا بعد از ظهر می بندند، برای اینکه به کارهای دیگر برسند مراسم حنای داماد را در این زمان مانند دفعات قبل صورت می گیرد و حنای عروس هم بعد از حنای داماد انجام می شود. بعد از اینکه کار حنابندان به اتمام رسید اطرافیان و میهمانان به منزلشان می روند تا برای مراسم سَرهوه (مراسم حمام زدن داماد) آماده شوند. معمولاً همه لباس نو می پوشند و هر کس به اندازه وسع خود مقداری پول به همراه خود می آورد تا پانداز (مقدار پولی که در مراسم حمام داماد اقوام و فامیل به داماد هدیه می کنند) بدهند. بعد از چند ساعت حدوداً ساعت چهار بعد از ظهر داماد را برای حمام زدن آماده می کنند، برای شروع این کار لوتی ها با آهنگ دلنوازی شروع به نواختن می کنند و میهمانان از زن و مرد جمع می شوند. شتری که قرار است داماد بر آن سوار شود با گل و روسری زنان به نام جلیلی (روسری سیاه رنگ که با خوس تزئین شده باشد) تزئین می کنند و داماد بر آن سوار می شود، لوتی ها از جلو و جمعیت مردان از پشت سر آنها و زنان با کمی فاصله، در قسمت عقب جمعیت حرکت می کنند و مردان با خواندن عبارات زیرزیبایی خاصی به مراسم می بخشند:

الف الصلوه والسلام
وعلیک یارسول الله
صلی وصل علیک
صل علی محمد

وزنان با کیکنگ و دست زدن مردان و لوتی ها را همراهی می کنند در بین راه خانمی که چمدان لباس داماد روی سر گذاشته هر چند متری یک بار مقداری برنج بر سر داماد می پاشد آن ها معتقدند که این کار موجب برکت در زندگی داماد می شود، بعد از این که به محل حمام زدن داماد که معمولاً رودخانه یا استخر بزرگی رسیدند دو جا حصیر فرش می کنند یکی برای اصلاح موی سر داماد و دیگری برای جمع آوری پولی که اقوام داماد می خواهند بپردازند. برای اصلاح موی سر

دامادیک نفر سلمانی زبده دعوت می شود در حالی که زنان این ابیات را می خوانند او مشغول اصلاح موی سر داماد می شود :

ای بلال سر تراش سر خوبی بتراش	پیرهن خوبش به گرو سر خوبش بتراش
ای بلال سر تراش سر خوبی بتراش	ساعت خوبش به گروسر خوبش بتراش
ای بلال سر تراش سر خوبی بتراش	کفش های خوبش به گرو سر خوبش بتراش
ای بلال سر تراش سر خوبی بتراش	جوراب خوبش به گرو سر خوبش بتراش
ای بلال سر تراش سر خوبش بتراش	کت خوبش به گرو سر خوبش بتراش

این ابیات نیز در هنگام اصلاح موی سر داماد معمولاً در پایان کار می خوانند :

آنجا که سر می تراشیدن	نقل و نبات می پاشیدن
آنجا که سر می تراشیدن	عطر و گلاب می پاشیدن
آنجا که سر می تراشیدن	دسته گل می پاشیدن

بعد از این مراسم موقع جمع آوری پانداز است ، (پانداز مقدار پولی است که اقوام و دوستان داماد به او هدیه می کنند) برای انجام این کار یک نفر ثبات برای ثبت اسامی افراد در دفتر مخصوص در جایی که قبلاً مهیا شده قرار می گیرد و یک نفر هم که اسامی را بلند می خواند در این کار او را یاری می دهد بعد از این که اسم هر نفر به همراه مبلغ پرداختی خوانده می شود زنان به نشانه تحسین کیکنگ می زنند رسم است که پولی که هدیه می شود بنام پسر پرداخت کننده ثبت می شود و اگر کسی پسری نداشت بنام خود او ثبت می شود.

بعد از این مراسم ، چند نفر طرف راست داماد و چند نفر دیگر طرف چپ داماد در حالی که دست داماد را گرفته اند به طرف حوض یا استخر راهی می شوند و مردان این ابیات را می خوانند:

به چشم پاک به نظر پاک

به کوری چشم ناپاک

پیغمبر خدا صلوات

صل علی محمد ، صل علی محمد

بعد از این که به محل مورد نظر رسیدن ابتدا داماد باید برای وارد شدن به حوض تخم مرغی که به صورت عمودی گذاشته شده بشکند و این نشانه ی آن است که داماد به سن بلوغ رسیده و آماده پذیرش مسئولیت خانواده است و بعضی هم آن را نشانه مبارکی می دانند وقتی داماد وارد حوض شد یک نفر مرد کار حمام او را آغاز می کند و زنان این ابیات را می خوانند:

یا علی الله ولی ذکر محمد یا علی

یا علی سرور تویی داماد پیغمبر تویی

در جزای روز محشر ساقی کوثر تویی

فاطمه تاج بر سرن که دختر پیغمبرن

هر که او را بد بگوید یک عدوی کافرن

بعد از اتمام حمام داماد نوبت پوشیدن لباس داماد می رسد که یک نفر مرد به ترتیب لباس داماد را برتن او می پوشاند و زنان این ابیات را می خوانند :

مبارک باد مبارک باد مبارک	مبارک باد که داماد رخت اپوشد
مبارک باد مبارک باد مبارک	مبارک با دبه این پیرهن داماد
مبارک باد مبارک باد مبارک	مبارک با دبه این شلوار داماد
مبارک باد مبارک باد مبارک	مبارک با دبه این ساعت داماد
مبارک باد مبارک باد مبارک	مبارک با دبه این کفش های داماد

لباس داماد معمولاً شلوار مشکی و پیراهن سفید می باشد بعد از این که لباس پوشیدن داماد تمام شد ، سرمه در چشمان او می کشند و یک پارچه یا توری سبز نازک روی سردامادی اندازند و پس از آن داماد را سوار بر شتر آماده رفتن به منزل می شود که مسئول جمع آوری پانداز داماد مبلغ جمع آوری شده را اعلام می کند که معمولاً مبلغ جمع آوری شده بیشتر از مخارج عروسی است که باعث خورسندی داماد می شود .

پس از آن داماد سوار بر شتر همراه با نواختن لوتی و صلوات مردان راهی منزل می شود در اولین قدم مادر داماد در حالی که آئینه ای در دست دارد به استقبال پسرش می آید او را می بوسد و پسر از مادر حلالیت می طلبد که مورد قبول مادر واقع می شود پدر داماد نیز همین طور پسر را در آغوش می گیرد و یک هدیه ای به عنوان پاندا زبه داماد می دهد مثلاً اگر باغ یا ملک خوبی دارد هر اندازه که بخواهد جلو انظار به پسرش پاندا ز می دهد و همین خود مدرکی برای داماد است و لازم به سند نیست مادر داماد هم به اندازه یوسعش از ملک خصوصی خود یا وسیله، زمین یا حتی ظرفی که دارد به داماد هدیه می دهد. پس از آن داماد را برای زیارت به یکی از امام زاده های نزدیک ده می برند که در این منطقه رسم است که داماد را برای زیارت به بارگاه امام زاده شاه معزالدین از فرزندان امام موسی کاظم (ع) می برند و بدین ترتیب داماد آماده حجله رفتن یا خانه روان می شود .

در این فرصت که مردان مشغول کار داماد بودند عده ای از زنان نیز مخفیانه عروس را حمام داده و بعد از حمام در هنگام تاریکی شب او را به حجله می برند. حجله عروس در منزل پدر او ساخته می شود و حجله کوچک و موقت است چون فقط سه شب محل اقامت عروس و داماد است بعضی تا هفت شب هم در حجله می مانند. عروس در حجله می گذارند و یک دختر نیز برای آن که عروس دلش تنگ نشود تا آمدن داماد کنارش می ماند. آخرین شب عروسی نیز مثل سایر شب ها می رقصند و نیمه های شب داماد را به همراه لوطی رقص کنان به طرف خانه پدر عروس می برند دم در حجله یک مشاطه یا مادر عروس راه را سد می کند و نمی گذارد داماد وارد حجله شود او اول کاغذ عقد می خواهد بعد اجازه ورود می دهد. پدر داماد قبل از ورود داماد به حجله گوسفند نری را برای مبارکی و دفع بلا قربانی می کند و داماد همراه با ملا وارد حجله می شود و همگی که از نزدیکان داماد و عروس هستند صلوات می فرستند و داماد در حجله اولین کاری که می کند دو رکعت نماز می خواند .

پس از خواندن نماز داماد طرف دست راست عروس قرار می گیرد و هر دو رو به قبله می نشینند ابتدا ملاسه بار سر عروس و داماد را به نشانه مبارکی آهسته با هم می زند و بعد پدر و مادر داماد نیز به نوبه اینکار را انجام می دهند. و به این طریق مراسم عروسی تمام می شود. معمولاً در قدیم رسم بر این بود که یک نفر از خانواده عروس اطراف حجله تا صبح پاس می داد تا به اصطلاح

چلشان نزنند . عروس و داماد نیز سه شبانه روز از حجله خارج نمی شوند تا چلشان نزنند و پس از سه شبانه روز داماد ، عروس را برمی دارد و به خانه پدرش می برد.

۳-۲- آداب مرگ :

چنان بانیک و بدسرکن که بعد از مردنت عرفی مسلمانان به زمم شوید و هندو بسوزاند (عرفی)

مرگ از مسائلی است که دو جنبه سنت و شرع را هر دو دربردارد ، مسائل شرعی آن مانند کفن ، دفن و نماز میت در اکثر مناطق اسلامی مشابه است اما از نظر سنت آنچه که در این منطقه مشاهده می شود این است که بعضی از طوایف مرده خود را چه شب و چه روز کفن می کنند و او را به گورستان می برند و به خاک می سپارند اما بعضی اعتقاد دارند که مرده را نباید شب دفن کرد چون می ترسد لذا تا صبح زود باید صبر کرد.

همین که کسی به رحمت خدا رفت پاهایش را به سوی قبله می کشند و با دست چشمانش را می بندند و همه اهل آبادی با شنیدن این خبر جمع می شوند. زنان به گریه و زاری می پردازند و مردان هم هر کدام خود را برای همکاری در مراسم خاکسپاری آماده می کنند. یکی به دنبال تهیه کفن می رود ، دیگری دو نفر را مامور آماده نمودن قبر می نماید و یکی به دنبال مرده شوی می رود (مرده شوی مخصوص و حرفه ای ندارند بلکه بعضی از پیرمردها و پیرزنان برای ثواب مرده را می شویند) و یکی دنبال ملای ده می فرستند پارچه سیاهی روی مرده می اندازند و برای او قرآن می خوانند .

در گوشه ای از خانه ی متوفی محلی را انتخاب می کنند و کمی زمین را حفر می کنند و روی آن باشاخه های تر درخت خرما می پوشانند و میت را روی آن می گذارند تا شستشو دهند . ملای ده بیرون از محل دعا می خواند و دو نفر (اگر مرده زن باشد ، زن و اگر مرد باشد ، مرد) در داخل مرده را با سدر و دیگر مواد پاک کننده می شویند و بعد از غسل آن را کفن می کنند ، کفن باید با دست پاره شود و از ابزاری مثل قیچی ، سوزن و نخ نباید استفاده شود ، کفن از سه تکه روسری میت ، پیراهن و شلوار که نا دوخته تنش را می پوشاند و یک پارچه که سراسر قد میت را می پوشاند تشکیل می شود. بعد از نماز میت زنان و مردان خود را به تابوت می رسانند (الویت با پدر و مادر و اقوام و نزدیکان است) و با متوفی خدا حافظی می کنند و تابوت میت را بلند می کنند تا به محلی که باید دفن شود

ببرند در بین راه ملای ده چاوشی می کند و دیگران این جملات را زمزمه می کنند: لا اله الا الله، محمداً رسول الله ، علیاً ولی الله .

در بین راه تا محل دفن تابوت را سه مرتبه به زمین می گذارند و بلند می کنند و اعتقاد دارند که با این کار میت دل از دنیا می کند و آماده می شود برای ورود به عالم دیگر که همان عالم برزخ است.

مرده را در حالی که بالشی از سنگ زیر سردارد رو به قبله یک پهلو و سر رو به قطب شمال می خوابانند و در آن قسمتی (لحد) که میت در آن قرار گرفت به وسیله خشت یا بلوک پوشانده گل اندود می شود بعد از این قسمت کسی که میت را دفن کرده بیرون می آید و ملا وارد قبر می شود و تلقین را می خواند.

بعد از این مرحله همه کسانی که حاضر هستند به استثنای برادران و فرزندان میت کمک می کنند تا قبر را از خاک پر کنند بعد از این که مراسم خاک سپاری تمام شد اول مردان سر قبر حاضر می شوند و برای میت طلب آمرزش می کنند و بعد زنان این کار را انجام می دهند در همه مراسم خاک سپاری ها رسم است که حلوا و شیرینی همراه می آورند و همان جامی خورند و فاتحه می دهند.

کسانی که در مراسم تدفین شرکت می کنند در مراجعت به منزل مقداری برگ سبز درخت بی خار را تهیه و جلو منزلشان می ریزند و این به نشانه ی بلا دور از آبادی و منزلشان می دانند.

۳-۲-۱- مراسم قرآن خوانی :

در این منطقه رسم است بعد از این که مراسم خاک سپاری تمام شد از طرف نزدیکان متوفی سه نفر قاری قرآن مرد ترجیحاً مُسن برای قرائت قرآن به مدت سه شبانه روز بر سر خاک مرده انتخاب می کنند و این قاریان تمام مدت آن جا می مانند قرآن می خوانند و برای او طلب آمرزش می کنند و بعد از سه روز کارشان تمام می شود و مبلغی هم بابت این کار از بانیان مراسم دریافت می کنند. در این مراسم معمولاً سوره های یاسین ، تبارک ، الرحمن، الناس خوانده می شود. در این مدت سه شبانه روز تمام بستگان به خصوص نزدیکان خانواده مصیبت دیده کار خود را تعطیل می نمایند و در انجام کارها همکاری می نمایند این رسم نیز در دوره غزنویان معمول بوده است : در

تاریخ بیهقی از چند تعزیت نام برده، از همه با عظمت تر مراسمی است که در ایران برای خلیفه القادر بالله بر پاشد و سه روز سلطان (مسعود) به عزاداری مشغول بود.

مرسوم بود که برای خلیفه همه ی اصناف، بازارها رابه مدت سه روز می بستند و دسته دسته برای شرکت در مراسم عزا به بارگاه می آمدند. معمولاً برای مرده اوقاف خاصی راتعیین وبر سرگور او درم و دینار خیر می کردند. (وامیر ماتم داشتن بیسیچید و دیگر روز که بار داد همه اولیاء وحشم آمدند و رسول را بیاوردند تامشاهدحال بود وبازارها در بیستند ومردم واصناف ورعیت فوج فوج می آمدند و سه روز براین جمله بود ورسول رابیاوردند و چاشتگاه که امیر برخاستی بازمی گردانیدند).

وبه باغ فیروزی رفت (مسعود) وترت پدر رارضی الله عنه زیارت کرد وبگریست وآن قوم راکه بر سر تربت بودند بیست هزار درهم فرمود ودانشمند نبیه وحاکم لشکر را نصربن خلف گفت: مردم انبوه بر کار بایدکرد تا به زودی این رباط که فرموده است برآورده آید وازاوقاف این تربت نیک اندیشه باید داشت تا به طرق و سبل رسد. وبه تربت امیر عادل سبکتگین رضی الله عنه فرود آمد وزیارت کردومردم تربت راده هزاردرهم فرمود واز آنجا به کوشک دولت باز آمد.

(باقی، ۱۳۴۹: ۳۵۳)

آن چه که در این مراسم بین دوره ی غزنویان ومردم منطقه قلعه قاضی مشترک می باشد، تعطیلی کار وکسبه وهمکاری بی دریغ مردم به مدت سه روز(بخصوص نزدیکان شخص فوت شده) می باشد همچنین گریه وزاری که برای ازدست رفته می کنند وخیرات وبخشیدن چیزی بر سر خاک میت که در دوره غزنویان دینار و درم می بخشیدند ودر این منطقه حلوا وشیرینی می بخشند .

۳-۲-۲- مراسم سه روز :

در این مراسم که در منزل متوفی یا در حسینیه محل برگزار می شود از قاریان قرآن دعوت می شود و برای مراسم روضه خوانی نیز ملای ده دعوت می شود و معمولاً بعداز قرائت قرآن مرثیه خوانی شروع می شود و قبل از نماز به اتمام می رسد و بعد از نماز جماعت نهار یا شام می خورند رسم است هر کس غذای این مراسم می خورد بعد از آن آب می نوشد و فاتحه می خواند یعنی

برای متوفی طلب آمرزش می کند، قبل از پایان مراسم توسط نزدیکان او اعلام می گردد هرکس از شخص فوت شده طلبی دارد به فلانی مراجعه و طلب خود را وصول نمایید هم چنین اعلام می کنند هرکس مراسم عروسی دارد (اگر در ماه حرام نباشد) و بابت این کار برنامه ریزی نموده است یا خرید کرده اجازه دارد مراسم خود را برگزار نماید. (در این منطقه وقتی کسی به رحمت خدا می رود نزدیکان وی تا یک سال و همسایه ها و دوستان تا چهار ماه عروسی نمی گیرند).

۳-۲-۳ - مراسم چهل روز :

در این روز قبل از شروع مراسم قرآن خوانی و دعای ختم بخش می بایست توسط بستگان و دوستان سنگی که قبلاً بنام شخص فوت شده نوشته شده بر روی قبرش نصب نمایند بعد از این کار همه برمی گردند و مراسم شروع می شود مراسم چهلم نسبت به مراسم سه روز کم هزینه تر است بعد از این مراسم همه لباس مشکی راز تن بیرون می آورند اما اگر میت مرد باشد زنش حق ندارد تا مراسم چهار ماه برگزار نشده لباس مشکی از تن خود بیرون بیاورد.

۳-۲-۴ - مراسم چهار ماه :

مراسم چهار ماه این گونه محاسبه می گردد، به اندازه فرزندان که میت دارد از مدت چهار ماه کم می شود مثلاً اگر شش فرزند داشته باشد مراسم چهار ماه او بعد از سه ماه ویست و چهار روز برگزار می شود مراسم این نیز مانند مراسم چهلم برگزار می شود با این تفاوت که برای این مراسم حتماً باید از مدعوین دعوت به عمل آید.

۳-۲-۵ - مراسم سال :

در این مراسم نیز مانند مراسم های قبلی از فامیل و اهالی ده دعوت می شود و مراسم قرآن خوانی شروع می شود، بعد از این مراسم بستگان می توانند اگر مراسم جشن عروسی دارند برگزار نمایند و در واقع اتمام این مراسم مجوزی است برای این کار، مراسم سال یا سالگرد همه ساله توسط فرزندان یا برادران شخص متوفی برگزار می شود.

۳-۳- عزاداری ها و مراسم های مذهبی در این منطقه:

۳-۳-۱- روزه خوانی

روزه خوانی از سنت های معمول است و از قدیم الایام اجرا می شود. روزه خوانی عموماً در مساجد و تکایا و روزه خوانی خصوصی در منازل بر گزار می گردد، ماه محرم، صفر و رمضان ایام وفات ائمه (ع) و شب های جمعه بهترین زمان روزه خوانی است. بعضی روزه ها با شام و ناهار همراه است و برخی بدون شام ناهار، روزه خوانی با شام و ناهار را روزه (تره) و بدون شام و ناهار را روزه (خشکه) می نامند. در روزه ی خشکه از ذاکرین و مدعوین با چای و قلیان پذیرایی می شود. برای شروع روزه خوانی همین که عده ای از مدعوین و ذاکرین جمع شدند یک نفر از ذاکرین با صدای بلند و با آهنگ مخصوصی چاوشی می کند و هدف از آن آگاهی دادن به مردم محل از شروع روزه خوانی است. معمولی ترین عباراتی که در چاوشی بکار می رود عبارتند از:

بر مشام می رسد هر لحظه بوی کربلا	بر دلم یارب نماند آرزوی کربلا
تشنه ی آب فراتم ای اجل مهلت بده	تا بگیرم در بغل قبر شهید کربلا
در این موقع پس از لحظه ای مکث، آهنگ چاوشی عوض می شود و عباراتی بکار می رود	
که حاضرین را وادار به صلوات فرستادن می نماید:	
که بر حبیب خدا ختم انبیا صلوات	به ابن عم نبی شاه لافتی صلوات

در پایان هر مصراع هر جا که کلمه صلوات به گوش رسید، حاضران با هم با صدای بلند صلوات می فرستند همین که چاوشی تمام شد نوحه خوانی شروع می شود بدین ترتیب که چند نفر از ذاکران یکی پس از دیگری قطعات منظوم دررثای یکی از شهداء کربلا با آهنگ مخصوصی خوانند و حاضران دسته جمعی ضمن آن که با دست به سینه ی خود می زنند جواب می دهند.

نوحه خوانان حرفه ای معمولاً جزوه ای دارند که در آن انواع نوحه ها ثبت کرده اند و با خود همراه دارند و آن را اصطلاحاً (بیاض) می نامند.

پس از آن که چند نوحه خوانده شد مجدداً عبارات زیر چاوشی می کند:

شاهی و کم سپاهی قربان شاهی تو	زینب چرا ننالد از بی پناهی تو
از شام و کوفه برگرد بنشین تودر مدینه	روزی که عرض و کردم ای شاه بی قرینه
یا مکه یا مدینه یا دشت کربلایی	یک امشب ای برادر سروقت ما نیایی
اندر مدینه مارا جایی و منزلی بود	امروز ودل ندارم روزی مرادلی بود
کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران	بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران

بعد از این چاوشی ملا به منبر می رود و بعد از سخنرانی در مورد مسائل دینی و اخلاقی روضه مناسباً زمان و یا بر حسب نذر و نیت صاحب مجلس می خواند. همین که روضه ودعا تمام شد همه به پا می خیزند و زیارت نامه مخصوص در سه مرحله به شرح و ترتیب ذیل خوانده می شود :

۱- روبه قبله: السلام علیک یا ابا عبدالله، السلام علیک یا بن رسول الله، یا بن امیر المومنین یا بن فاطمه الزهرا و رحمه الله و برکاته.

۲- روبه مشهد: السلام علیک یا غریب الغربا، السلام علیک یا معین الضعفاء و الفقرا، السلام علیک یا علی ابن موسی الرضا علیک الاف التحیه و الثناء و رحمه الله و برکاته.

۳- رو به قبله: السلام و علیک یا صاحب العصر و الزمان، السلام علیک یا شریک القرآن، السلام علیک یا امام الانس و الجان، عجل الله تعالی فرجک و سهل الله مخرجک لظهورک و رحمه الله برکاته.

کتاب هایی که در روضه خوانی معمولاً به عنوان منبع مورد استفاده قرار می گیرد عبارتند از: کتاب های مرحوم مجلسی مانند: بحار الانوار و حلیه المتقین، معراج العاده تالیف ملا احمد فراقیناسخ التواریخ میرزا عباس قلی خان سپهر، کتاب جودی.

۳-۲-۳ - نمونه یک نوحه :

رفیقان دور ماها بود و بگذشت زیخت خود ننالیم
همین یک عیدو ازما بود و بگذشت کنید از جان حلالم

چو عید دیگر آید ما نباشیم ز یکدیگر پشایم

به زیر خاک گور آسوده باشیم کنید از جان حلالم

بیایید ای رفیقان سوی اکبر که تا یک بار دیگر
بگیرید توشه ای از این جمالم کنید از جان حلالم

به سوی نینوا اکنون روانم ولی اندر فغانم
جدایی می زند آتش به جانم کنید از جان حلالم

به پای گل چو رفتی با صنوبر زنیید بر سینه و سر
بگویند یاد اکبر حیف اکبر کنید از جان حلالم

چو بر من می رسد مرگ نهانی در ایام جوانی
به روحم سوره ی حمدی بخوانید کنید جان حلالم

مخور غم مستمع از روز محشر به حق حی داور
شفیعت می شود شه زاده اکبر کنید از جان حلالم

۳-۳-۳ - علم گردانی :

علم نشانه سپاه امام حسین (ع) است. میله ای است یک وسیله نوک تیز بر سر آن نصب می کنند و اطراف آن را با پارچه سبز می پوشانند و با بند های سبز آن را گره می زنند. ملای منبر خوان با چند نوحه سرای دیگر به روستاهای اطراف می روند، نوحه سرایی می کنند و به نام خرج ادارای امام حسین (ع) مبلغی دریافت می کنند. روز دهم محرم اسباب علم را در گوشه ای خلوت از هم باز می کنند که به شهید کردن علم مشهور است. گفتنی است هنگامی که دو علم روبه روی همدیگر قرار بگیرند، سؤال هایی از یکدیگر می پرسند که باید جواب دهند اگر گروهی نتوانستند جواب دهند نشانه ی بی وفایی به اصحاب امام حسین (ع) است و نباید علم به دست بگیرند، یکبار سؤال های آنان این است که علم تو از کجا آب می خورد جواب آن چشمه کوثر است.

۳-۳-۴ - حجله گردانی :

حجله قاسم از نظر ظاهر شبیه تابوت است با اندکی اختلاف در سقف آن ، اتاقکی چوبی باابعادی حدوداً ۲ در ۱/۵ متر که با آینه های بزرگ و پارچه های رنگی تزیین شده است مراسم حجله گردانی روز نهم (روز تاسوعا) برگزار می شود. روز عاشورا این حجله با به شهادت رسیدن حضرت قاسم سیاه پوش می شود .

۳-۳-۵ - مراسم سنگ زنی :

این مراسم همراه با علم گردانی است. دسته ی سنگ زنی دایره وار علم حضرت عباس (ع) را در میان می گیرد و همراه با نوحه خوانی در حالی که دو عدد تخته کوچک در دست هایشان دارند خم می شوند و با چرخش موزون به هم می زنند و دوباره راست می شوند در همان حالت دست را بالای سر برده و به هم می زنند و صدای هماهنگ مانند صدای سنگ ایجاد می شود برای این کار حتماً باید دسته سنگ زنی تمرین کرده باشند تا هماهنگ عمل کنند در غیر این صورت چون دویه دو رو در رو قرار می گیرند و سنگ می زنند صدای هماهنگ ایجاد نخواهد شد.

نمونه ای از نوحه سنگ زنی :

آه جگر سوخته را نیز اثر کن	ای نوحه در این تعذیه تاثیر اثر کن
از گریه بر احوال یتیمان پدری کن	اولاد محمد همه بی یار و غریبند
یا ترک شب آریایی آئینه گری کن	نوری که تورا هست مکن که از خورشید
یا آن که زمغرب تو در این ماه عیان شو	ای ماه تورا از دیده وهم دیده نهان شو
بنشین به کناری وزغم نوحه گری کن	ای ماه در این تعزیه صلب کمری کن
چون شعله ی شوال جهان پر زگری کن	ای آتش آه جگر سوخته بر خیز

۳-۳-۶ - مراسم شام غریبان:

در شب یازدهم محرم دسته های سینه زنی در حالی که شمع روشنی در دست دارند به راه می افتند و به عزاداری می پردازند و معمولاً این ابیات را زمزمه میکنند:

شام غریبان است	امشب به صحرا بی کفن جسم شهیدان است
شام غریبان است	امشب نوای کودکان بر بام کسیون است

امشب به دشت کربلا نالان یتیمانند	شام غریبان است
امشب به روی کشته هادرنا له مرغانند	چون نی درافغانند
برخاک بی غسل و کفن رعنا جوانانند	خوابیده عریانند
بر غربت اجسادشان عالم پریشان است	شام غریبان است
امشب به بالین حسین زینب عزادار است	شام غریبان است
امشب سکینه بر سر نعش پدر زار است	تاصبح بیدار است
امشب فلک گریان به حال آل اطهار است	از دیده خون بار است
زهرابه دور کشته ها باخیل حوران است	شام غریبان است
امشب جناب فاطمه تاصبح در زاری است	اشک غمش جاری است

(باقی زاده ، ۱۳۸۸ : ۱۱۴)

به طور کلی در دو ماه محرم و صفر عروسی ها و جشن ها تعطیل است ، حتی عقد کنان هم برگزار نمی شود مسافرت های غیر ضروری هم از اول محرم تا سیزدهم که آن را دهه قتل می گویند نمی روند لباس مشکی خود را عوض نمی کنند . مخصوصاً تا روز سیزدهم زن هابزک و آرایش نمی کنند و حنا نا نمی بندند ، لباس نو به بچه نمی پوشانند و روزهای تاسوعا و عاشورا خیلی ها روزه می گیرند حلیم و برنج و گوشت پخته تقسیم می کنند و خیر و خیرات می نمایند.

۳-۳-۷- تعزیه خوانی :

تعزیه خوانی یا شبیه خوانی نیز از قدیم الایام در این منطقه معمول و متداول بوده است و در جوار حسینیه ها و مساجد با تشریفات خاص برگزار می شد و زمان آن دهه ی اول محرم هر سال و نیمه ی دوم صفر بود .

برای انجام تعزیه قطعات منظومی زبان حال هریک از شهدای کربلا و سران لشکر و یاران یزید و نیز وسایل و ابزار کار شبیه خوانان مانند انواع لباس زنانه و مردانه و کودکان و نیزه و شمشیر و سپر و طبل و غیره موجود بود. تعزیه خوانی بعد از ظهر طوری آغاز می گردید که با غروب آفتاب پایان یابد بعضی شب ها ی دهه اول محرم نیز مراسم تعزیه خوانی برپا میشود. شبیه خوانان عموماً از میان مردان انتخاب می شوند و هر جا که لازم بود لباس زنانه می پوشیدند و نقش خود را ایفا می کردند. هر روز بخشی از وقایع کربلا اجرامی شد و ملای محل مسئول انتخاب افراد شایسته برای هریک

از نقش بود. بعضی از نقش ها سال های سال توسط افراد معین اجرایی گردید که طبعاً در کار خود ورزیده و ماهر بودند.

هر شبیه خوان، کاغذی در دست دارد که باید ضمن عمل بخواند، ثبت شده این کاغذ و نوشته را اصطلاحاً «نسخه» می نامند، مثلاً نسخه علی اکبر در روز دهم و نسخه دو طفلان زینب در روز نهم و غیره. پیش از آن که شبیه خوانان وارد میدان در حسینیه جمع می شوند و ضمن پوشیدن لباس مخصوص، نسخه خود را مرور می کنند و اگر کسانی تازه کار باشند و مشکلی داشته باشند آنرا با راهنمایی ملا بر طرف می سازند همین که همه لباس پوشیدند و آماده شدند، یک نفر به طبال که در نقطه مرتفعی قرار دارد اعلام می کند تا طبال را به صدا در آورند و مقارن با بلند شدن صدای طبال، شبیه خوانان بانظم و ترتیب وارد میدان می شوند و هر کس در محلی که برای او در نظر گرفته شده قرار می گیرد. شبیه خوانان زن در چادر که اصطلاحاً «خیمه» گفته می شود می نشینند. در جریان تعزیه یک نفر بنام تعزیه گردان یا فهرست گردان در حالی که فهرست در دست دارد مرتباً در میان شبیه خوانان حرکت می کند و نوبت خواندن هر کس را به او یاد آوری می کند. در قدیم تعزیه گردانان معمولاً با پای برهنه راه می رفتند و این به معنای احترام به قداست میدان تعزیه تلقی می شد اما امروزه چنین کاری نمی کنند.

در مراسم تعزیه مردان و زنان تماشاچی جدا از هم می نشینند و در طول جریان تعزیه همه باید سکوت را کاملاً رعایت نمایند. اگر از کسی صدا یا حرکتی نامناسب سر بزند فوراً توسط بانیان کار مورد مواخذه قرار می گیرد. در قدیم در این منطقه تعزیه بیش از روضه می پسندیدند و علت آن نیز جنبه عملی و نمایشی آن بود که برای همه خصوصاً افراد بی سواد و کودکان جالب و سرگرم کننده بود به خصوص در آن دوران که بعضی از شبیه خوانان سوار بر اسب و شتر نقش خود را انجام می دادند.

نسخه حضرت علی اکبر:

اللَّهُمَّ كُنْ أَنْتَ الشَّهِيدَ عَلَيْهِمْ فَقَدْ بَرَزَ إِلَيْهِمْ ابْنُ رَسُولِكَ وَأَشْبَهُ النَّاسِ وَجْهًا وَوَسَمْتًا بِهِ

خدایا گواه باش که به مبارزه آن هارفت فرزند پیغمبر تو و شبیه ترین مردم به او در روی و نحو

نسخه حضرت علی اکبر در مجلس تعزیه شب هجوم، در این مجلس علی اکبر به عمویش حضرت عباس (ع) می گوید که می خواهم به خواهرم فاطمه بیمار که در مدینه چشم انتظار من است نامه ای بنویسم :

ایا عباس ای عموی زارم دگر ای قاسم صاحب وقارم

نشینیم هر سه در کنج خلوت	که دارم شوری از روی محبت
بگو عموی من از مهربانی	در این معنی صلاح من چه دانی
دانم ای عمو و عموزادهام در کربلا	جان نخواهم برد از جور گروه اشقیاء
رفتن ملک وطن هم باز می دانم گذشت	بارفیکان بودم دمساز می دانم گذشت
مصلحت آن است بنویسم به صغرا خواهرم	کاغذی از خون دل سازم تسلا خپرتم
ز آن که در انتظار رفتنم از کربلا	این میسر کی شود ای قاسم صاحب وفا
از خیمه رویم و دور و عمو	با خاطر ناصبور عمو
آمنه برو به دیده ی تر	یک قطعه ی کاغذی بیاور
همراه و بیار دگر قلمدان	تا خط بنویسم از دل و جان

۳-۴- مجالس تعزیه خوانی و مراسم های مذهبی در این منطقه :

۳-۴-۱- مجلس اول : روانه شدن مسلم به کوفه:

یکی از مجالس تعزیه در این منطقه به موضوع روانه شدن مسلم بن عقیل به کوفه اختصاص دارد، در ابتدای آن، امام حسین (ع) و حضرت زینب (س) و أم کلثوم (س) با ذکر جمالتی، گذشته و مصیبت های آن رابه یاد آورده و نوحه خوانی می کنند، بخش های قابل توجه در این مجلس عبارتند از: خواب دیدن حضرت زینب (س)، قاصد کوفیان برای حسین (ع) و کیفیت حرکت مسلم به سوی کوفه.

۳-۴-۲- مجلس دوم: «ورود مسلم به کوفه» :

مجلس دوم تعزیه به ورود مسلم بن عقیل «ره» به کوفه اختصاص یافته است، این مجلس از بخش های مختلفی تشکیل شده است که عبارتند از: هانی در انتظار قاصد، رسیدن مسلم به کوفه، نامه ی امام حسین (ع) به کوفیان، بیعت کوفیان با مسلم، پناه بردن مسلم به خانه مختار، ورود ابن زیاد

به کوفه ،خطبه عبیداله بن زیاد در کوفه ،پناهنده شدن مسلم در خانه ی هانی ،حضور هانی در داراماره ابن زیاد وپیشنهاد مختار برای تسخیر کوفه.

۳-۴-۳- مجلس سوم :شهادت مسلم بن عقیل

از مجالسی که در دهه ی محرم اجرا می شود شهادت مسلم بن عقیل (ره) است. این مجلس شامل بخش های متفاوتی است از جمله: تنهایی مسلم در کوفه ،مسلم بردرخانه طوعه ، مسلم در خانه طوعه آگاهی ابن زیاد از مخفی گاه مسلم ،سنگ باران کردن مسلم ، خواهش مسلم از شریح ،کمک خواستن ابن اشعث از عبیداله برای دستگیری مسلم ،دستگیری مسلم وشهادت مسلم وهانی بن عروه .

۳-۴-۴- مجلس چهارم :گلشن

مجلس گلشن حاکی از به باغ رفتن حضرت علی اکبر است. قبل از حرکت به سوی کربلا ، علی اکبر (ع)به نزد امام حسین (ع) رفته وتقاضای دیدار از باغ وگلشن می کند. این مجلس بخش های زیادی را در بر نمی گیرد بلکه امام واهل بیت او در مقدمه ای طولانی از روزگار شکوه وشکایت نموده وسپس خواب حضرت سکینه وتعیر آن توسط امام (ع) مطرح می شود. به باغ رفتن علی اکبر در این مجلس موضوع اصلی را تشکیل می دهد.

۳-۴-۵- مجلس پنجم : نقل مکان

یکی از مجالسی که در دهه محرم با نام های متفاوت اجرا می شود همین مجلس است که با نام های نقل مکان ، مجلس ولید و عزل مروان خوانده می شود.این مجلس دارای بخش هایبیدین شرح است : نامه یزید به ولید ،اقدامات ولید بعداز نامه یزید به امام حسین (ع) ،سرپیچی امام از بیعت ،عروسی سوری علی اکبر در مدینه ،نگرانی عبدالله بن جعفر وشنیدن صدای هاتف توسط امام.

۳-۴-۶- مجلس ششم : رخصت

در این مجلس حضرت زینب (س) از شوهرش عبدالله ابن جعفر ،جهت همراه شدن با کاروان امام اجازه می گیرد این عمل بنا به درخواست امام در زمان حرکت کاروان انجام می گیرد

از موضوعات دیگر این مجلس می توان به ذکر خواب دیدن حضرت زینب (س) و رسیدن نامه کوفیان به امام اشاره نمود.

۳-۴-۷- مجلس هفتم: بار کردن امام (ع)

در این مجلس امام برای حرکت از مدینه به کربلا آماده می شود و برادران، خواهران، دختران، پسرعموهایش،... را همراه می برد، بخش های مختلف این مجلس عبارتند از: نحوه حرکت از مدینه، مصلحت اندیشی محمد حنفیه، وداع با تربت پاک مادر و برادر، تعیین وظیفه از طرف امام برای همراهان امام حسین بر بالین فاطمه صغرا (س)، دعوت امام از قبایل مدینه، خداحافظی اهل بیت امام با دوستان و وداع فاطمه صغرا (س) با کاروان کربلا.

۳-۴-۸- مجلس هشتم: منزل شقوق .

شقوق نام بار انداز یا کاروان سرایی در مسیر کربلا بوده است آن چه که در این مجلس مورد توجه است عبارتند از: نحوه تسلی دادن اهل بیت توسط امام، گفتگو میان امام و خواهرش زینب، با خبر شدن از شهادت مسلم بن عقیل .

۳-۴-۹- مجلس نهم: نمایان شدن حر

حر بن ریاحی بر سر راه امام ظاهر می شود و راه را بر امام می بندد این مجلس شامل بخش های ذیل می باشد: دیدار مردی از بنی عکرمه با امام، نمایان شدن لشکر دشمن، سرمسلم بن عقیل بر نیزه ی سپاه حر و راه بستن حر در برابر امام حسین.

۳-۴-۱۰- مجلس دهم: راه گم کردن امام

امام هنگام رسیدن به صحرای کربلا راه گم می کند. این مجلس به زمین خریدن امام از عبدالله نیز شهرت دارد. آن چه که در این مجلس اجرا می شود: راه گم کردن امام، همراهی فرشتگان با امام، ملاقات امام با پدرش حضرت علی (ع)، گفتگوی جبرئیل و امام، بارانداختن کاروان در کربلا، خریدن زمین از عبدالله، رسیدن لشکر یحیی بن عاص به کربلا.

۳-۴-۱۱ - مجلس یازدهم : شهادت حر

یکی از مجالسی که در دهه محرم در این منطقه اجرا می شود شهادت حراست. در مجلس علاوه بر حر، برادرش، پسرش و غلامش به شهادت می رسند. بخش های که در این مجلس مورد توجه است عبارتند از: فشار تشنگی بر اهل بیت امام حسین (ع)، معجزه امام در سیراب کردن حر، توبه حر و شهادت حر و همراهانش.

۳-۴-۱۲ - مجلس دوازدهم : ورود ابن سعد به کربلا

آن چه که در این مجلس اجرا می شود عبارتند از: شدت یافتن تشنگی بر اهل بیت امام، ورود ابن سعد به کربلا و دیدار او با امام.

۳-۴-۱۳ - مجلس سیزدهم : شهادت وهب کلبی

مجلس شهادت وهب دارای مقدمه طولانی است و یک بخش دارد آن هم شهادت وهب کلبی است.

۳-۴-۱۴ - مجلس چهاردهم : آب آوردن علی اکبر

در این مجلس علاوه بر آب آوردن توسط حضرت علی اکبر به شهادت هاشم بن عتبّه و فضل بن علی پرداخته شده است.

۳-۴-۱۵ - مجلس پانزدهم : ورود شمر به کربلا

بخش های مجلس ورود شمر عبارتند از: شمر در آستانه ورود به کربلا، حکم و نامه عیدالله زیاد، نزاع ابن سعد و شمر، هراس اهل بیت (ع) از ورود شمر به کربلا، دیدار شمر با حضرت عباس (ع) و برادرش جعفر و شهادت زهیر بن قیس.

۳-۴-۱۶ - مجلس شانزدهم : شهادت محمد بن علی و عبدالله مسلم .

این مجلس بخش های زیادی شامل نمی شود و بعد از بیان مقدمه توسط امام و سخن از بی وفایی دنیا و نادیده انگاشتن وعادت نکردن به آن و شهادت محمد بن علی و عبدالله بن مسلم به پایان می رسد.

۳-۴-۱۷- مجلس هفدهم : شهادت عبدالله بن حسن وجعفر بن علی (ع)

در این مجلس عبدالله بن حسن وجعفر بن علی به شهادت می رسند ، این مجلس نسبتاً طولانی است.

۳-۴-۱۸- مجلس هجدهم : هجوم (پاس خیمه ها)

یکی از مجالس تعزیه در این منطقه به موضوع هجوم یا پاسخیمه ها یانگهبانی حضرت عباس اختصاص دارد. این مجلس بسیار معروف و مشهور است و تماشاگران زیادی بخصوص نوجوانان و جوانان دارد بخش های مهم این مجلس عبارتند از : نامه حضرت علی اکبر به فاطمه صغری (س) پاسبانی حضرت عباس از خیمه ها ، چانه زنی شمر و ابن سعد برای شبیخون زدن ، دستور شمر برای حمله ، تهدید حضرت عباس در برابر شمر و دیدار او با پدرش امیرمومنان (ع).

۳-۴-۱۹- مجلس نوزدهم : شهادت عون بن علی (ع)

در مقدمه امام حسین (ع) وزینب (س) از میهمان نوازی کربلا و تشنگی همراهان فرموده اند و حضرت علی اکبر (ع) عمه را دلداری داده است. ابن سعد مبارز می طلبد و از امام می خواهد که به میدان نبرد بیاید یا این که یکی از بستگان رابه جولانگاه بفرستد ، عون با صدایی بلند جواب می دهد که ای ابن سعد لحظه ای صبر کن هم آورد تو می آید . این مجلس با شهادت عون به پایان می رسد.

۳-۴-۲۰- مجلس بیستم : چاه کندن حضرت عباس (ع)

امام برادرش عباس را فرمود : که فکری برای تشنگی اطفال داشته باشد لذا فرمود، که از خیمه ده گام رو به قبله بردارد و در آن جا چاهی حفر نماید تا چشمه ی آب از آن آشکار گردد که سر انجام با تلاش فراوان عباس و همیاری قاسم و علی اکبر آب چاه ظاهر می شود و هر کدام از اهل بیت (ع) از آن آب می نوشند .

۳-۴-۲۱- مجلس بیست و یکم : شهادت دو طفلان زینب

حضرت زینب (س) بعد از این که می بیند یاران امام یکی پس از دیگری به شهادت می رسند فرزندان خود را کفن پوش می کند و روانه میدان می کند امام از او می پرسد که آیا پدر آن

ها یعنی عبد الله جعفر رضایت دارد حضرت زینب جواب داد پدر شان وصیت نموده که فرزندانم را در رکاب حسین ابن علی به جنگ بفرست تا به شهادت برسند.

۳-۴-۲۲ - مجلس بیست و دوم : شب عاشورا احنا بندان قاسم (ع) و وداع امام حسین (ع)

این مجلس یکی از پربیننده ترین مجالس تعزیه خوانی در این منطقه است که با جذابیت خاصی اجرایی شود. در این مجلس حجله ای رنگارنگ و آیینی کاری شده تدارک دیده و آن را در میدان اجرای تعزیه قرار می دهند. نیز سینی تزئین شده همراه باحنای آماده از ویژگی های این مجلس است. مردم از آن حنا برای تبرک استفاده می کنند. تنظیم این مجلس تحت تاثیر از عروسی های این منطقه است.

بخش هایی که در این مجلس مورد توجه است، عبارتند از: آگاهی دادن از جنگ قطعی در روز عاشورا توسط امام حسین (ع)، بی وفایان، نامه ی گلایه آمیز امام به بزرگان کوفه و عروسی قاسم بن حسن (ع) در صحرای کربلا.

۳-۴-۲۳ - مجلس بیست و سوم: روز عاشورا

طولانی ترین مجلس تعزیه در این منطقه همین مجلس است که از بعد از ظهر روز عاشورا آغاز شده و تا هنگام غروب ادامه پیدامی کند. با اجرای این مجلس، مخاطبین بسیار زیاد شده و جمعیت انبوهی برای دیدن و شنیدن در میدان گاه های اجرای تعزیه حاضر می شوند. در این مجلس شخصیت هایی زیر به شهادت می رسند:

علی اکبر (ع)، قاسم (ع)، عباس (ع)، امام حسین (ع) و فرزند صغیرش عبدالله (علی اصغر).

هم چنین در این مجلس است که پادشاه چین و دخترش که عاشق علی اکبر شده است، در کربلا حاضر می شوند. دختر پس از مشاهده بدن غرق در خون علی اکبر (ع) بر سر جنازه ی او جان می سپارد: نیز گروه جنی به فرماندهی جعفر برای یاری امام (ع) می آیند، درویش کابلی در هنگام محاصره ی امام حسین (ع) و در زمانی که به شهادت ایشان نزدیک است، در حالی که مشکی پر از آب بر دوش دارد خود را به امام حسین (ع) رسانده و از ایشان می خواهد که آب بنوشد در

این مجلس، مردی عرب از جانب فاطمه صغری در رزمگاه حاضر شده و چهار دسته گل از مدینه به کربلا سوغات آورده است.

۳-۴-۲۴ ماه مبارک رمضان:

پس از رویت ماه که با علاقه زیاد پی گیری می شود. ماه مبارک رمضان آغاز می شود به جرات می توانم بنویسم که در این منطقه در ماه رمضان شب روز می شود و روز شب، منظور من فعالیت ها و شب بیداری هاست. بدین معنی که شب ها چه زمستان و چه تابستان اکثر مردم تا سحر بیدارند. پس از صرف سحری و ادای نماز صبح می خوابند، در تمام مساجد و برخی از منازل قرآن خوانی تا سحر برقرار است قاریان قرائت می نمایند و مردم هم گوش می دهند. البته مراسم قرآن خوانی از همان شب اول رمضان بعد از ادای نماز جماعت مغرب و عشا شروع می شود و تا پایان ماه رمضان قرآن ختم می شود. مردم در منزل ها و مساجد دسته دسته شرکت می نمایند و شربت و شیرینی میل می کنند. در ماه رمضان مسافرت های غیر ضروری انجام نمی شود هرگونه مراسمی غیر از مراسم مذهبی به بعد از ماه رمضان موکول می شود. عملیات ساختمانی و بنایی تعطیل می گردد. بعضی ها در این ماه حلیم یا شیرینی پخت می کنند و برای همسایگان می برند، سحرگاهان چنانچه خانواده ای تصادفاً خواب باشند همسایه دیوار به دیوار موظف است بیدارشان کند.

۳-۴-۲۵ - مراسم فاتحه خوانی :

از بیست و یکم ماه مبارک رمضان تا روز عید فطر مردم این منطقه مراسم فاتحه برای مردگان خود برگزار می کنند به این صورت که کتباً یا به صورت شفاهی از عده ای دعوت می شود که حضور به هم رسانند سی پاره کلام الله مجید به مجلس می آورند و آن ها که سواد خواندن قرآن دارند مشغول قرائت می شوند و بقیه گوش می دهند پس از این که قرائت قرآن پایان یافت یک سینی محتوای حلوا، عود و گلاب می آورند و ملای محل دعای ختم بخش می خواند. پس از این دعا، شیرینی بین حاضران توزیع می شود بدین ترتیب که ظرف های حلوا را جلو هر یک از حضار می گیرند و هر کس میل داشت از آن برمی دارد و بلافاصله پس از آن افطاری یا سحری صرف می نمایند.

۳-۵- نوروز و اعیاد و دیگر مراسمات:

۳-۵-۱- چگونگی پیدایش نوروز:

نوروز از مراسم بسیار کهن ایرانیان آریایی است و آن واژه ای برخاسته از تاریخ ایران زمین است که به پاس نوشدن طبیعت و روئیدن سبزه و گل شروع می شود و در این ایام کتاب هستی اوراق خود را در مقابل دیدگان اهل خرد در نظرمی گشاید و گردش ایام و گذر بودن عمر را به انسان متذکر می شود.

نوروز عزیزترین روز سال نزد ایرانیان است به طوری که: (اجرای مراسم جشن نوروز و گسترده شدن نوروزی در طول تاریخ، بی نهایت با شکوه و جلال برگزار می شده است و در برخی از برهه های تاریخ با وجود مخالفت هایی که می شد نتوانستند این رسم و دیگر مراسم را که موجب وحدت و هویت ملی ایرانیان است از میان بردارند.

بیگدلی، ۱۳۸۳: ۱۳

درباره پیدایش نوروز اعتقادات زیادی وجود دارد از جمله اینکه جم در این روز تاج مرصعی بر سر نهاد و چون آفتاب بدان تابید و شعاع آن پراکنده شد مردم شاد شدند و گفتند امروز نو است و چون در زبان پهلوی شعاع را "شید" می نامند پس نام جم را جمشید گذاشته و از آن روز به بعد این مراسم به نوروز جمشیدی معروف شده است، که البته در فارس نامه ی این بلخی، نسبت دادن نوروز به جمشید با ابهامات و تردیدهایی رو به رو شده است. در تاریخ آمده است روزی که حضرت محمد(ع) خلافت را به حضرت علی(ع) سپرد نوروز است، البته برای حفظ جشن نوروز از چشم زخم متحجران تمام مردم ایران را با جشن به خلافت رسیدن حضرت علی(ع) مصادف دانسته اند:

جمشید جم از دست فلک جام گرفت

از فضل زمانه آرام گرفت

نوروز رسید گل به چمن رام گرفت

روزی که علی نشست بر جای نبی

۳-۵-۲- آداب نوروز در منطقه قلعه قاضی :

وقت آن است که ره صحرا گیریم کز دم باد سحر بوی بهار آمد وعید

(شهریار)

در عید نوروز مردم این منطقه پیشانی و شاخ گاو و گوسفندان و هم چنین در منازل و تنه درختان ربا گل سرخ رنگین می سازند و در این راستا برای باورند که زمین روی شاخ گاو و ماهی قرار دارد و نوروزی روزی است که گاو و ماهی برای رفع خستگی زمین را از این شاخ به آن شاخ منتقل می سازد و اگر در نوروز زلزله ای رخ می داد آن را در اثر جابجاشدن زمین از یک شاخ گاو به شاخ دیگر آن می دانستند نوروز اگر پر باران باشد، فرح پخش و نشاط انگیز است و سبزه و گیاهان زینت بخش فضای دشت و دمن خواهد بود .

در دوران گذشته در شب و روز فروردین وسایل منزل از جمله : کوزه های سر شکسته ، حصیر و بوریا را که کهنه شده بودند دور می ریختند و سپس به انتظار رویت رنگین کمان می ماندند و بر این باور بودند که هر گاه در آسمان رنگین کمان ظاهر شود سال تحویل داده است و آنگاه به پیشانی حیوانات گلگ (نوعی گل سرخ) می زنند و پیرمردان و پیرزنان نیز سر خود را حنا می زدند و زنان جوان نیز دست و پای خود را با حنا نقش و نگار می انداختند و سپس لباس نو می پوشیدند ، زنان نقاب (بُرکه) نو به صورت می بستند و مردان نیز لُنگ (نوعی شلوار مردانه) می پوشیدند و همگی در چشمان خود سرمه می کشیدند و به همدیگر مژدگانی می دادند .

در گذشته به هنگام تحویل سال ، تمام اقوام و فامیل در خانه بزرگ قبیله و یا پدر و مادر جمع می شدند و شب نشینی راه می انداختند و کهن سالان مجلس نیز چیچکا (قصه) تعریف می نمودند و از خاطرات خوش خود و هم چنین از گذر ایام سخن می گفتند .

به هنگام تحویل سال نیز گل های نوروزی که در فصل نوروز به صورت خود رو می رویند می چیدند و در خانه نگهداری می کردند و برگ درخت انبه و زیتون را بر در خانه هایشان می زدند تا کهنگی آن ها از بین برود ؛ از دیگر اعمال نوروز در این منطقه رنگ کردن تخم مرغ با گلک بود که این کار توسط خانم ها انجام می گرفت و آنان در هنگام سال تحویل به کودکان خود هدیه می دادند.

۳-۵-۳ - سبزه نوروزی :

مهمترین مظهر محیطی نوروز، سبزه نوروزی است که پیام آور نو شدگی و باز زایی طبیعت است، سبزه به هنگام فرا رسیدن نوروز باید پیش چشم باشد مردم این نقطه دو سه هفته پیش از نوروز گندم، جو، ارزن، ذرت، لوبیا، نخود و ماش می کارند.

۳-۵-۴ - پوشاک نوروزی

بیشتر مردم به پوشاک نوروزی اهمیت می دهند، گویی تا پوشاک آنها آماده نشود، نوروز نمی رسد از این رو بازار پارچه فروشان و لباس فروشان سخت داغ است چرا که به هنگام نوروز همه می خواهند لباس های نو بر تن کنند و سال نو را با شادی و رخت نو آغاز نمایند، آن دسته از مردمان را که نیز توانایی خریدن لباس ندارند با خود این شعر را زمزمه می کنند:

عید ما نوروز ما کهنه قبا هر روز ما

که از شعر فوق اهمیت دادن به لباس و پوشاک نوروزی به خوبی دریافت می شود.

۳-۵-۵ - نهادن بوی خشک بر آتش:

قبل از فرا رسیدن سال نو منازل سرشار از بوی اسفند، گشته و عود می شد که در گذشته برای معطر کردن اتاق و لباس ها به کار می بردند.

۳-۵-۶ - خانه تکانی:

این کار تقریباً از اوایل اسفند ماه، شروع می شود و مردم اقدام به زدودن آلودگی از فضای خانه و کاشانه ی خود می نمایند و فرش ها، حصیر ها را در جوی آب میافکنند و می شویند و اثاثیه کهنه را دور می افکنند و لوازم نو به جایشان می خریدند، و وسایلی که به مدت یک سال جابه جا نشده را تمیز می نمایند، قالی ها، فرشینه ها و قالیچه ها را می تکانند و گرد و خاک و آلودگی ها را می گیرند و به غبار رو بی و گردگیری از درو دیوارخانه و اسباب آن می پردازند.

۳-۵-۷ - غذای نوروزی:

اغلب غذاهای مورد استفاده در نوروز البته در گذشته پیاز و سوراغ و هم چنین نان گندم و یا جو بوده است، همین طور شیر و دوغ گاو و چنگال "نوعی شیرینی با خرما و نان" نیز کاربرد داشت

و مردم بر این باور بودند که در سال نو باید از غذای تازه استفاده کرد، در این راستا اگر گندمی از قدیم در منزل داشتند آن را مورد استفاده قرار نمی دادند و سعی می کردند گندم نو تهیه نمایند و با آسیاب آرد کرده و مورد استفاده قرار می دادند.

۳-۵-۸- اعتقادات نوروزی:

در روز یا شب نوروز با شکم خالی نباید خوابید چرکه ما در نوروز شکمت راوارسی می کند و اگر دید که سیر هستی، تمام سال سیرمی شوی و روزی ات افزون می گردد، ولی اگر با شکم خالی و گرسنه باشی، رزق و روزی ات در آن سال کم میشود، به طوری که در آن سال در بیشتر ایام گرسنه خواهی شد.

هرگاه مردم در نوروز رنگین کمان مشاهده می کردند براین باور بودن که سال تحویل داده است و مردم این منطقه بر این باورند که نوروز مادر دارد به همین خاطر در روزعید نوروز خوشه های تازه گندم و پیاز را بر سر در خانه می گذاشتند و معتقد بودند که سهمیه ی مادر نوروز می باشد در شب های نوروز تاب میخوردند و بر این باور بودند که تاب خوردن در این ایام موجب ریزش گناهان می شود، اگر کسی چند روز قبل از نوروز به سرای باقی می پیوست و در آرامستان ابدی آرام می گرفت به هنگام رسیدن نوروز، برایش عزا نمی گرفتند و بر این باور بودند که یک سال از آن ماجرا گذشته است.

۳-۵-۹- هوای دام زا:

اعتقاد بر این است که هوای دام زا، ده روز قبل از نوروز یاده روز بعد از آن حادث می شود، در این ایام هوا ابری و گرفته است ولی باران کمتر می بارد. این روزها زمان زایش حیوانات کوهی نظیر آهو و قوچ است. بره های این حیوانات از آب و رطوبت اندک باران استفاده می کنند. بدین علت است که به این نوع هوا، هوای دام زا می گویند.

نوروز و بازی های آن:

۳-۵-۱۰- تاب نوروژی:

در بین دختران و پسران جوان تاب بازی در فصل بهار و در ایام نوروز برگزار می شود این بازی بین پسران و دختران مشترک می باشد، شروع بازی به این گونه است که بازیکنان طناب محکمی که به اصطلاح محلی به آن پروند (Parvend) می گویند. جاپایی بر آن میگذاشتند، بر روی آن مینشستند و در حالی که همدیگر را هل میدادند تاببازی میکردند، پسران برای اظهار وجود و اثبات قدرت پا و بازوان خود، به صورت ایستاده سوار بر تاب می شدند و با تلاش فراوان و فعالیت زیاد، طناب را به حرکت در می آوردند و بعد اوج می گرفتند که این نوع تاب خوردن برای آنان بسیار دلچسب بوده است.

۳-۵-۱۱- کشتی:

از دیگر بازی هایی که در ایام نوروز برگزار می شود. بازی کشتی می باشد که داوران آن پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها هستند بازی بدین گونه شروع می شود که مادر بزرگ ها و پدر بزرگ ها ، نوه ها و یا دیگر کودکان را دعوت به کشتی گرفتن میکنند و کودکی که برنده شود عیدی دریافت می نماید.

اجرای این بازی این گونه است که دو نفر لنگی (شلوار مردانه شبیه به دستمال) به کمر بسته و با هم کشتی می گیرند. این بازی از نوع کشتی های سنتی بسیاری از شهر های ایران است که طبق هیچ قاعده و قانونی نیست و هر کسی که بتواند به هر ترتیب که شده پشت حریف خود را به خاک برساند ، برنده بازی است. برای این منظور هر یک از طرفین به هر حيله ای دست می زنند تا پشت طرف دیگر را بر زمین زنند.

۳-۵-۱۲- نوروز خوانی:

ترانه های نوروزی و نو بهاری ، افزون بر بازگویی و توصیف عواطف و احساسات مردم در بازنگری نوبهار و نوروز، عموماً به اشاعه فکر عامه می پردازد. هنوز هم در بسیاری از روستا و شهر های ایران. نوروز خوانی ها ، این پیک های نوروزی چند روز پیش از نوروز ، به در خانه های مردم میروند و رسیدن نوروز و نو بهار را تهنیت می گویند در این منطقه نیز کودکان به هنگام فرا رسیدن نوروز سرود نوروزی می خوانند تا به دستاویز آن از بزرگترها عیدی بگیرند:

نوروز نو باز آمده
بلبل به آواز مده
فرزند به صدناز آمده
بابا بده نوروزیم
مادر مکن دلسوزیم
نوروزیم ده شاهی است
کمتر کنی یک شاهی است
گرندهی رسوایی است
بابا بده نوروزیم
مادر بکن دلسوزیم
ای بی بی نیکو سرشت
جای تو باشد در بهشت
طفلان دهندم سرزینشت
بی بی بده نوروزیم
مادر بکن دلسوزیم
ای خاله ام ای با وفا
باشد خدا از تو رضا
جای تو باشد کربلا
خاله بده نوروزیم
مادر مکن دلسوزیم
عمو به حق لا اله
حق باشدت پشت وپناه
باشد خدا از تو رضا
عمو بده نوروزیم
مادر بکن دلسوزیم
خالو(دایی) توهستی خال من

هستی تو پروبال من
فکر بکن بر حال من
خالو (دایی) بده نوروزیم
مادر بکن دلسوزیم

۳-۵-۱۳- تحویل سال نو

قبل از تحویل سال، مردم سرتا پای خود را پاک می شویند و جامه نو می پوشند، به هنگام تحویل سال، در خانه اسپند دود می کنند و پس از خواندن دعای نوروز و تبریک گفتن سال نو به خانه ی بزرگان فامیل می روند و در این دیدو بازدیدها کودکان از بزرگ ترها عیدی دریافت می کنند و هم چنین با در دست داشتن شیرینی و آب و گلاب بر مزار عزیزان از دست رفته ی خود حاضر می شوند و برای آنان فاتحه می خوانند و سال را با خوشی و شادی شروع می نمایند، اما بعد از نوروز ممکن است که هوا با سرعت رو به گرمی برود و سبزه ها خشک شود. با این وجود اعتقاد عمومی بر این است که پس از نوروز تغییرات غیر منتظره ای ممکن است در هوا ایجاد شود، به همین جهت گفته اند.

پس از نوروز سلطانی پدید آید زمستانی
یا باد است یا باران یا شرطه ایرانی

(سایبانی، ۱۳۸۲: ۱۲۳)

۳-۵-۱۴- سیزده بدر:

سیزده روز پایان دوره ی جشن های نوروز است. در این روز مردم بنا بر یک سنت فرهنگی از خانه ها بیرون می آیند و به دشت و صحرا و باغ می روند تا آخرین روز عید را در طبیعت و در کنار سبزه و گیاه و آب روان چشمه ها و جویبارها به شادی و خوشی بگذرانند. ایرانیان باستان بر این باور بودند که سیزدهم نوروز، آغاز رهایی از جهان مادی، روز طلب باران بهاری برای کشتزارهای نو دمیده، روز ایزد تیروتیستر و روز نابودی و روز گره زدن سبزه ها برای باز شدن بخت دوشیزه گان است مردم این دیار نیز روز سیزده به دامن طبیعت پناه می برند و عظمت خداوند را در آئینه طبیعت می بینند و در کمال شادی و سرور سیزده را در دشت و صحرا و باغ های اطراف روستاها و هم چنین

رفتن به مکان های مقدس و دیدن از ساحل زیبای بندرهای نزدیک شهر بندرعباس و میناب سپری می نمایند.

نوروز و رسم های وابسته به آن از جلوه های بارز فرهنگ و تمدن هاست، رسم های متعلق به نوروز هر چند کوچک مانند: خانه تکانی، کاشتن سبزه، سبزه بدر..... باشد، همه و همه نشان از نظم و برنامه ریزی ایرانیان در آیین دیر پای نوروز است و نشان از غنای فکر مردمی دارد که به هنگام رسیدن نوروز و دیدن سبزه نو شدن طبیعت برای پاس داشت و شادمانی آن، این رسم ها را اجرا کرده اند، در این راستا مردم این منطقه علاوه بر اجرای مراسم هایی که ذکر آن رفت، شاخ گاو و گوسفندان را نیز رنگ می کردند و همین طور به سردر منزل خود به نشانه تحویل سال نو، شاخه های گل می آویختند و به اجرای بازی های سنتی و شادی می پرداختند و عید باستانی نوروز را این گونه به جشن می نشستند.

۳-۵-۱۵ - عید سعید غدیر خم:

مردم این منطقه به لحاظ ارادت خالصانه ای که به خاندان نبوتدارند همواره در تلاشند تا بیشتر آئین های جشن و عروسی های فرزندان را در فاصله دو عید بزرگ یعنی قربان و غدیر برگزار کنند بنا به اعتقادات و رسم دیرینه، مردم در روز عید غدیر که از آن به عید ولایت و عید سیدها یاد می کنند به در خانه سیدها رفته و عیدی و هدیه می گیرند.

حضور در بقاع متبرکه، امام زاده ها و زیارت اهل قبور به همواره دادن و لیمه و نذری های متنوع و دید و بازدیدهای مختلف از جمله رسم و رسوماتی است که در این منطقه از گذشته تا کنون بجا مانده و هنوز هم ادامه دارد.

در ابتدای صبح غدیر در مساجد، تکایا یا در مراسمی که به نام امام علی (ع) برپا می کنند به شادی مولودی خوانی و آیین شادی می پردازند و این مراسم تا ظهر ادامه دارد و در این زمان که هر کسی نذر و یا ولیمه ای داشته باشد سفره گسترانیده و حاضرین اطعام می شوند.

و امروزی ها علاوه بر اینکه سنت گرفتن هدیه از سیدها را هم چنان از قدیم تا کنون ادامه داده اند، نیز صبح اول وقت پیاده به سمت امامزاده شاه معزالدین که از نوادگان امام موسی کاظم (ع) در حوالی روستای چاه خرگ است می روند بطور کلی در روز عید غدیر مردم با پوشیدن لباس های خوش

رنگ معطر، پخش شیرینی و شربت و دادن ولیمه و همچنین دید و بازدید از همسایگان و اقوام این واقعه و مناسبت مهم در تاریخ صدر اسلام را به نحو مطلوبی و به یاد نخستین امام پیشگان علی(ع) گرامی می دارند.

۳-۵-۱۶ - عید قربان:

تاریخ عید قربان در حقیقت به قبل از تاریخ اسلام باز می گردد؛ این روز در حقیقت همان روزی است که حضرت ابراهیم (ع) به اذن الهی از ذبح فرزندش اسماعیل در راه پروردگار معاف شد و به جای آن قوچی را در راه خدا قربانی کرد از آن روز تاکنون در روز معینی از سال که مصادف با ۱۰ ذیحجه ماه قمری است؛ جشنی موسوم به عید قربان برپا می شود.

عید قربان که در این منطقه به آن عید اضحی نیز می گویند هم چون سایر اعیاد بزرگ اسلامی از جمله عید نوروز؛ فطرو غدیر مردم گرامی داشته می شود و مردم آن قبل از فرا رسیدن عید غسل کرده و با لباس نو و رعایت نظافت و استحمام بوی خوش قبل یا بعد از ادای نماز بر سر مزار عزیزان و بستگان خود رفته و به خواندن قرآن و فاتحه می پردازند. در روز عید قربان که به عید حاجیان معروف است. معمولاً بیشتر مردم تا قبل از نماز چیزی نمی خورند و بعد از نماز با گوشت قربانی که حاجیان برای آنها می فرستند؛ افطاری کنند. نماز عید قربان نیز مانند عید فطر دو رکعت و به همان ترتیب در مسجد خوانده می شود و قبل از نماز برای اینکه مردم در محل برگزاری نماز عید جمع شوند شخص تکبیر گو چندین بار تکبیر با صدای بلند که الفاظی از جمله (الله اکبر؛ الله اکبر؛ لا اله الا الله؛ الله اکبر و الله الحمد) بیان می شود. مردم را به نماز عید دعوت می کند. پس از نماز مردم به خوردن و صبحانه که معمولاً بلالوت (رشته فرنگی که با روغن شکر پخته می شود) و حلوائی خانگی بوده، می پردازند و بعد از آن بالباس های نو که بیشتر کودکان و نوجوانان به آن اهمیت می دهند، تا پاسی از شب به ملاقات و دیدار از اقوام و آشنایان می پردازند. اگر کدورتی از قبل بین افراد بوده در این روز با روبوسی و عید مبارکی کدورت را کنار می زنند و اگر در آن روز به هردلیلی موفق به دیدار هم نشدند طی روزهای بعد به خانه آنها رفته و یا با دیدن آنها در کوچه و بازار به تبریک عید می پردازند. و همچنین در روز عید قربان، حاجیانی که سال های قبل به حج مشرف شدند و حاجیانی که در حج حضور دارند، خانواده ها به خرید گوسفند می پردازند و در روز عید آن را قربانی کرده و بین همسایه ها و کسانی که نیازمند و فقیر هستند تقسیم می کنند.

یکی دیگر از رسم و رسوم های مردم در این منطقه این است که اول ماه ذیحجه از مردم پول می گیرند گاوی خریداری می کنند و در روز عید قربان مردم با لباس های نو در مسجد محل جمع می شوند و از زیرقرآن گذر می کنند و بعد از آن حلیم نذری که با پول جمع آوری شده، درست کرده اند بین مردم محل تقسیم می کنند از دیگر رسم های مرسوم این است که از اول ماه ذیحجه تا روز نهم عرفه مردم برای مردگان خود ختم قرآن و فاتحه می گیرند و یا صدقه ای برای آمرزش مردگان خود به فقرا و نیازمندان می پردازند.

۳-۵-۱۷ - قبله دعا :

وقتی که نزول باران برای مدتی به طول انجامد و کم آبی و خشک سالی حیات حیوان و نبات را را تهدید نماید مردم به فکر قبله دعا رفتن و نماز باران خواندن می افتند برای این کار با مشورت بزرگان محل یک روز جمعه را در نظر می گیرند.

در آن روز کودکان و مردان از نقطه معینی دسته جمعی به سوی مصلی در بیرون شهر روان می شوند. ملا دعا و اوراد و اذکار مخصوص می خواند و نماز باران آنطور که در کتب دینی و روایات مذهبی وارد شده به جا می آورند.

در قدیم کودکان نیز برای خود مراسمی داشتند که در عین حال نوعی بازی و سرگرمی به حساب می آمد بدین ترتیب که در هر محله عدهای از کودکان دور هم جمع می شوند، یک نفر را از میان خود به عنوان "میش" انتخاب می کردند. دستمالی به گردنش می بستند و دنبال دستمال را به دست می گرفتند و میش را آرام، آرام حرکت می داند و ضمن آن، سرود مخصوص باران توسط یک تو خوانده می شد و بقیه جواب می دادند.

۳-۵-۱۸ - استخاره :

مردم این منطقه به استخاره اعتقاد کامل دارند و هر گاه در انجام کاری دچار مشکل و تردید شوند و یا بخواهند خیر و صلاح خود را در امری بدانند به کتاب آسمانی خود مراجعه می کنند. استخاره در لغت به معنی طلب خیر کردن است و در باب آن از پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد صلی علیه و آله و سلم روایت شده که فرموده است : در موقع حرج و سختی و عسرت، توسل به استخاره نشانه سعادت است و حتی دو رکعت نماز نیز به عنوان نماز استخاره در بعضی

موارد متداول بوده است. و اما استخاره کردن در این منطقه آداب و تشریفاتی دارد نخست آن که استخاره کننده باید دارای وضو باشد چرا که دست زدن به قرآن بدون وضو طهارت و وضو جایز نیست. سپس دعای مخصوص استخاره خوانده می شود آنگاه قرآن از سمت بالا گشوده می شود و از معنی آیه ای که در بالای صفحه سمت راست قرار دارد پی به خوب یا بد بودن استخاره می برند. در بعضی از قرآن ها بالای صفحات کلمات: خوب - بدو متوسط چاپ شده و این برای کسانی که از درک معنی آیات عاجزند کار را آسان می سازند.

بعضی ها نیز بر حسب اعتقاد خود هفت سطر از صفحه ی سمت راست می شمارند و از معنی سطر هفتم ، حکم به خوب بودن و بد بودن استخاره می نمایند. لزومی ندارد که شخص نیت خود را به استخاره کننده بگوید. اگر جواب استخاره در بار اول "خوب" نبود، بار دیگر قرآن را می گشایند اگر باز هم خوب نبود یک بار دیگر " بار سوم" قرآن را باز می کنند و این بار نتیجه هر چه باشد همان است.

بیش از سه بار در یک زمان استخاره کردن برای یک موضوع جایز نیست اما می توان ساعت استخاره را تغییر داد. مثلاً برای یک موضوع پس از چند روز مجدداً استخاره کرد.

۳-۵-۱۹- استخاره با تسبیح :

در استخاره با تسبیح ، استخاره کننده مقداری از تسبیح را میان دو دست می گیرد آن گاه دو دانه دو دانه جدا می سازد اگر در آخر یک دانه باقی ماند استخاره خوب است و اگر دو دانه ماند ، بد. بعضی ها نیز بر حسب اعتقاد خود دانه های تسبیح را سه دانه سه دانه جدا می کنند.

در آخر اگر یک دانه ماند استخاره خوب است ، اگر دو دانه ماند میانه است و اگر سه دانه ماند بد به حساب می آید.

۳-۵-۲۰ فال حافظ:

از غم هجر مکن ناله و فریاد که دوشی زده ام خالی و فریاد رسی می آید

حکم «استخاره» فقط در مورد استخاره با قرآن و تسبیح به کار می رود و فی المثل فال حافظ را استخاره نمی گویند. و اما فال حافظ از میان انواع فال های رایج و معمول، معتبرتر است چرا که غزلیات عارفانه او غالباً الهام بخش است و اصولاً شهرت حافظ به «لسان الغیب»

ناشی از همین امر است. فال حافظ بیشتر، شب ها در محافل و مجالس دوستانه و خانوادگی گرفته می شود و این کار مخصوصاً برای مردم این منطقه یک نوع سرگرمی به شمار می رود. وقتی بخواهند از دیوان حافظ فال بگیرند، ابتدا صاحب فال باید نیت نماید. پس از آن خود شخص یا فال گیرنده دیگر، خواجه شیراز را به سر شاخ نبات قسم می دهد. و می گوید: یا حافظ شیرازی، تو طاب یاری ما طالب فالی، بر سر شاخ نبات قَسَمَت می دهیم که حاجت ما را برآوری. بعد از آن خواهش و تمنا و راز و نیاز با سرانگشتان دست راست، دیوان حافظ را از سمت بالامی گشاید. اولین غزلی که در سمت راست بالای صفحه قرار دارد فال محسوب می شود که آن را زبان حال فال گیرنده به حساب می آورند.

غزل بعدی پس فال یا شاهد می نامند و آنرا پا سخ فال می خوانند. اگر دفعه اول فالی خوب و مناسب حال و میل فال گیرنده نیاید دوباره فال می گیرند و تا سه بار ادامه می دهند و بیش از آن جایز نمی دانند و معتقدند که نباید سر به سر خواجه شیراز گذاشت زیرا ممکن است جوابی دندان شکن بدهد و شخص را از او ببرد.

۳-۵-۲۱- آوای بلبل «فال بلبل»:

آوای بلبل نیز نوعی فال محسوب می شود بدین ترتیب که اگر ناگهان بلبلی بر بام خانه یا شاخه درخت مجاور یا داخل منزل ظاهر شود و آواز سر دهد معمولاً آن را به فال نیک می گیرند و منتظر مسافری عزیز یا خبری خوش می شوند.

به محض این که صدای بلبل بلند شد می گویند «بلبل خبرت خوش» و به شکرانه خبر خوش مقداری گندم یا خرما می ریزند تا بلبل خوش خبر بخورد و باز هم خبرهای خوش بیاورد.

۳-۵-۲۲- سر کتاب باز کردن:

سر کتاب باز کردن اصطلاحی است که برای «دعانویسی» به کار می رود و در قدیم تنی چند در این فن مشهور بودند. آنها دارای کتابی بودند که در آن علت بروز و حدوث بعضی از بیماری ها

و ناراحتی‌ها و راه‌معالجه آنها ذکر شده بود و هنر دغانویس در این بود که برای هر بیماری و دردی راه‌علاج خاصی از کتاب خود بیابد و هم‌چون نسخه‌ای شفا بخش به دست بیماران بدهد. مثلاً اگر کسی تب شدید مبتلا می‌شد و با داروهای محلی بهبود نمی‌یافت کسان او به فکر افتادند که برای بیمار، سر کتاب باز کنند شاید از ما بهتران «اصطلاحی که درباره جن و پری و غیره به کار می‌رود» براو صدمه‌ای وارد ساخته و آزاری رسانده باشند. معروف‌ترین کتابی که در این مورد وجود داشت و مرجع بود کتاب مجمع الدعوات یا جامع الدعوات بود.

ملاوقتی شخص بیمار را می‌دید از تاریخ تولد روز، ماه و سال و نام بیمار و پدر و مادرش سوال می‌کرد آنگاه محاسبه می‌کرد و برای او دعا می‌نوشت مثلاً می‌گفت این دعا را هنگام خوابیدن زیر سرت بگذار این یکی را هنگامی که بیرون می‌روی همراه خودت ببر، این یکی تربت امام حسین (ع) است به بازویت ببند- این رسم را در دوره‌ی غزنویان قرن ششم در قصاید خاقانی دیده می‌شود.

صفت خاک شریف، که از این مقدس خاتم‌البینین محمد (ص) آورده بود:

صبح وارم که آفتابی در نهان آورده ام	آفتابم کز دم عیسی نشان آوردم
عیسیم از بیت معمور آمده و زخوان خلد	خورده قوت وزله اخوان رازخوان آورده ام
هین، صلا! ای خشک پی پیران تر دامن، که من	هر دو قرص گرم و سرد آسمان آورده ام
طفل زی مکتب برد نان، من زمکتب آمده	بهر پیران ز آفتاب ومه دو نان آورده ام
رفته ز این سر لاشه‌ای در زیروز آن سر، بین کنون	کابلق گیتی جنیبت در عنان آورده ام
از سفر می‌آیم و در راه صید افکنده ام	اینست صیدی چرب پهلوی، کار مغان آورده ام!
چشم بد دوراز من و راهم! که راه آورد عشق	رهروان را سرمه چشم روان آورده ام
بس که در بحر طلب چل صبح شست افکنده ام	تا در آن شست سبک صید گران آورده ام
خاک پای خاکبیزان بوده ام تا گج زر	کرده ام سود اربهین عمری زیان آورده ام
زردی زر شادیدلهاست، من دلشاد از آنک	سکه رخ را زر شادی رسان آورده ام
دیده ام سر چشمه خضر و کبوتر وار آب	خورده و پس جرعه ریزی در دهان آورده ام
چون کبوتر رفته بالا و آمده بر پای خویش	بسته زز تحفه و خط امان آورده ام
نقل خاص آورده ام ز آنجاو یاران بی خبر	این چه میوه است، از کداین بوستان آورده ام

تا خط بغداد ساغر، دوستکانی خورده ام
دوست خفته در شبستانی و دولت پاسپان
پاسبان گفتا: "چه داری نورهان؟" گفتم: شما
بس طربناکم، ندانید این طربناکی ز چیست؟
با شما گویم، نیارم گفت بایگانگان
کیست خاقانی که گویم خون بهای جان او
این همه می گویمت "آورده ام" باری بپرس
تو نپرسی، من بگویم نَز کسی دزدیده ام
یعنی امسال از سر بالین پاک مصطفی
خاک بالین رسول الله همه حرز شفاست
وقف بازوی من است این حرز، نفروشم به کس

دوستان را دجله ای در جرعه دان آورده ام
من به چشم و سر سجود پاسبان آورده ام
کان زر دارید، من جان نورهان آورده ام
کز سعود چرخ بخت کامران آورده ام
کاین نهان گنج از کدامین دودمان آورده ام
خون بهای جان صد خاقان و خان آورده ام
تا چه گنج است و چه گوهر و زچه کان آورده ام
کز در شاهنشهی گنج روان آورده ام
خاک مشک آلود بهر حرزجان آورده ام
حرز شافی بهر جان ناتوان آورده ام
گر چه ز اول نام دادن بر زبان آورده ام

مورد مشابهی که در این قسمت، از دوره غزنویان با آداب و رسوم مردم منطقه ی قلعه
قاضی مشاهده گردید این است که ملای دعا نویس برای بیمار و در امان ماندن او از جن و پری
تربت امام حسین (ع) به او می داد تا به بازویش ببندد در این قصیده نیز خاقانی به سرحاح
اعلام می دارد که تربت پاک حضرت رسول (ص) بازو بندی است که برای حفظ جان ناتوان
خود و شفای آن آورده‌ان.

۳-۵-۲۳- هو (How) سیل کردن:

هو سیل کردن نیز کاری شبیه به سر کتاب باز کردن بود. هرگاه کسی بیمار می شد و اطرافیان
او گمان می کردند که از جائی اذیت و آزار دیده مقداری گندم یا خرما نزد ملای هو سیل کن هدیه
می فرستاد و از او می خواستند که برای بیمار هو سیل کند و ملا در ظرفی مسین یا سفالین مقداری
آب می ریخت. تسبیح خود را بالای ظرف بی حرکت نگاه می داشت و مشغول نگاه کردن به آب

و خواندن دعاها اوراد مخصوص می شد پس از چند دقیقه به زعم او، تسبیح دایره وارد داخل ظرف آب به حرکت در می آمد و ملا از حرکت تسبیح در آب و امواجی که ایجاد می کرد نظر می داد که بیمار مثلا دچار حسد شده یا از ما بهتران «جن و پری» او را آزار کرده اند و نسخه ای صادر می کرد که مثلا سه شب تخم مرغ سیاه را زیر ناودان خانه بشکنند یا موی بز پیر را بسوزانند و خاکسترش در رهگذر مردم بر یزند تا بیمار شفا یابد.

۳-۵-۲۴- خسوف و کسوف:

خسوف و کسوف در منطقه قلعه قاضی با مراسم و اعمال خاصی همراه است و آن نشان قهر و غضب پروردگار می دانند. در هر دو حالت معمولا زنان و مردان به گفتن اذان مشغول می شوند. و به دعا و نیایش می پردازند و از خدا دفع قضا و بلا مسالت می نمایند. علاوه بر دعا و نیایش طبق یک رسم قدیمی در هر خانه یکی دو نفر کاسه یا دیگ مسی به دست می گیرند و با سنگ یا چوب آن را به صدا در می آورند و این کار را تا پایان خسوف یا کسوف ادامه می دهند. عده ای از اعوام الناس می گویند ماه یا خورشید در حال گرفتگی، گرفتار «طلب کار» است و وقتی صدای ظروف مسی از خانه ها بلند شود به طلب کار خود می گویند: این صداهایی که بگوش می آید صدای زنگ قافله پدر من است که در راه است. مرا رها کنید همین که قافله رسید طلب شما را می پردازم! بعضی زن ها در فاصله زمان ماه یا خورشید گرفتگی، مشغول تهیه داروهای محلی می شوند و معتقدند داروهای که در این فاصله تهیه و ساخته می شود اثر آنها در رفع دل درد و بیماری های شایع، بیش از زمان عادی است. نماز آیات نیز طبق دستور بلافاصله خوانده می شود.

۳-۵-۲۵- چل بر:

چل بر عبارت است از ریسمانی که بر آن چهار سوره «اخلاص-القلق-الکافرون والناس» خوانده باشند بدین ترتیب که پس از خواندن هر سوره ضمن فوت کردن به ریسمان آن را گره می زنند تا چهار گره کامل گردد. چل بر را به گردن یا دست بیمار تب دار، می بندند تا اگر عیادت کنندگان از مجلس ترحیم به دیدن بیمار رفتند، تعویذی صورت گرفته باشد. چهار سوره مذکور را اصطلاحا چهار «قل» هم می نامند.

از دیگر موارد استفاده از چل بر:

- ۱- برای زائو هنگامی که تازه زایمان می کند برای اینکه از آزار جن و پری دور بماند.
- ۲- عروس و دامادی که تازه عقد می کردند.
- ۳- نوزادی که تولد می شد.
- ۴- اگر همسایه کسی که به رحمت خدا می رفت به بچه های کوچک چهل بر می کردند.
- ۵- بیماری که مهتقدند با دارو شفا نمی یابد معمولاً به همراه دعا چهل بر می کنند.
- ۶- زمانی که کودک را ختنه می کردند برای اینکه از شیاطین و اجنه در امان باشد.

۳-۵-۲۶- جناغ شکستن:

از سرگرمی های معمولی در این منطقه جناغ شکستن است. در محافل خانوادگی و دوستانه پس از آن که سینه و ران مرغ و خروس بینوا رو خوردند نوبت شکستن جناغ آن می رسد. بدین ترتیب که که یک نفر جناغ را در دست می گیرد و از حاضران سفره مبارز می طلبد. اگر داوطلب پیدا شد هر یک از طرفین یک سر جناغ را در دست می گیرد و ضمن آنکه شرطی بین خود برای برنده، قائل می شوند آن را می شکنند از این لحظه هر یک از آنان که بتواند چیزی به دست طرف بدهد به طوری که به یادجناغ و شرط بندی نباشد برنده است. اما اگر طرف پیش از گرفتن چیزی بگوید «مرا یاد» می تواند آن چیز را بگیرد بدون اینکه بازنده باشد. اگر فراموش کرد که بگوید «مرا یاد» طرف فوراً می گوید: فراموش...! و بدین ترتیب شکست رقیب و پیروزی خود را اعلام می نماید. جناغ شکستن نوعی تمرین برای تمرکز حواس و هوش ودقت است و هرگز جنبه برد و باخت آن مطرح نیست.

معمولاً یک بار فراموش کردن برای ختم قضیه کافی است اما گاهی طرفین تا سه بار فراموش کردن را جز شرط قرار می دهند.

بشکست جناغ با من او دوش
یاد است مرا؛ تو را فراموش

اندر پی آزمایش هوش
دل در کف او نهاده، گفتم

فصل چهارم

اعتقادات ، باورها و بازی های
سنتی مردم قلعه قاضی

۴-۱- اعتقادات مردم قلعه قاضی :

در موقع مسافرت اگر مردی سر برسد آن را به فال نیک می گیرند اما اگر زن سر برسد، بد می دانند و چند دقیقه ای آن را به تاخیر می اندازند. وقتی کسی عازم سفر است اگر خود او یا دیگری عطسه نماید لحظه ای صبر می کنند تا نحوست عطسه برطرف گردد.

اگر یکی از پلک های چشم به طور غیر ارادی بزند یعنی دچار لرزشی شود نشان آن است که مسافری از راه خواهد رسید همین طور اگر آبی که از کاسه یا لیوان دور ریخته می شود، صدایی شبیه سلام و علیکم ایجاد نماید مهمان خواهد رسید و در جواب آن می گویند: علیکم السلام.

اگر کفش ها موقع از پا در آوردن روی هم سوار شوند نشان آن است که صاحب کفش به سفر خواهد رفت. اگر کسی موقع غذا خوردن لب یا زبان خود را بچود سوغات به او خواهد رسید.

در موقع نوشیدن آب اگر شخصی دچار سرفه پی در پی گردد در همان لحظه، در جایی نام او به میان آمده است. دهان کفش- لیوان و لوله کتری نباید رو به شخص باشد معتقدند که باعث دعوا و کینه و کدورت می شود. بانگ بی موقع خروس، نحوست دارد و احتمالاً دزدی در همان زمان در آبادی مشغول دزدی می باشد. اگر مگس وارد پیراهن کسی شده باشد علامت آن است که در جایی از او بد گویی می کنند و اگر مگس خسته و ناتوان وارد خانه شود میهمان می آید.

بعضی آدم ها شور چشم هستند و شور چشمان حسودند و به هر چیز زیبا ممکن است با چشم خود آسیب برسانند، برای رفع شور چشمی «چشم زخم» اشخاص قرائت سوره «فلق» و ذکر جمله «ماشاالله» نام خدا، مفید و موثر می دانند. اگر صاحب چشم شور خود در برخورد با اشخاص و اشیا زیبا، جمله ماشا الله را بکار برد نگرانی و دلهره تا حدی کاهش می یابد. بعضی ها برای دفع چشم زخم به دیوار منازل و یا شاخه درختان شیشه ای که پراز آب دریا باشد آویزان می کنند و معتقدند که آب شور دریا باعث می شود که چشم زخم اثر نکند بعضی دیگر در مزارع و کشت زارع خود از استخوان حیوانات حرام گوشت جهت رفع چشم زخم استفاده می کنند.

شب چهارشنبه حتی الحقدور نباید به منزل کسی رفت ممکن است صاحب خانه دل چرکین شود. هم چنین در چنین شبی نباید از همسایه چیزی خواست اگر مجبور بود که چیزی از آنها بگیرید حتماً باید یک ماده سفید رنگی مانند آرد یا شکر اول به آنها بدهد بعد خواسته خود را مطالبه

نماید. شب جمعه رفتن به زیارت اهل قبور و خواندن فاتحه ثواب دارد و معتقدند که اموات در این شب چشم براه خیرات و مبرات کسان خود هستند. اگر کسی در همان لحظاتی که نام او در میان است سر برسد می گویند حلال زاده سراسم خود، رسید.

روز شنبه و چهارشنبه نباید جهت تسلیت گفتن به منزل دیگران رفت. اگر کودکی موقع راه رفتن و دویدن بیفتند «زمین بخورد» فوراً در محل افتادن وی آب می ریزند و می گویند: تو نیفتادی بار پنبه دانه افتاد. اگر کف دست راست کسی خارش دهد، پول به دست خواهد آورد. خضر نبی الله ممکن است به خانه کسی گذر کند و خیر و برکت بیاورد. در قبرستان برای نشان دادن قبر کسی نباید با انگشت به آن اشاره کرد و اگر کسی این کار کرد باید نوک انگشت خود را گاز بگیرد. در بازگشت از مجلس ترحیم به منزل، زنان مقداری برگ سبز درخت بی خار تهیه می کنند و در هنگام ورود به منزل، آنها را به روی سر بچه ها و جوانان می ریزند و بدین ترتیب برای آنها طراوت و سرسبزی آرزو می نمایند. اگر اولین لقمه نهار با بانگ اذان مقارن شود صاحب لقمه بهشتی است.

ناخن دست و پا را نباید در اتاق و حیاط منزل ریخت موجب بگومگو و جنگ و دعوا می شود و توصیه می کنند روز جمعه برای کوتاه کردن موی سروناخن دست و پا مناسب می باشد. مرغی که مانند خروس بانگ سر دهد منحوس است و باید آن را کشت. نوعی زنبور سیاه در این منطقه دیده می شود که اصطلاحاً آن را «موک» می نامند. این زنبور اگر کسی را نیش بزند باید فوراً خود را به آب برساند تا موک بمیرد والا اگر موک زودتر خود را به آب رساند آن شخص می میرد! ایستاده آب نوشیدن کراهت دارد و کسی که سرش برهنه است موقع نوشیدن آب بهتر است یک دست را روی موی سر خود بگذارد. خوردن مغز گوسفند برای کسی که پدرش زنده است جایز نیست. معتقدند که اگر شخصی عمداً این کار را انجام دهد پدرش خواهد مرد.

رفت و روب منزل شب هنگام نحوست دارد. تیغه قیچی را نباید بیخود بهم زد دعوا می شود. دود کردن اسپند مخصوصاً در شب چهارشنبه برای دفع حسد و چشم زخم مفید است.

هسته خرما را نباید شمرد موجب درد دندان می شود اگر مرغ در خاک غوطه زده باشد و خود را جلو در منزل بتکاند مهمان خواهد آمد. جارو را اگر دور از چشم مهمان ناخوانده و مزاحم، به گوشه ای تکیه دهند مهمان رفع مزاحمت خواهد کرد.

اول غروب تخم مرغ را نباید از خانه خارج کرد در صورت لزوم، قدری نمک بجای آن باید گرفت. بچه ها را نباید با جارو زد، دزد از آب در می آیند. اگر هلال ماه رو به آسمان و بالا باشد می گویند ماه گرسنه است و نعمت کم خواهد بود، اگر رو به پایین و زمین است نعمت فراوان خواهد بود. بعضی ها برای سفر رفتن قبلا «ساعت» می گیرند بعضی با مراجعه به ملای محل معلوم می سازد که سفر کردن در فلان روز خوب است یا نه؟ اگر گوسفند یا گاوی گم شود آنرا «لوبن» می کنند «لوبن، دعایی که ملا برای در امان ماندن گم شده از گزند حیوانات وحشی می کند.

موقعی که بر سر سفره نشسته و غذا می خورند اگر کسی وارد شود می گویند: (بسم الله) یعنی بفرمائید و غذا بخورید و طرف اگر میل به غذا ندارد در پاسخ می گویند: نوش جان وقتی بزرگ تری وارد مجلس شود به احترام او از جا بر می خیزند و اگر جای مناسبی برای نشستن او نباشد، کوچکتران جای خود را به او می دهند.

وقتی برای اولین بار به عیادت بیمار می روند خطا به او می گویند: بد نباشید...! و بیمار در جواب می گوید: بدنینی. در دفعه دوم و دفعات بعد می گویند: احوال بهتر؟ یعنی انشاءالله حال شما بهتر شده و بیمار جواب می دهد! الحمدالله، شکر خدا، گاه نیز به جای بد نباشد، می گویند: نخسته، یعنی خسته نباشید و او جواب می دهد: خسته غم نباشید. به کی که کار جالبی انجام داده باشد می گویند: دست مریزاد و او در جواب می گوید: قد بالات مر نداد.

در نوشیدن آب حق تقدیم با کوچکتران است و اصطلاح «آب از کوچکتر» به کار می رود وقتی کسی از خواب بلند شد خطاب به او می گویند: صحت خواب، و او در جواب می گویند صحت و سلامت باشید. وقتی کسی از سفر می رسد می گویند: رسیدن بخیر و او جواب می دهد: عاقبت شما بخیر.

وقتی کودکی به دنیا آمد کسانی که به دیدن خانواده کودک می روند پس از سلام و احوال پرسی و ذکر ماشالله می گویند: قدم نو رسیده مبارک و چون نام کودک بشنوند می گویند: خوش نام باشد وقتی خبر تولد کودک به گوش فامیل و دوستان برسد معمولاً بلافاصله سوال می کنند! شیر است یا روباه؟ مقصود این است که پسر است یا دختر؟

شب جمعه خوردن پیاز کراحت دارد. شلوار را نباید ایستاده پوشید بلکه باید نشست و پوشید. وقتی کسی به طور غیر منتظره و بی وقت وارد خانه کسی شود، فوراً می‌پرند خیر باشد! یعنی اتفاق بدی نیفتاده باشد و خبر بدی نداشته باشید و او اگر اتفاقی بدی نیفتاده بلافاصله جواب می‌دهد: خیر است و خیال همه را راحت می‌سازد.

تار عنکبوت نباید در منزل باشد و اگر هم مشاهده شود آن را پاک می‌کنند و معتقدند که باعث فقر می‌شود. سنگ به سنگ زدن باعث جنگ و درگیری در آینده می‌شود و آن را نحس می‌دانند. سوت زدن در خانه و منزل موجب کم شدن روزی می‌گردد. افتادن خمیر آرد از ظرف خمیری خبر از آمدن کسی می‌دهد.

حرکت روباره از چپ به راست را به فال نیک، و حرکت روباره از راست به چپ را نحس می‌دانند. ته دیگ را خوردن دختران و پسران مجرد باعث وزیدن طوفان و بارش باران در روز عروسی آنان می‌شود.

۴-۲- آل و زن زائو:

به اعتقاد عوام الناس، آل موجودی است که پس از وضع حمل زنان ممکن است به سراغ آنان بیاید و موجب آزار و مرگ زائو شود برای حفظ زائو از این دشمن خیالی اطراف محیط استراحت او را با ریسیمانی که از موی بز و گوسفند بافته شده باشد حصار می‌کنند و همواره جسمی فلزی مانند داس زیر بالش او می‌گذارند و از همه مهم تر این که او را تنها نمی‌گذارند. با این همه احتیاط‌ها و تدابیر امنیتی! اگر زنی گرفتار آل شد، به حال اغما می‌افتد در این حال اسبی بر بالین زائو حاضر می‌کنند و توبره ای از جو بر سر آن می‌زنند، اگر اسب شروع به خوردن جو کرد و شیهه زد، زائو به سلامت خواهد ماند در این موقع تیری به علامت پیروزی شلیک می‌شود اما اگر زائو از حال اغما خارج نشد آل، کار خود را کرده است.

به زن زائو آب خیلی کم می‌دهند زیرا معتقدند که آب به زائو دادن موجب ناراحتی و حتی مرگ او می‌شود به جای آب چندین بار «جلابی» نوعی دارو محلی که از ترکیب آرد - روغن - شکر - فلفل سیاه - زنجبیل - دارچین و هل می‌سازند» به وی می‌خورانند که معتقدند برای تقویت بنیه وی مفید است.

۴-۳- جن:

اعتقاد به جن و حضور و دخالت گه گاه او در زندگی آدمیان در میان برخی از مردم منطقه شمیل مانند بسیاری از مردم گیتی از قدیم الایام وجود داشته است. مادر بزرگ ها و پدر بزرگ ها از این موجود نامرئی داستان ها و روایات بسیار ساخته و پرداخته و شب های دراز زمستان، در کنار اجاق به بچه ها و جوانان منتقل نموده اند. به اعتقاد آنها جن در جاهای تاریک و متروک مانند قبرستان ها قنات ها و چشمه ها، باغ ها و خانه خرابه ها به سر می برد و ممکن است آدمی را آزار دهند. جن ممکن است به شکل بعضی حیوانات مانند گربه، خارپشت، مرغابی وغیره در آید.

برای محفوظ ماندن از شر آن نباید به تنهایی در اماکنی که محل حضور اجنه است به سر برد. جن ها به صورت انفرادی و یا در گروه های چند تایی ممکن است خود را نشان دهند، ظاهراً کسی آنها را نمی بیند و فقط از سر و صدا و مزاحمت های آنها می توان پی به وجودشان برد چنان که می گویند: جنیان از نقطه نامعلومی به کسی که قصد آزار او را دارند سنگ می پرانند. کسی که دچار آزار جن شد باید تحت دعا نویسی و دستور هایی که او می دهد شفا یابد. جن از بسم الله می ترسد از این رو هر جا که احتمال حضور او می رود باید به بسم الله توسل کرد. مردم این منطقه جن را «جنتک» می گویند اما شب ها بهتر است آن را بنام « از ما بهتران » نام برد.

۴-۴- آداب انتخاب حیوانات نذری :

مردم این منطقه برای نذر در راه خدا ویا برای حضرت ابوالفضل و امام زاده های دیگر، حیوانات مخصوصی به کار می برند. نذر برای خدا هر حیوان حلال گوشتی را مناسب می دانند و معمولاً نذرهایی که در راه خدا ادا می شود حیوانات ارزان قیمت پیر و حتی دست و پا شکسته است و می گویند برای خدا فرقی نمی کند همه اینها را خودش خلق کرده است.

اما برای حضرت ابوالفضل(ع) باید بهترین،زیباترین،سالم ترین و جوان ترین حیوان حلال گوشت از جنس نر کشته شود.شخصی که حیوان می کشد باید مومن،درستکار، و نماز خوان باشد و در موقع انجام نذر وضو داشته باشد.

چاقویی که برای ذبح حیوان بکار می رود، می بایست خوب تیز باشد و طوری نباشد که هنگام ذبح کردن حیوان اذیت شود. و حیوان را هنگام کشتن آب نمک می خوراند،دلیلش را حسابی نمی دانند و برای اینکه به سوال بچه ها جوابی داده شود، می گویند تا گوشت حیوان حلال و مزه دار شود.

اگر حیوان در موقع کشته شدن تلاشی نکرد و تسلیم شد می گویند نذر خیلی خیلی قبول افتاده است. گوشت نذری را به همسایه ها و به هر کسی که مستحق باشد می دهد و هر کسی که گوشت نذری را برمی دارد می گویند نذرت قبول و دهنده گوشت می گوید قبول الله.

به ملای ده نیز گوشت می دهند تا بخورد و فاتحه بدهد. اگر برای حضرت ابوالفضل وامام زاده ها باشد فاتحه خوانده می شود.

سر بریده ی حیوان نباید طوری گذاشته شودکه چشمش به آسمان باشد و معتقدند که حیوان نفرین می کند.

گوسفندی که به نیت نذر می کشند با سر آن فال می گیرند و با هر سر فقط یک فال گرفته می شود. به این صورت کله را نصف می کنند تا آسان تر پخته شود و هنگام نصف کردن که فال هم گرفته می شود به این ترتیب شخص که آرزویی دارد نیت می کند و آنگاه کله را از قسمت فکین با دست دو نصف می کند. دو طرفی که فکین از هم جدا می شود یک استخوان باریک هست که محل اتصال فکین است. حال اگر روی سر این استخوان کمی گوشت چسبیده باشد می گوید

دستمال برداشته است و اگر استخوان بدون گوشت باشد می گویند کارد است که بستگی به نیت شخص دارد که نیتش چه بوده، کارد می خواسته است یا دستمال. این فال معمولاً زنان حامله می گیرند وقتی که می خواهند بدانند جنین آنها دختر است یا پسر.

۴-۵- گاه شناسی

مردم این منطقه اولاً با صدای بانگ خروس از سحر و از وقت های دیگر با خبر می شوند، ثانیاً دو ستاره که صبح ها طلوع می کند به وقت شناسی آنها کمک می کند. طلوع ستاره سهیل پاییز را خبر می دهد.

وقتی ماه گرفتگی پیش می آید می گویند که ضامن آدم های بدهکار شده که یک سال بدهی خودشان را نپرداخته اند و بدقولی کرده اند و حالا بیخ خِرِ ماه را گرفته اند و از ماه پولشان را می خواهند. مردم می روند توبه می کنند دور هم جمع می شوند و نذری می کشند تا ماه را ببخشند و آزاد شود.

البته ملاحا می گویند وقتی که یک تکه ماه گرفته باشد می گویند عقرب آن را گرفته است. مردم معتقدند که آسمان هفت طبقه دارد و ستاره ها را خداوند به وسیله فرشتگان هنگام غروب روشن می کند و خدا در آسمان هفتم است. وقتی باران شدت یابد و نزدیک است که سیلی راه بیفتد اذان می گویند تا از شدت آن کاسته شود.

اگر موقع بارندگی باد از قبله بیاید و ابرها از قبله دور کند باران نمی بارد و اگر ابرها به سوی قبله روان شوند حتماً باران می بارد. آنها معتقدند که اگر جمعه ابرها گرد شوند شبه کار آنها تمام می شود و پایان بارندگی است ولی اگر روز شبه ابرها گرد شوند به مدت یک هفته بارندگی خواهد بود «جمعه بَنَد شبه کند، شبه بَنَد کی بکند».

در چله عقرب (آبان) انتظار بارندگی دارند مخصوصاً در چله (آذر ماه) اگر در این دو چله گذشت و باران نیامد در چله هوت (اسفند ماه) منتظر بارندگی هستند. اگر آذر ماه باران نیارد از وقت کشت غلات می گذرد. وقتی قوس قزح ظاهر می شود ملا پیشگویی می کند که چه اتفاقی می افتد. وقتی باران می بارد و صدای رعد و برق به امراض و شخص مریض می افتد، امراض برچیده می شوند و کتافات از روی زمین پاک می شوند و به همین جهت فوراً ظرف های بزرگ زیر زبان می

گذرانند تا از آب باران پر شود و می گویند، نعمت خدا است و به رعد و برق می گویند که صدای پای دُللُعلی (ع) است.

بادی که از شمال شرقی می وزد ناشی Nashi می گویند. وقتی این باد بوزد باعث پراکندگی ابرها می شود و باران نمی آید. اگر در شب، ماه خرمن زد هوا بارانی است سال نیکویی در پیش است.

۴-۲- بازی ها:

۴-۲-۱- مقدمه:

زنبرو بودمرد را راستی زسستی کچی زاید و کاستی

بازی ها زاییده تخیل، هنر، ذوق و خشونت انسان در برابر دفاع و مبارزه هستند بنا به شرایط زندگی اجتماعی دارای ضوابط خاصی هستند. تنوع بازی ها در هر منطقه نشانی از هویت مردم آن منطقه می باشد. زندگی اجتماعی بشر شیوه های گوناگونی برای زیست و بقا اقوام مختلف به وجود آورده که هر قومی برای رسیدن به هدف خود دست به راه های متفاوت می زده است.

گونه های زندگی برای گروهی لذت بخش و برای گروهی تحمل ناپذیر بوده تا اینکه ظلم پیشگی و ظلم پذیری در جامعه رایج گریده است. مردم عامه که طاقت ظلم پذیری و حاکمیت ظلم را نداشته اند با تر فند ها و گونه های مختلفی به دفاع از جان، مال و فرهنگ خود پرداخته اند. این شیوه های مبارزه و دفاع از فرهنگ اصل در مقابل فرهنگ بیگانه در نسل های بعد به عنوان بازی به یادگار مانده است و رفته رفته این بازی ها جنبه تعلیمی، سرگرمی، شادی و رقص در جشن ها

تظاهر پیدا کرده اند، رقص چوب را که یادگار جنگ های تن به تن است، می توان نمونه بارز این نوع شادی در نظر گرفت. (صادقی: ۱۳۸۶: ۸۳)

بازی های سنتی این منطقه که ریشه در فرهنگ دیرینه مردم این سامان دارد، امروزه به دلیل هجوم بازی های متعدد مانند فوتبال و والیبال کم رونق شده اند. در خصوص زمان رواج بازی های سنتی در این منطقه می توان گفت تا دهه هفتاد کاملاً رایج بوده اند. کودکان و نوجوانان آن زمان با قوانین این بازی ها آشنایی داشته اند اما متأسفانه اکنون بسیار از نوجوانان با این بازی ها آشنایی ندارند اما متأسفانه اکنون بسیاری از نوجوانان با این بازی ها آشنای ندارند.

-بازی های سنتی نشانگر چه مسائلی هستند؟

- ۱- هنر ضربه زدن به حریف و تغییر دادن قواعد و مقررات حاکم بر محیط.
 - ۲- باطل کردن نقشه و نیرنگ هایی که بیگانگان برای انسان به وجود می آورند.
 - ۳- از بین بردن حال و هوایی که بیگانگان بر محیط ایجاد می کنند.
 - ۴- نگاه داشتن هویت علی رغم محروم ماندن از سرمایه معنوی و حفظ فرهنگ اصیل در میان تاروپوذهای نظام حاکم بر جامعه.
 - ۵- شیوه های دفاع از مال، جان و ناموس و اراضی تحت سلطه خویش.
 - ۶- نشان دادن شیوه زندگی و حاکمیت آن ملت.
 - ۷- برای تفریح و یادگیری شیوه های مبارزه و فرارو نشان دادن قدرت جسمی، جرات و شجاعت.
- (ستادی، ۱۳۷۱: ۶۳)

۴-۲-۲- رماز :

در این بازی که در زمین های شنی و نرم انجام می شود، افراد به دو تقسیم می شوند. یک گروه به عنوان مهاجم و یک گروه به عنوان مدافع از یک نشانه که به آن آب می گویند بر عهده می گیرند. «آب نشانه ای است که در اکثر بازی ها به صورت نقطه ای مشخص می شود و می توان آن را به جان، مال، ناموس حریم انسانها تعبیر کرد بدین جهت دفاع از آن غیرت جوانان را افزایش می دهد».

هنگام شروع بازی نفرات با دست راست پای چپ را از پشت یا بالعکس گرفته با سر و سینه یک دست دیگر به حریف حمله می کنند. هر کس پای او به زمین برخورد کند، خود به خود از دور بازی حذف می شود. گروهی که مهاجم هستند میتواند یاران خود را بیشتر به نشانه آب برسانند و گروهی که محافظ هستند وظیفه دفاع از آن نشانه و دور کردن حریفان دارند.

در پایان نفرات گروه مهاجم که به آب رسیده اند، با نفرات گروه محافظ که هنوز در دور بازی هستند سنجیده می شوند. هر گروه نفرات آنها بیشتر باشد و دور بعد می توانند مهاجم بازی شوند.

یکی از شیوه های یارگیری بدین شکل است که دو نفر سر گروه می شوند، بازیکنان دو به دو پس از خلوتی کوتاه نامی مخصوص برای یارگیری انتخاب می کنند. بیشتر نام اشیا و حیوانات را بر می گزینند آنها نام های خود را برای سرگروه ها بیان می کنند. سر گروه ها به نوبت با انتخاب نام های جدید بازی کنان را بر می گزینند. مثلاً می گویند چه کسی شیر می خواهد چه کسی زنجیر یکی از سر گروه ها شیر را انتخاب می کند و دیگری زنجیر را انتخاب می کند هر کس زودتر بگوید آن اسم مورد نظرش می تواند انتخاب نماید.

۴-۲-۳- دارتوپا:

وسیله بازی: توپ گرد و کوچک و چوبی که به وسیله آن توپ را به هوا پرتاب می کنند.

محیط بازی: زمینی به اندازه زمین فوتبال یک سرزمین به منزله خط شروع بازی و سر دیگر زمین به منزله پایان و نشانه آب مشخص می شود، دو طرف چپ و راست زمین اوست محسوب می شود.

نحوه تقسیم زمین بازی: داور بطور جداگانه برای هر گروه چندین توپ به هوا پرتاپ می کند. هر گروه که توپ بیشتری را از هوا بگیرد خط شروع بازی را در اختیار می گیرد نوع دیگر نحوه تقسیم زمین این است که داور از گروه ها می پرسد چه کسی زمین و چه کسی الله (سرخط) را می خواهد. پس از این که معلوم شد هر گروه چه می خواهند داور با چوب ضربه ای به توپ می زند، پس فاصله ی محلی که توپ را پرتاپ کرده تا انتها به صورت الله زمین با چوب می شمارند. آخرین شمارش مخصوص کسی است که آن چیز را قید کرده است.

نحوه بازی: گروهی که سر خط هستند در ابتدا هر کدام دو ضربه به توپ می زنند. اگر گروه مدافع که در میدان بازی هستند توپ را در هوا بگیرد به سر خط بر می گردند، اگر نگرفتند، بازی ادامه پیدا می کند، زمانی که یکی از بازی کتان سر خط توپ را به هوا می زند، بقیه یاران او باید خود را به نقطه آب که قبلا مشخص شده برسانند و بر می گردند و یا بمانند. اگر در مسیر رسیدن یا برگشتن از آب حریفان با توپ او را بزنند، آن نفر از دور بازی حذف می شود، در صورتی که خود را به سرخط برساند صاحب و امتیاز دیگر برای ضربه زدن به توپ می شود. اگر بازیکنان سر خط ضربه های خود را و نتوانند خود را به آب برسانند و برگردند، کل گروه بازنده می شوند و گروهی که در میدان بازی حفاظت آب را برعهده داشتند دوباره در سر خط بازی شروع می کنند، بازی هم چنان ادامه پیدا می کند.

یکی از قوانینی بازی این است که اگر بازیکنی سر نقطه آب باشد در صورتی که حریفان ضربات خود را بزنند و او نتواند بر گردد داور چندین بار توپ را در کنار او به هوا می اندازد تا او با فرار کردن خود را به سر خط برساند، اگر در حین فرار او را زدند کل گروه بازنده می شوند و گروه دیگر را به سر خط می آیند و بازی هم چنان به صورت دورانی ادامه پیدا می کند، اگر او را زدند می تواند با زدن ضربات جدید یاران خود را به آب برساند و برگرداند. از دیگر قوانین بازی این است که اگر یکی از یاران ضربه هوایی بلندی به توپ بزند کسانی که هنوز ضربات اولی خود را نزده اند می توانند دوباره به سر نقطه آب بروند و بر می گردند و پس از برگشت نیز می تواند دو ضربه اضافه به ضربات اولی بزنند...

۴-۲-۴ - لتنگا Latanga:

لتنگ، لتنگ بافته شده و بلندی که در این بازی مورد استفاده قرار می گیرد. این بازی در شب انجام می شود نفرات در میدان بازی قرار می گیرند و یک نفر از سر خطی که مشخص شده لتنگ را در میان انگشتان پای خود گرفته و از پشت سر آن به طرف میدان بازی پرتاب می کند. در حین پرتاب می کند. در حین پرتاب لتنگ می گویند «لتنگ آمده خوش آمده خوشی من همین که آمد» از میان نفرات بازی هر کس لتنگ را از هوا بگیرد. برای بار دوم یا بعد نوبت پرتاب به او می رسد در صورتی که نفرات لتنگ را از هوا نگیرد بازی به وسیله همان یک نفر به جلو کشیده می شود تا به خط پایان برسد.

۴-۲-۵ - کرکموچا Korkomoocha:

ابتدا بازی کنان به دو گروه تقسیم می شوند. یک گروه دور هم جمع می شوند یک شیئی را داخل پاها و دست های یکی از اعضای گروه قایم می کنند. گروه مقابل باید بگویند که شیئی داخل دست های چه کسی دست وهر کس او پیدا کرد بار دیگر قایم کننده آن در میان گروه می شود.

۴-۲-۶ - شاه و وزیر:

در این بازی از شش جهت کبریت دو جهت را که به صورت تخت می باشد، یک طرف آن دزد و یک طرف دیگر آن جلاد می باشد و دو جهت را که کبریت به صورت عمومی بر روی زمین قرار می گیرد دو طرف آن فرقی نمی کند، شاه نامگذاری می کنند و جهت افقی کبریت را وزیر می نامند. یک دور کبریت را به هوا می اندازند تا این که شاه و وزیر مشخص شوند. بعد از آن هر کس کبریت را انداخت و روی دزد آمد، شاه دستور، می دهد وزیر نیز بعد از مشورت با شاه به جلاد دستور می دهد که به دزد کتک بزند هم چنان در دور بازی کبریت را می اندازند تا اینکه شاه و وزیر به دست نفرات دیگر بیفتند.

۴-۲-۷ - سنگ چلکا Sang Chacla:

این بازی یک نوع بازی دخترانه است. چندین سنگ را با فاصله مختلفی بر روی زمین می اندازند. یکی از سنگ ها را در دست گرفته و به هوا پرتاب می کند تا سنگ پرتاب شده به کف دست او می رسد باید یکی دیگر از سنگ ها را از زمین بردارد. همین طور بار دوم که سنگ دوم را

به هوا پرتاب می کند، دو سنگ را از زمین برمی دارد تا این که با پرتاب یک سنگ هم سنگ ها را از بین برمی دارد. هم چنین این که پس از طی مرحله زمانی که سنگ ها را بلند می کنند نباید تکان بخورند یا در مرحله ای حتما باید صدا بدهند. این بازی که پس از طی هر مرحله اجازه اجرای مراحل بعدی را دارد هم چنان ادامه پیدا می کند تا این که سنگ ها را به صورت زنجیری از زمین بلند می کنند و همواره به هوا پرتاب می کنند و دوباره در دست جمع می کنند. در مرحله پایانی سنگ ها را از کف دست به طرز ماهرانه به پشت دست پرتاب می کند هر چه تعداد سنگ های پشت دست بیشتر باشد امتیاز بیشتری نسبت به طرف فرد مقابل به دست می آورد.

از دیگر ظوابط بازی این است که هر بار حریف نتوانست مرحله ای را انجام دهد و مرتکب خطا شود بازی را به نفر دیگری واگذار می کند.

۴-۲-۸- Dara:

بازی جالب و بسیار سرگرم کننده برای جوانان دختر و پسر است این بازی به صورت شش خانه است که در اطراف آن راهروهایی دیده می شود به هر طرف راه که لازم شود می توان حرکت کرد.

بازی این طریق است که بازی کنان دو دسته خواهند شد و نفرات دسته شانسی انتخاب می شوند. انتخاب شانسی نیز به این طریق است که از شروع بازی دو نفر سر دسته ها خود به خود اقدام و پیشنهاد بازی می دهند. پس از توافق به دیگر بچه ها می گویند که بروید دلی دلی بیاورید. (Deli) دلی به این صورت است که بچه ها به هر گوشه ای می روند و دو به دو برای یکدیگر اسم فرضی انتخاب می کنند مثلاً اسم یکی ماه و دیگری ستاره است. اسم های فرضی انتخاب آن دل بخواهی است و سپس برمی گردند نزد سردسته ها و پیشنهاد انتخاب می کنند و دو سردسته مجبور است که شانسی یکی را انتخاب کند و به این ترتیب مساوی و شانسی انتخاب شده است. در بازی دو سر دسته نقش سرکار و بقیه نقش رعیت و یا آدم های سرکار بازی می کنند.

(سرکار به شخصی می گویند که از طرف ارباب کارفرمای رعیت می شود) بازی که نوبت هر کدام باشد باید از تمام این خانه بگذرند و طرف دوم باید مانع باشند تا سرکار و آدم هایش نتواند از این خانه ها عبور کنند. بازی که شروع می شود گروهی که نوبت شان است پس بدهد که نگذارد

طف مقابلش بگذرد. به ترتیب در خانه های ردیف الف سرکار می ایستد و نفرات دیگر در خانه های بعدی و موقع گذشتن هم اول سرکار وبعد رعیت.

سرکاری که خانه ها را پاس می دهد به سرکار دوم که می خواهد بگذرد اجازه اش می دهد که بگذرد و کاری به کار سرکار ندارد (به خاطر احترام سرکار) ولی از خانه اول که گذشت نفرات جلویی جلوی در را می گیرند و او باید بکوشد که دست نفرات به او نخورد و برای این کار در وسط خانه ها می ایستد و هر وقت که چشم نفرات را دور دید و بازرنگی خاصی از توی راهرو، از خانه ای که ایستاده به خانه دوم می جهد و به اصطلاح پیشروی می کند. نفرات هم سعی دارند که از پسرو از پیش در راهروهایی که گشت می زنند او را محاصره کنند تا مادامی که دستشان به تن وی نخورده ا و حق دارد که بازی را ادامه دهد. نفرات سرکار هم به این طریق وارد خانه ها می شوند و با کوشش و تقلا سعی می کنند که از خانه ها بگذرند و به آن طرف خط بروند. کافی است که از تعداد نفرات فقط یک نفر آن طرف برود وقتی که یک نفر آن طرف خط برود می تواند دوباره از همان راهی که آمده برگردد.

اما باز با مانع برخورد می کند دوباره مثل اول باید کوشش کند که دستی به او نخورد در این میان اگر یکی از نفرات به او دست بزند حتما سوخته است و باید بازی را به طرف مقابل بدهند ولی اگر بتوانند بگذرند کافی است که بگوید «بالا، بالا» و اعلام این پیروزی «بالا، بالا» بازی تمام می شود. بازی دور دوم شروع می شود و این دور ادامه خواهد پیدا کرد.

۴-۲-۹- بازی اشتر پول:

یکی در نقش خانم و بیرم

یکی در نقش ساربان

دو نفر ریش سفید

عده ای در نقش شتر

کسی که نقش خانم محترم را نشان می دهد باید ضمن آن که خود را به کارها و امورات خانه مشغول می کند. فردی که استخدام کرده تا ساربانی شترهایش را به عهده بگیرد با دزدان سازش می کند و هر روز که خانه برمی گردد یک شتر از گله کم شده است. از ساربان سوال می کند که شتر چه شده است او هر هفته یک بهانه ای می آورد، مثلاً رفته بودم سر عروسی فلانی ناهار بخورم

وقتی آمدم دیدم شتر را گرگ خورده بود و کلاغ‌ها سرلاشش جشن داشتند تا اینکه شتران به نصف می‌رسند و خانم بی‌نهایت عصبانی می‌شود و با شدت او را می‌زند. ساربان فرار می‌کند و خود را در پناه درختان می‌کشانند ولی بیرم او را رها نمی‌کند و می‌خواهد که او را تنبیه کند. در این میان سرو کله دزد در لباس ریش سفید پیدا می‌شود و از ساربان نزد بیرم شفاعت می‌کند و می‌گوید خانم دو تار ریش یعنی حرمت ریش سفیدم کن و او را ببخش. بیرم از تقصیر ساربان می‌گذرد و فردا نیز او را به دنبال شترهایش می‌فرستد. این عمل تا وقتی ادامه دارد که تمام شترهای بیرم تمام شود.

بیرم عصبانی می‌شود و از ساربان لاشه‌های مرده شتران را می‌خواهد و به دنبال رد و پی می‌رود که هر روز در آنجا ساربان شتران را به چرا برده است.

بیرم با کمال تعجب و شگفتی می‌بیند که شترها آنجا هستند و ریش سفید را هم آنجا می‌بیند و می‌فهمد که ریش سفید خودش دزد و با ساربان هم دست شده است. به دزد می‌گوید شترها مال من است و تو آن‌ها را دزدیده‌ای. دزد که قبلاً در نقش ریش سفید بازی می‌کرده توی رودر بایستی قرار می‌گیرد و می‌گوید که اگر این شترها مال توست می‌توانی آن را ببری. بیرم قبول می‌کند و به شترها می‌گوید که اگر دلتان می‌خواهد که دنبال من بیایید که وقتی دستم به شما می‌خورد شتر بدهد و آنهایی که نمی‌خواهند به خانه بیایند صدایی که در می‌آورند حکم کارد باشد یعنی آنهایی که دوست دارند کشته شوند باید بگویند کارد و به این صورت تعدادی از شترها را از دزد پس می‌گیرد و با خود می‌برد. و بازی به پایان می‌رسد.

۴-۲-۱۰- آقای زنجیر باف:

کودکان به ردیف می‌ایستند و دست‌هایشان را به دست هم می‌دهند تا یک صف درست می‌شود اولین نفری که اول صف قرار می‌گیرد می‌گوید
آقا زنجیر باف.

بچه‌ها می‌گویند: بعله.

زنجیر مرا بافتی؟

بعله

پشت کوه انداختی؟

بعله

بابات اومده

بچه ها می گویند: چی چی آورده؟

نخود و کشمش

بخور و بیا

با صدای چی؟

با صدای کلاغ

آنگاه از آخر صف همان طوری که دست به دست دارند به دنبال هم می روند تا از زیر دست های اولی و دومی که به هم پیوسته است عبور کنند و بعد به جای اول خود برمی گردند و به این ترتیب دومین نفر صف بغل بسته می شود و برعکس می ایستد. وقتی بچه ها به جای خود ایستادند، دوباره از اول همان حرف ها می گویند و همان طور بازی می کنند تا دومین نفر نیز بغل بسته شود و برعکس بایستد و همین طور الی آخر به همین شکل بازی می کنند ولی هر دفعه یک چیز مثلاً اگر بگویند کلاغ وقتی کلاغ وقتی بچه های می خواهند از زیر دست ها عبور کنند قارقار می کنند و اگر بگویند با صدای گاو هنگام عبور صدای گاو در می آورند و یا شغال یا روباه و هر چیز دیگری.

۴-۲-۱۱- آخ-کجو Exkeju :

عده ای از دختران نوجوان سرپا می نشینند و در دست را روی دو زانو می گذارند و بلند می شوند و بر زمین می نشینند (به همان حالت) و به این صورت و این صورت می گویند آخ کجو، کجو.

در حال آخ کجو زدن می خوانند آخ کجو بزنم تازه- تا دم دروازه- دروازه کلید داره- چفت عنبرین داره- عنبرین بسوانید- دور شاه بگردانید- می برم پیراهن تو- پیراهن گل ناری تو- دو چشم مرداری تو وهم هماهنگ با هم می گویند آخ کجو، کجو.

۴-۲-۱۲- تک پر هو Teck Por Hov:

به معنای واقعی شکم پر آب، اشاره به چاق و سرحال دو نفر در نقش دزد بازی می کنند و می خواهند بزهای تحفی را در غیاب او بدزدند. عده ای در نقش بز به پشت خوابیده و باد به شکم خود می دهند تا شکمشان بزرگ جلوه کند.

دزدها دست روی شکم بز می زنند و هر کدامشان که شکمشان بزرگ تر باشد و صدای چاقی بدهد برای می برند، وقتی صاحب بزها سر می رسد می بیند که تعدادی از بزهایش نیست. به دنبال رد می رود تا اینکه در جایی آنها را می یابد و می بیند که دزدها آن ها را دزدیده اند. به دزدها می گوید بزهای مرا پس بدهید. دزد پیشنهاد می کند که از گله هر کدام که بز مال اوست جدا کند (بزها چهار زانو می نشینند و با دو دست خود انگشت بزرگ پاهای خود را در دست می گیرند) صاحب بز دست روی سر بزها می زند هر کدام که صدای بز می دهند می گوید مال من است و هر کدام که بگوید کارد برای دزد می ماند. یک نفر به صاحب بز کمک می کند تا بزهایش را ببرد به این طریق که دو نفر زیردو بازوی بزها که گفتم چطوری نشسته اند می گیرند و می برند. هر کدام که در راه دستشان رها شد و نتوانستند انگشت پای خود را محکم بگیرد سوخته اند و از دور بازی خارج می شوند.

۴-۲-۱۳- تما جک Tamajok:

بچه ها هر چیزی را که قابل شمارش است در دست دارند بازی جفت و طاق می کنند. طرف مقابل اگر درست گفت آن اشیا مورد بازی خواهد برد و اگر صحیح نگفت همان اندازه باخته است مثل بازی شیروخط. بچه ها وقتی نخيلات میوه کال نخل (خمل) را جمع آوری می کنند پس از مدتی خسته می شوند و چون معمولاً دوستانی هم همراه دارند یک جا می نشینند که استراحت کنند، اما از فرصت استفاده می نمایند و با این بازی خود را سرگرم می کنند.

۴-۲-۱۴- چکرا Chakora:

یک نفر چهار دست و پا در حالی که یک پا بیش به طرف بالا خمیده است در وسط زمین می آید یعنی در اصل روی دو دست و یک پا حرکت می کند، بقیه بچه ها سعی می کنند با دست توی سر او بزنند در صورتی چکر نتواند با پای خمیده خود آنها را هدف قرار دهد همیشه باید

وسط باشد و در همین حال باقی بماند. چکر در وسط مدام به هر کدام حمله ور می شود و هم با جنگ و گریز سعی می کنند تا سه دفعه توی سر چکر بزنند. اگر کسی سه دفعه پشت سر هم بتواند چکر را بزند باید فوری فرار کند و به طرف مالک برورد و چون چکر حق دارد و پایی دنبالش برود و تا به مالک نرسیده او یا بگردد و با دست روی سر او بزند و به او اصطلاح کچل کند و به جای خود او را چکر کند، ولی اگر چکر به او نرسد خود مجبور است که هم چنان چکر باشد. چکر هر وقت که موفق شود با پا بیشتر به کی بزند (کافی است که فقط تماس حاصل کند) چکر از چکر بودن خلاصی پیدا می کند و شخص کچل شده به جایش چکر می شود.

چگر اولتوافقی مشخص می شود. تعداد بچه ها نامحدود است و هر چه بیشتر باشد بازی گرم تر است. زمین بازی مشخص می کنند مالک یا محل امن کمی دورتر از زمین بازی است و به وسیله چیزی مشخص می کنند و یا جایی علامت می گذرند.

۴-۲-۱۵- دختلولو کا Dokhtoloka :

عروسک بازی را می گویند البته عروسک ها با دست خود بچه ها با چوب و پارچه درست می شود این بازی را کودکان تا نوجوان دوست دارند و بیشتر مخصوص بچه های کوچک است.

۴-۲-۱۶- دار کلکا Darkalaka :

طرفین بازی هر کدام به ترتیب بازی می کنند هر کدام از دو طرف زمین بازی می ایستد. هر کدام از طرفین یک چوب تقریباً یک متری و یک چوب کوچک مثلاً ۲۰ متری در دست دارد یکی از آنها بازی را شروع می کند که یک گود کوچک "عمق دو سه سانتی" حفر می کنند و سر چوب کوچک را از زمین بلند می شود و با چوب بزرگ زیرچوب کوچک می زنند و به طرف دیگر که نفرات طرف مقابل ایستاده اند پرت می کند تا دو یا سه مرتبه اگر چوب کوچک از زمین بلند نشود آن نفر حق دارد بازی کند و تا بیشتر از سه دفعه نوبت به نفر بعد می رسد همین طور الی آخر. طرف مقابل نیز سعی می کند که چوب کوچک را از آن سر مقابل زمین می آید نگذرد به انتها برسد بلکه با چوب خودش چوب کوچک را برگشت دهد.

اگر نتوانست چوب کوچک را برگشت دهد و چوب کوچک به انتهای زمین برسد و روی زمین بیفتد به حساب زننده این چوب یک کلی گفته می شود. از محل افتادن چوب کوچک تا کلی

(محل پرتاب چوب کوچک) با چوب بزرگ شمارش می کنند به هر اندازه که شد به حساب کسی که چوب را پرتاب کرده می رود ولی اگر چوب کوچک هنگام پرتاب تا فاصله کلی به اندازه کمتر از یک چوب بزرگ افتاد شخص پرتاب کننده می سوزد و از دور خارج می شود. و نوبت به شخص با گروه مقابل واگذار شود و به همین صورت بازی ادامه پیدا می کند.

۴-۲-۱۷ - کنکالجو Kankaljow :

این بازی که در واقع یک نوع بازی آبی است در استخرها، رودخانه ها که مقداری عمق داشته باشند و یک طرف آن دیواره کلی باشد قابل اجراست.

طریقه بازی: چند نفر حدود ۶ تا ۱۰ نفر توافق می کنند که این بازی را شروع کنند یکی از آنها یک تکه چوب تانی خشک در زیر آب رها می کند و هم بازی کنان با کف دست خود محکم بر روی سطح آب می زنند و سعی در گم کردن چوب را دارند بعد از اینکه برای لحظه ای چوب گم شد همه آرام می شوند در این مدت هم سعی بر این دارند که چوب را زوتر پیدا کنند هر کس که زوتر چوب را پیدا کرد آن را بر می دارد و به محل مشخص که جای چوب است و باید بگذارد دیگران مانع از کار او می شوند اما با تلاش و کوشش موفق می شود که چوب را به مقصد برساند و این بازی ادامه خواهد داشت و دور به همه خواهد رسید. این بازی برای سنین ۱۸ سال به بالاست.

فصل پنجم

نتیجه گیری

نتیجه گیری :

منطقه ی قلعه قاضی یکی از مراکز عمده و تاثیرگذار در فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی در طول تاریخ تمدن ایران زمین و هرمزگان است ؛ این دیار ، همواره به عنوان کانون ترویج ، شکوفایی و پاسداشت آیین های ایرانی و اسلامی نقش خود را ایفا نموده و در حوزه فرهنگ عامه (فولکلور) نیز پایگاه و پاسگاه بسیاری از آداب و رسوم ملی و مذهبی به شمار می آید.

مطالعه و بررسی فرهنگ و آداب و رسوم مردم منطقه ی قلعه قاضی نشان دهنده ی این است که فرهنگ مردم این دیار بسیار غنی در عین حال ناشناخته مانده است . تاثیر این خرده فرهنگ ها در زندگی و رفتار مردم در زمینه های زیر مشاهده گردید :

- از تولد تا مرگ آدابی دارند که بسیاری از این آداب منحصر به فرد می باشد .
- در زمینه برگزاری مراسم ازدواج در این منطقه به شیوه قدیم و سنتی بوده و هیچ رنگ و بویی از فرهنگ بیگانه ندارد .
- حفظ خرده فرهنگ ها و انتقال آن از نسلی به نسل دیگر به عنوان یک امانت در این منطقه باعث شده که مردم این منطقه به فرهنگ مرز و بوم خود بسیار پایبند باشند .
- با توجه به رسوماتی که از قدیم و ابا اجداد آن ها به جای مانده در مراسم ها، جشن ها، وفات و غیره بسیار با هم همکاری دارند .
- چون اعتقادات مذهبی در بین آن ها بسیار قوی است لذا حضور شان در مجالس مذهبی بسیار پررنگ می باشد .
- برگزاری مراسم های روضه خوانی و تعزیه خوانی هنوز به سبک گذشته و بنا بر نسخ قدیمی برگزار می شود و این مراسم ها بسیار پر شور است .
- در این دیار برای اعیاد به خصوص عید نوروز آدابی دارند که در نوع خود کم نظیر هستند .
- برای حفظ فرزندان و زنان زانو از جن زدگی آداب خاصی دارند .
- برای انتخاب و ذبح حیوانات نذری آداب مخصوص خود دارند .

- بازی‌ها زاینده تخیل ، هنر و ذوق انسان‌های این منطقه می‌باشد که بنا بر شرایط زندگی اجتماعی آن‌ها دارای ضوابط خاصی هستند .
- بازی‌های سنتی در این منطقه ریشه در فرهنگ دیرینه مردم این سامان دارد که امروزه به دلیل هجوم بازی‌های رایانه‌ای کم رونق شده است .
- بررسی دقیق آداب و رسوم مردم این منطقه نشان‌گر این است که با بسیاری از دوره‌های تاریخی ایران به خصوص دوره غزنویان وجه اشتراک خاصی دارد.

منابع و ماخذ:

الف: کتابها

۱. افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۸)، **هرمزگان**، انتشارات هیرمند.
۲. باقی، محمد باقر، (۱۳۴۹)، **یاد نامه ابوالفضل بیهقی**، دانشگاه فردوس مشهد.
۳. پیشدادفر، فرخنده (۱۳۸۴)، **واژه ها در فرهنگ مردم در توجان**، انتشارات سپاهان.
۴. ----- (۱۳۸۲)، **فرهنگ مردم در توجان**، انتشارات سپاهان.
۵. ----- (۱۳۸۱)، **افسانه های مردم در توجان**، انتشارات سپاهان.
۶. ترابی عبدالحمید (۳۸۷)، **فرهنگ مردم فین و مارم**، انتشارات زیتون.
۷. سایبانی، احمد (۱۳۸۲)، **فین بندرعباس**، تهران، انتشارات بهمن.
۸. سایبانی، احمد (۱۳۷۷)، **از بندر جرون تا بندرعباس**، انتشارات چی چی کا.
۹. سجادی - ضیاءالدین (۱۳۸۴)، **برگزیده اشعار خاقانی شروانی**، تهران، انتشارات جامی.
۱۰. سعیدی، سهراب (۱۳۸۹)، **ادبیات شفاهی کودکان هرمزگان**، انتشارات چی چی کا.
۱۱. شعرانی، میرزا ابوالحسن، (۱۳۸۵)، **ترجمه دمع السجوم، واقعه کربلا**، سازمان انتشارات تهران.
۱۲. صادقی، زمان (۱۳۸۶)، **فرهنگ عامیانه مردم قلعه گنج**، کرمان، انتشارات ولی.
۱۳. عباس پوردرآگاهی، حسن (۱۳۸۵)، **شهر سبز**، اصفهان، انتشارات افسر.
۱۴. قتالی، سید عبدالجلیل، (۱۳۸۹)، **مجموعه ی ضرب المثل های بندر خمیر**، انتشارات قلم.
۱۵. کبابی، محمد علی، (۱۳۴۵)، **بندرعباس و خلیج فارس**، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. معتمدی، عبدالهادی (۱۳۸۰)، **رودان بهشت هرمزگان**، انتشارات چی چی کا.
۱۷. ناظم، جلال (۱۳۸۴)، **کتاب استان هرمزگان ۷ ج**، بندرعباس سازمان برنامه ریزی استان هرمزگان.

۰ب: پایان نامه ها

۱- ایمانی، بهروز (۱۳۹۰)، بررسی گویش مردم حاجی آباد بندرعباس، پایان نامه ی ارشد، دانشگاه آزاداسلامی واحد کرمان.

۲- عباسی دُ مشهری، رحمت الله (۱۳۸۷)، بررسی زبان شناختی گویش مینابی، پایان نامه ارشد، دانشگاه باهنر کرمان.

۳- نجارزاده، سعید (۱۳۸۹)، بررسی آداب و رسوم مردم حاجی آباد بندرعباس، پایان نامه ارشد، دانشگاه آزاداسلامی واحد جیرفت.

